

# شاگردسازی

چگونه  
دیگران را در  
پیروی از عیسی  
یاری رسانیم



مارک دور

نادر پورمند



# شاگرد سازی

مارک دور

ترجمه: نادر پورمند

ویرایش: محمد ثانوی

شابک ۹۷۸-۱-۹۵۱۴۷۴-۴۹-۲

© 2020, 9Marks  
[www.9marks.org](http://www.9marks.org)  
[www.btcpersians.com](http://www.btcpersians.com)  
[www.kanoneketab.com](http://www.kanoneketab.com)

Discipling: How to Help Others Follow Jesus

Copyright © 2016 by Mark Dever

Published by Crossway

1300 Crescent Street

Wheaton, Illinois 60187

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system, or transmitted in any form by any means, electronic, mechanical, photo-copy, recording, or otherwise, without the prior permission of the publisher, except as provided for by USA copyright law. Crossway® is a registered trademark in the United States of America.

Cover design: Dual Identity, inc.

Cover image: Wayne Brezinka for brezinkadesign.com First printing 2016

Hardcover ISBN: 978-1-4335-5122-2 ePub ISBN: 978-1-4335-5125-3

PDF ISBN: 978-1-4335-5123-9 Mobipocket ISBN: 978-1-4335-5124-6

Library of Congress Cataloging-in-Publication Data

Dever, Mark.

Discipling : how to help others follow Jesus / Mark Dever.

pages cm.—(9Marks: building healthy churches)

Includes bibliographical references and index. ISBN 978-1-4335-5122-2 (hc)

1. Discipling (Christianity) I. Title.

Farsi ISBN: 978-1-951474-49-2

© 2019 www.kanoneketab.com \ www.btcpersians.com

Farsi Translation By: Nader Pormand, Farsi Editor: Mohammad Sanavi



[www.kanoneketab.com](http://www.kanoneketab.com)



کانون کتاب <https://t.me/Kanonketab>



[کانون کتاب مقدس](#)



[کانون کتاب مقدس](#)



[کانون کتاب مقدس](#)



عنوان: شاگردسازی

نویسنده: مارک دور

مترجم: نادر پورمند

ویرایش: محمد ثانوی

تعداد صفحات: ۱۱۰

شابک ۹۷۸-۱-۹۵۱۴۷۴-۴۹-۲

ناشر: کانون کتاب مقدس

چاپ اول ۲۰۲۰

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای موسسه کانون کتاب مقدس محفوظ است. هرگونه نسخه برداری الکترونیک، صوتی، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه کانون کتاب مقدس مطابق قانون حق مؤلف و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است.

## خوانندگان گرامی

امروزه ضرورت مطالعه اصولی و درک صحیح کتاب مقدس برای همه مسیحیان کاملاً مشهود است و هدف ما از ترجمه، گردآوری و تدریس این مجموعه کتب تعلیمی این بوده که به نوعی ابزارهای لازم برای این مهم را در اختیار معلمان کتاب مقدس قرار داده و آنها را مجهز نماییم تا علاوه بر تعلیم صحیح کتاب مقدس و شاگردسازی، قادر باشند تعالیم غلط و دروغین را نیز تمیز دهند.

امیدواریم و دعای ما این است که با درک صحیح و عمیق تر از کتاب مقدس، ثمرات نیکوی کلام خدا در زندگی شما و ما با کمک روح القدس به فراوانی دیده شود. در انتها از همه کسانی که با وفاداری برای تهیه این مجموعه ما را در این مدت یاری کرده‌اند تشکر می‌کنیم. همچنین از برادر کن تمپل برای مشاوره الهیاتی سپاس گزاریم.

برای تهیه دیگر کتب آموزشی لطفاً با ما به آدرس [btcpersians@gmail.com](mailto:btcpersians@gmail.com) تماس حاصل نمایید و یا از سایت ما به آدرس [www.kanoneketab.com](http://www.kanoneketab.com) برای دریافت دیگر منابع دیدن فرمایید. قبلاً از لطف شما سپاسگزاریم.

محمد ثانوی

مدیر اجرایی کانون کتاب مقدس

هدف کانون کتاب مقدس:

آماده سازی و تجهیز مردان و زنانی است  
که توسط کلیسای محلی به عنوان  
خدمت گذاران با صلاحیت تشخیص داده  
شده اند تا خدمت آموزش و  
شاگردسازی بدن مسیح را با انجام رسانند.

## فهرست

۹	پیشگفتار مجموعه
۱۱	مقدمه

### قسمت اول - شاگردسازی چیست؟

۲۳	فصل ۱ اجتناب ناپذیری تاثیر و نفوذ
۲۷	فصل ۲ معطوف بودن بسوی دیگران
۳۵	فصل ۳ کار شاگردسازی
۴۵	فصل ۴ اعتراضات وارده به شاگردسازی

### قسمت دوم - کجا باید شاگردسازی کنیم؟

۵۱	فصل ۵ کلیسای محلی
۵۷	فصل ۶ شبانان و اعضا

### قسمت سوم - چگونه باید شاگردسازی کنیم؟

۷۱	فصل ۷ فردی را انتخاب کنید
۸۱	فصل ۸ اهداف واضحی داشته باشید
۸۵	فصل ۹ بها را پردازید
۹۱	فصل ۱۰ تربیت رهبران آینده
۱۰۳	خاتمه یادداشتی از جانانان لی من



## IX 9Marks

### آیا کلیسای شما تندرست است؟

هدف مؤسسه «ناین مارکس» (۹ علامت) تجهیز رهبران کلیسا با دیدگاه کتاب مقدس و منابع قابل اجرا جهت به نمایش گذاشتن جلال و شکوه خدا به ملت‌ها از طریق کلیساهای تندرست است.

به همین دلیل مایلم که کلیساهای ما با رشد ۹ علامت تندرستی که اغلب نادیده گرفته می‌شوند، یاری نمایم. این ۹ علامت عبارت‌اند از:

- ۱ - موعظه تشریحی
- ۲ - الهیات کتاب مقدسی
- ۳ - درک کتاب مقدسی از خبر خوش
- ۴ - درک کتاب مقدسی از تبدیل شدن انسان‌ها
- ۵ - درک کتاب مقدسی از بشارت
- ۶ - درک کتاب مقدسی از عضویت کلیسا
- ۷ - درک کتاب مقدسی از تادیب یا انضباط کلیسایی
- ۸ - شاگردسازی و رشد کتاب مقدسی
- ۹ - رهبری کتاب مقدسی کلیسا

ما در مؤسسه ناین مارکس مقاله، کتاب، نقد و بررسی کتاب و مجله آنلاین تهیه می‌نماییم. همچنین ما در برگزاری و ضبط صوتی تصویری کنفرانس‌ها و گفتگوها فعالیت داشته تا کلیساهای ما برای نمایش جلال خدا، تجهیز نمایم.

در حال حاضر وبسایت ما شامل ۳۰ زبان مختلف دنیا است. با ثبت نام در سایت شما می‌توانید از مجله آنلاین ما استفاده نمایید.

[9marks.org/about/international-efforts](http://9marks.org/about/international-efforts)

[9marks.org](http://9marks.org)



## پیش‌گفتار مجموعه

آیا باور دارید که مسئولیت شما یاری کردن در جهت بنای کلیسای تندرست است؟ اگر شما مسیحی هستید، ما بر این باوریم که این مسئولیت بر دوش شماست.

عیسی به شما فرمان داده که رفته و شاگرد بسازید (متی ۲۸: ۱۸ - ۲۰). رساله به یهودا می‌فرماید که شما باید در ایمان پیشرفت کنید (یهودا ۲۰-۲۱). پطرس رسول می‌فرماید که عطایای خود را در راه خدمت به دیگران استفاده نمایید (۱ پطرس ۴: ۱۰). پولس رسول می‌فرماید که حقیقت را در قالب محبت بازگو کرده، به این ترتیب کلیسای شما در بلوغ رشد نماید (افسیسیان ۴: ۱۳، ۱۵). متوجه هستید که با این صحبت‌ها به کجا می‌رویم؟

چه شما عضو کلیسا یا یکی از مشایخ کلیسا باشید، هدف مجموعه کتاب‌های «کلیسای تندرست»، یاری رساندن به شما در جهت تکمیل فرمان کتاب مقدس و نقش شما در بنای کلیسای تندرست می‌باشد. امید ما بر این است که این سری کتاب‌ها شما را کمک نموده تا محبتان به کلیسا همچون محبت عیسی به کلیسا، رشد کند.

برنامه موسسه «۹ علامت»، تهیه کتابچه‌هایی برای هر بخش از این «۹ علامت کلیسای تندرست»، و به علاوه موضوع «الهیات صحیح» می‌باشد. به دنبال تهیه کتاب‌های «موعظه تشریحی»، «الهیات کتاب مقدسی»، «انجیل»، «تبدیل جانها»، «بشارت دادن»، «عضویت

کلیسا»، «تادیب و تنبیه کلیسایی»، «شاگرد سازی و رشد» و «مشایخ  
کلیسا» باشید.

موجودیت کلیسا برای نمایش جلال خدا به ملت‌هاست. ما این کار را  
با چشم دوختن به انجیل عیسی مسیح، اطمینان به نجات او، و سپس با  
قدّوسیت خداوند و در اتحاد باهم و محبّت کردن به یکدیگر، انجام  
می‌دهیم.

با امید،

مارک دور و جاناتان لی‌من

ویراستگران ارشد

## مقدمه

سالهاست که همسرم مجبور بوده بی میلی مرا برای پرسیدن آدرس را تحمل کند. می بینید، من فکر می کنم که یک نوع استعداد طبیعی برای جهت یابی دارم! البته این بدین معناست که گاهی اوقات اعتماد به نفس من از اطلاعاتم در مورد راهها و مسیرهای درست، جلو می زند. آنطور که او در مورد من می گوید: «همیشه مطمئن، و گاهی اوقات درست».

فقط من نیستم که دوست دارم متفاوت عمل کنم. مردم این سخنان را برت فراست Robert Frost را دوست دارند که می گوید: «دو جاده در یک جنگل از هم جدا شده اند، و من آن یکی که کمتر از آن استفاده شده را انتخاب می کنم، و تفاوت در اینجاست». هنری دیوید تورو Henry David Thoreau گفته: «اگر سربازی با همراهم خود هماهنگ قدم بر نمی دارد، شاید به این دلیل باشد که صدای طبل دیگری را می شنود». و سخنان معروف ویلیام ارنست هنلی William Ernest Henley مشهور که می گوید: «من صاحب و ارباب سرنوشت خود هستم: من ناخدای روح خودم هستم».

این فقط شاعران و نویسندگان نیستند که عاشق استقلال خودشان هستند. رابرت پوتنام Robert Putnam در کتاب Bowling Alone می گوید: مردم در کل از کلوبها، انجمن های مدنی و کلیساهای محلی خود جدا می شوند. دیدگاه رایج اعضای خانواده که هنگام صرف شام به دوستانشان پیامک می زنند، عنوان کتاب شری تورکل Sherry Turkle «در کنار هم و تنها Alone Together: موضوع «چرا از فناوری بیشتر انتظار داریم تا از یکدیگر» را به نوعی توضیح می دهد. اریک

کلینبرگ Eric Klinenberg در کتاب «تنها رفتن» Going Solo می‌نویسد که تعداد بیشتری از افراد تصمیم می‌گیرند که تنها زندگی کنند.<sup>۱</sup>

کلینبرگ می‌نویسد:

به عنوان مثال در سال ۱۹۵۰، ۴ میلیون آمریکایی تنها زندگی می‌کردند و کمتر از ۱۰ درصد کل خانوارها را تشکیل می‌دادند. امروز بیش از ۳۲ میلیون آمریکایی تنها زندگی می‌کنند. آنها ۲۸ درصد از کل خانوارها را در سطح ملی تشکیل می‌دهند؛ بیش از ۴۰ درصد در شهرهایی از جمله سان فرانسیسکو، سیاتل، آتلانتا، دنور و مینیاپولیس؛ و نزدیک به ۵۰ درصد در واشنگتن دی سی و منهتن، پایتخت دوقلوی «ملت تنها».<sup>۲</sup>

و این روند فقط در آمریکا نیست. در استکهلم سوئد، ۶۰ درصد از کل خانوارها طبق گفته کلینبرگ، فقط یک عضو دارند.<sup>۳</sup>

چه خبر شده است؟ کلینبرگ درمی‌یابد که ساکنین بسیاری از مناطق، به مقدار فضای محل سکونت اهمیت کمتری می‌دهند تا به نزدیکی آن به مراکز امکانات رفاهی مانند - فروشگاه‌ها، رستوران‌ها و سالن‌های ورزشی. تک نواها، آنطور که او آنها را می‌نامد، همه چیز را تغییر می‌دهند تا برای آنها راحت‌تر باشد. بهر حال تعهدات مشترک باید برای آنها جدایی‌پذیر و موقت باشد.

امروز دوره‌ی آبی - فون و آبی - پد، آبی - تیون و بگذارید بگویم آبی - زندگی است. اما آیا در این آبی - زندگی هیچ جایی برای زندگی مسیحی ما وجود دارد؟

---

۱. Robert D. Putnam, *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community* (New York: Simon & Schuster, 2000); Sherry Turkle, *Alone Together: Why We Expect More from Technology and Less from Each Other* (New York: Basic Books, 2011); Eric Klinenberg, *Going Solo: The Extraordinary Rise and Surprising Appeal of Living Alone* (New York, Penguin, 2012).

۲. Klinenberg, *Going Solo*, 208.

۳. همان منبع قبلی

در مرکز مسیحیت این حقیقت قرار دارد که خدا اشتیاق دارد که انسان‌ها، شخصیت و خصوصیات او را به نمایش بگذارند. آنها این کار را از طریق اطاعت از کلام او در روابط خود با او و با یکدیگر انجام می‌دهند. بنابراین او پسر خود را فرستاد تا قومی را فراخواند تا از او (پسر) پیروی کنند. و بخشی از پیروی از پسر این است که تعداد بیشتری را برای پیروی از او فرا بخوانیم. سپس این افراد در زندگی جمعی خود، زندگی ما در پدر، پسر و روح را به نمایش می‌گذارند. آنها با هم محبت، قدوسیت و یکتایی خدا را به نمایش می‌گذارند.

بنابراین پسر او قبل از صعود به آسمان، آخرین فرمان را می‌دهد: بروید و شاگرد بسازید (متی ۲۸: ۱۹). به عبارت دیگر، زندگی این افراد باید وقف کمک به دیگران برای پیروی از عیسی باشد.

این تعریف عملی شاگردسازی در این کتاب است: کمک به دیگران تا عیسی را پیروی کنند. می‌توانید آن را در عنوان فرعی کتاب مشاهده کنید. طریق دیگری که می‌توانیم شاگردسازی را تعریف کنیم ممکن است این باشد: شاگردسازی عبارت است از نیکوکاری روحانی عمدی (برنامه ریزی شده)، برای کسی است تا آن شخص بیشتر شبیه مسیح بشود. شاگردی اصطلاحی است که من برای توصیف پیروی خودمان از مسیح استفاده می‌کنم. شاگردسازی زیر مجموعه آن است، یعنی کمک به شخص دیگری تا مسیح را پیروی کند.

زندگی مسیحی زندگی شاگردی و شاگردسازی است. بله، مسیحیت مستلزم انتخاب جاده‌ای است که کمتر از آن استفاده شده و شنیدن صدای طبل متفاوتی است. اما نه به معناییکه منظور فرست Frost و تورو Thoreau بود. مسیحیت برای افراد منزوی و فردگرا نیست. بلکه برای افرادی است که با هم در راه باریکی سفر می‌کنند، که به حیات ختم می‌شود. باید پیروی کنید و باید رهبری کنید. باید محبت شوید و باید محبت کنید. و بهترین راه محبت به دیگران، کمک به آنها برای پیروی از عیسی در مسیر زندگی است.

آیا درک شما از مسیحیت این است؟ و مسیحی بودن به چه معناست؟

## شاگرد چیست؟

قبل از اینکه بتوانیم دیگران را شاگرد کنیم، باید، خود شاگرد شویم. باید مطمئن شویم که از مسیح پیروی می‌کنیم.

شاگردی چیست؟ یک شاگرد یک پیرو است. می‌توانید این کار را با پیروی از تعالیم شخصی از راه دور انجام دهید، مثلاً کسی ممکن است بگوید که از تعالیم و نمونه زندگی گانندی پیروی می‌کند. و شاگرد مسیح بودن حداقل به همین معناست. یک شاگرد عیسی قدم‌های او را دنبال می‌کند، آنگونه که عیسی تعلیم داد و زندگی کرد را بعمل می‌آورد. اما شاگردی عیسی، معنایی بیشتر از این را دارد. پیروی از مسیح ابتدا بدین معناست که شما وارد یک رابطه‌ای شخصی و نجاتبخش شده‌اید. همانطور که کتاب مقدس می‌گوید: «شما با مسیح متحد شده‌اید» (فیلیپیان ۲: ۱). از طریق عهد جدید در خون او متحد شده‌اید. به واسطه مرگ و قیام او، گناهکاری شما به حساب او گذاشته می‌شود، و عدالت او به حساب شما.

به عبارت دیگر شاگرد مسیح بودن، با انجام کاری از طرف ما آغاز نمی‌شود. بلکه با کاری که مسیح انجام داد، شروع می‌شود. عیسی شبان نیکویی است که جان خود را برای گوسفندان فدا کرد (یوحنا ۱۰: ۱۱). او کلیسا را دوست داشت و به همین دلیل خودش را فدای آن کرد (افسیان ۵: ۲۵). او بدهی ما را پرداخت نمود و سپس ما را به عنوان قوم مقدسش با خود متحد نمود.

می‌بینید، خدا نیکوست و ما را نیکو خلق نمود. اما هر یک از ما با برگشتن از خدا و شریعت نیکوی او، گناه کرده ایم. و چون خدا نیکوست، گناهان ما را مجازات خواهد کرد. با این حال، خبر خوش مسیحیت این است که عیسی آن زندگی کامل و بی‌عیبی که ما باید داشتیم را زندگی نمود، و سپس به مرگی مرد که ما باید می‌مردیم. او برای هر کسی که از گناه خود توبه کرده و تنها به او اعتماد کردند، خود را به عنوان جانشین و قربانی تقدیم نمود. این چیزی است که عیسی عهد جدید در خون خود نامید.

بنابراین، شاگردی مسیحی همین جا با پذیرش این هدیه رایگان شروع می‌شود: فیض، رحمت، رابطه با خدا و وعده حیات ابدی.

چگونه این هدیه را می‌پذیریم و خودمان را با او متحد می‌کنیم؟ از طریق ایمان! ما از گناهان خود بر می‌گردیم و او را پیروی می‌کنیم، به او بعنوان منجی و خداوند خود اعتماد می‌کنیم. عیسی در نقطه‌ای از خدمت خود رو به جمعیت کرد و گفت: «اگر کسی می‌خواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، صلیب خود را برداشته و دنبال من بیاید» (مرقس ۸: ۳۴).

شاگردی ما از مسیح وقتی شروع می‌شود که این دو کلمه را بشنویم و اطاعت نماییم: دنبال من بیا.

دوست من، اگر مسیحی شوید، صرف نظر از اینکه هر معلم دیگری آن را چطور گفته است، به حرف عیسی گوش بدهید. او می‌گوید که مسیحی بودن مستلزم این است که خودت را انکار کرده، صلیب را برداری و او را دنبال کنی. واکنش اساسی به محبت شدید خداوند به ما این است که او را به شدت دوست داشته باشیم.

مسیحی بودن به معنای شاگرد بودن است. هیچ مسیحی وجود ندارد که شاگرد نباشد. و شاگرد عیسی بودن به معنای پیروی از عیسی است. هیچ شاگردی از عیسی وجود ندارد که در حال پیروی از عیسی نیست. اینکه در فرم‌های مختلف دینتان را مسیحی عنوان کنید، یا صمیمانه بخاطر مسیحی بودن والدینتان خودتان را مسیحی بدانید، یا برای مخالفت با بقیه ادیان به مسیحیت ارجحیت بدهید، شما را یک مسیحی نمی‌سازد. مسیحیان کسانی هستند که به مسیح ایمان واقعی دارند و آن را با قرار دادن امیدها، ترس‌ها و زندگی خود در دستان او نشان می‌دهند. آنها او را به هر جایی که رهبری کند دنبال می‌کنند. شما دیگر برنامه زندگی خود را تعیین نمی‌کنید، عیسی مسیح این کار را می‌کند. حالا به او تعلق دارید. پولس می‌گوید: «دیگر از آن خود نیستید. به بهایی خریده شده‌اید» (اول قرنتیان ۶: ۱۹ - ۲۰ را ببینید). عیسی فقط منجی ما نیست، بلکه خداوند ماست.

پولس آن را اینگونه توضیح داد: «و به خاطر همه مرد تا زندگان دیگر نه برای خود، بلکه برای آن کس زیست کنند که به خاطرشان مرد و برخاست» (دوم قرنتیان

۵: ۱۵). مردن برای خود و زندگی کردن برای او به چه معناست؟ دان کارسون Don Carson گفته است: «مردن برای خود به معنای این است که در نظر بگیریم بهتر است بمیریم تا شهوت داشته باشیم؛ بهتر است بمیریم تا دروغ بگوئیم؛ بهتر است بمیریم تا . . . (خودتان یک گناه را نام ببرید)». زندگی مسیحی زندگی شاگردی است و با شاگرد مسیح شدن آغاز می شود.

### چرا شاگردسازی؟

اما زندگی مسیحی زندگی شاگردسازی نیز هست. شاگردسازی شاگردان. ما بوسیله فراخواندن مردم به پیروی، کسی را پیروی می کنیم که مردم را به پیروی فرا می خواند. چرا این کار را می کنیم؟ به خاطر محبت و اطاعت.

محبت. انگیزه شاگردسازی دیگران فقط و فقط در محبت خدا شروع می شود. او در مسیح محبت کرده است، و بنابراین ما او را دوست داریم. و قسمتی از این کار را با محبت کردن به کسانی که او در اطراف ما قرار داده است، انجام می دهیم.

وقتی یکی از علمای شریعت از عیسی سؤال می کند که بزرگترین حکم چیست، عیسی پاسخ می دهد: «خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر و با تمامی قوت خود محبت کن» (مرقس ۱۲: ۳۰). آنچه که خداوند بیش از هر چیز دیگر از شما طالب است، او را محبت کنید - همه جاه طلبی ها و انگیزه های شما، خواسته ها و آرزوهای شما، افکار و استدلال های شما، قوت و انرژی شما بوسیله کلام او تربیت شود و پاک گردد و منظم شود.

در حقیقت، جامع و کامل بودن وفاداری شما به خدا بوسیله محبت شما به کسانی که بصورت خدا ساخته شده اند، نشان داده می شود. آن دنیای شریعت ممکن است یک حکم را درخواست کرده باشد، اما دو حکم است که دریافت کرد: «دومین حکم این است: همسایه ات را همچون خویشتن محبت کن. بزرگتر از این دو، حکمی نیست» (مرقس ۱۲: ۳۱). حذف کردن حکم دوم مساوی با نادیده گرفتن حکم اول است. محبت کردن خدا برای محبت کردن همسایه اساسی است. و محبت

کردن به خدا در محبت کردن همسایه، خودش را نشان می دهد. و وظیفه محبت کردن را کامل می کند.

محبت خدا به ما یک واکنش زنجیره‌ای را آغاز می کند. او ما را محبت می کند، سپس ما او را محبت می کنیم، سپس دیگران را محبت می کنیم. یوحنا این را اینگونه می گوید: «ما محبت می کنیم زیرا او نخست ما را محبت کرد. اگر کسی ادعا کند که خدا را محبت می نماید اما از برادر خود نفرت داشته باشد، دروغگوست. زیرا کسی که برادر خود را، که می بیند، محبت نکند، نمی تواند خدایی را که ندیده است، محبت نماید. و ما این حکم را از او یافته ایم که هر که خدا را محبت می کند، باید برادر خود را نیز محبت کند» (اول یوحنا ۴: ۱۹ - ۲۱).

ادعای هر محبتی نسبت به خدا که خود را در محبت به همسایه نشان ندهد، محبت به یک خدای کاذب است، شکل دیگری از بت پرستی است. در این آیات، عیسی و یوحنا برخی از پیوندهای شکسته شده در سقوط انسان را دوباره متصل می کنند.

شاگردسازی دیگران - کار نیکوی روحانی حساب شده، برای کمک به آنها در پیروی از مسیح - این محبت نسبت به خدا و دیگران را به نمایش می گذارد.

اطاعت. اما اطاعت ما به محبت ما محکم بسته شده است. عیسی تعلیم داد: «اگر مرا دوست بدارید، احکام مرا نگاه خواهید داشت» (یوحنا ۱۴: ۱۵؛ همچنین ۱۴: ۲۳، ۱۵: ۱۲-۱۴ را ببینید). و سپس چه فرمانی داده است؟ «پس بروید و همه قومها را شاگرد سازید و ایشان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمیم دهید و به آنان تعلیم دهید که هر آنچه به شما فرمان داده‌ام، به جا آورند. اینک من هر روزه تا پایان این عصر با شما هستم!» (متی ۲۸: ۱۹-۲۰). بخشی از اطاعت ما هدایت دیگران به سمت اطاعت است.

فرمان آخر عیسی این نبود که شاگردانش را به مقاومت مسلحانه در برابر روم ترغیب کند، یا از آنها بخواهد که از قاتلینش انتقام بگیرند. بلکه عیسی به پیروان خود نگاه کرد و به آنها گفت که شاگرد بسازند، نه اینکه فقط شاگرد باشند.

عیسی بین کسانی که این مأموریت به آنها داده شد و کسانی که به آنها داده نشد، هیچ تفاوتی قائل نمی‌شود. او وعده حضور خود را به همه مسیحیان می‌دهد، همانطور که روز پنطیکاست نشان می‌داد. و این وعده تا آخر زمان ادامه دارد، خیلی فراتر از دوران زندگی رسولان. در طول بقیه عهد جدید، می‌بینیم که همه مسیحیان طبق توانایی‌ها، فرصت‌ها و فراخواندگی‌شان این کار را انجام می‌دهند. این مأموریت بزرگ به همه کسانی که شاگرد عیسی خواهند بود، داده شده است. این فرمان به همه ایمانداران هر زمانی داده شده است.

شاگردسازی برای مسیحیت اساسی است. چقدر واضح تر می‌تواند باشد؟ اگر در کار شاگردسازی نیستیم، ممکن است شاگرد او نباشیم.

### کجا و چگونه شاگردسازی کنیم؟

در عین حال، نکته دیگری در مورد این فرمان آخر عیسی وجود دارد که باید ملاحظه شود. و نکته این است که او از ما می‌خواهد که کجا و چگونه شاگردسازی کنیم. ما باید از طریق کلیساهایمان در بین همه ملت‌ها شاگرد بسازیم.

در بین همه ملت‌ها. او قبل از اینکه به شاگردانش بگوید شاگرد بسازید، می‌گوید که تمامی اقتدار در آسمان و زمین را دریافت کرده است و اینکه آنها باید «بروند». اقتدار عیسی جهانی است، و همچنین موضوع مورد علاقه او. و جهانی بودن اقتدار و موضوع مورد علاقه او منجر به جهانی شدن مأموریت ما می‌شود: ما به سوی همه کشورهای و ملت‌ها می‌رویم. شاگردسازی فقط منحصر به اسرائیل یا خاورمیانه یا آفریقا نیست. مسیحیت فقط برای اروپا یا آسیا نیست. مسیح تمامی اقتدار را دارد، و بنابراین ما می‌رویم تا از همه ملت‌ها شاگرد بسازیم.

از طریق کلیساهایمان. او پس از اینکه به شاگردان می‌گوید شاگرد بسازند، به آنها می‌گوید چگونه این کار را انجام دهند - از طریق تعمید و تعلیم.

بله، فرد مبشر درون مرزی و برون مرزی به سراسر دنیا می‌رود، به دفتر کار می‌رود، داخل مدرسه می‌رود، به محله می‌رود، به این طرف دنیا و چه آن طرف دنیا.

اما خدمت برگزاری آیین‌ها و خدمت تعلیم در درجه اول از طریق کلیساها صورت می‌گیرد. کلیساها ماموریت بزرگ را به انجام می‌رسانند، و شاگردسازی کار کلیساهاست.

مطمئن باشد که مشارکت و شاگردسازی خوب، می‌تواند در خارج از زمینه عضویت در کلیسا اتفاق بیفتد. اما ما بواسطه خدمت تعمیم و شام خداوند در کلیسا یکدیگر را بعنوان ایماندار می‌شناسیم. و این یک پاسخگویی روحانی مفید به روابط شاگردسازی را اضافه می‌کند. مسیحیان از طریق خدمت تعلیم کلیسا و مشایخ می‌آموزند که از هر آنچه عیسی فرمان داده، پیروی کنند.

نخستین جایی که مسیحیان باید به طور معمول دنبال شاگرد شدن و شاگردسازی بگردند، مشارکت کلیسای محلی است، هم جمع شده و هم پراکنده. دیوید ولز David Wells مشاهده کرده است که: «ساخت کلیساهایی که حق جویان در آن جمع می‌شوند بسیار آسان است؛ ساخت کلیساهایی که ایمان کتاب مقدس در آن بالغ شده و به شاگرد واقعی تبدیل می‌شوند، بسیار سخت است»<sup>۴</sup>

## نتیجه

هدف این کتاب این است که در درک شاگردسازی کتاب مقدسی به شما کمک نماید و شما را به اطاعت از مسیح تشویق کند. همانطور که گفتم، شاگردسازی کتاب مقدسی بوسیله کار نیک روحانی حساب شده در زندگی دیگران، به آنها کمک می‌کند که عیسی را پیروی کنند. و شاگردسازی کتاب مقدسی غالباً در کلیسا و از طریق آن اتفاق می‌افتد. متأسفانه امروزه مسیحیان به آسانی می‌توانند این نکته را نبینند.

بنابراین، وقتی یکشنبه‌ها در کلیسا شرکت می‌کنید، فقط به دنبال چیزهایی هستید که می‌توانید بدست بیاورید، یا به دنبال راه‌هایی هستید که به دیگران بخشید؟ و

---

۴. David F. Wells, *Above All Earthly Pow'rs: Christ in a Postmodern World* (Grand Rapids, MI: Eerdmans, 2005), 119.

چگونه از وعده‌های خوراکی و اوقات فراغت خود در طول هفته استفاده می‌کنید؟ آیا برای بشارت به دیگران یا راه‌های مختلف بنای سایر مسیحیان، برنامه ریزی می‌کنید؟

شاید فکر کرده باشید که قبل از اینکه بتوانید شاگردسازی کنید، واقعاً لازم است خودتان شاگرد شوید. شاگرد بودن قطعاً بسیار مهم است. اما عیسی به شما فرمان داد که شاگرد بسازید. و بخشی از شاگرد بودن، در واقع، شاگردسازی است. بخشی از روند بلوغ این است که به دیگران در بالغ شدن کمک کنیم. خدا می‌خواهد در کلیسا باشید، نه فقط بخاطر اینکه نیازهای‌تان برآورده شود، بلکه تا مجهز و ترغیب شوید که از دیگران مراقبت کنید.

مسیحیت - آیین و دین کتاب مقدس - برای افراد قوی، انسان‌های خود ساخته که به هیچ کس دیگری احتیاج ندارد، نیست. بلکه برای شاگردان مسیح است، پیروانی که دیگران را برای پیروی و شاگردی مسیح هدایت می‌کنند.

قسمت اول

شاگرد سازی چیست؟



## اجتناب ناپذیریِ تاثیر و نفوذ

خصوصیات یا «صفات» خدا به ما می گوید خدا چگونه است. و الهیدانان صفات او را به دو دسته تقسیم می کنند: قابل انتقال و غیر قابل انتقال. صفات قابل انتقال ممکن است به ما منتقل شود یا به اشتراک گذاشته شود. به محبت یا قدوسیت خدا فکر کنید. ما نیز می توانیم محبت کنیم و مقدس باشیم. اما صفات غیر قابل انتقال او ویژگی هایی است که فقط او در اختیار دارد. به همه جا حاضر بودن یا همه دانی او فکر کنید.

یکی از صفات غیر قابل انتقال خدا این است که او تغییر ناپذیر است. او تغییر نمی کند. ما تغییر می کنیم.

### ما موجودات تغییر پذیری هستیم

شاید دارید فکر می کنید: «شما نمی دانید، عادات شوهر من اصلاً عوض نشده!» حق با شماست. من نمی دانم. با این حال به شما قول می دهم، هر چقدر هم که عادت های زندگی ما عمیق و قدیمی باشد، ما انسان ها همیشه در حال تغییر کردن هستیم.

ما متولد می شویم، رشد می کنیم، پیر می شویم و می میریم. همه اینها تغییر است. چیزهایی را می آوزیم که نمی دانستیم، و چیزهایی را فراموش می کنیم که می دانستیم. بیشتر خداپرست می شویم یا کمتر. همه اینها نیز تغییر است.

و البته شرایط ما را تحت تأثیر قرار می دهد - بعضی اوقات به خیریت ما، برخی اوقات به ضرر ما.

خدا تغییر نمی کند؛ ما تغییر می کنیم. ما ذاتا موجودات تغییر پذیر و متغیری هستیم.

علاوه بر این، ما در جهانی زندگی می‌کنیم که دچار مناقشه و کشمکش روحانی جدی است. پطرس می‌دانست که دنیا به کسانی که نامه‌های او را می‌خواندند فشار آورده است: «از همین رو، اکنون که در این بی‌بندوباری‌های مفرط با ایشان شریک نمی‌شوید، حیرانند و دشنامتان می‌دهند» (اول پطرس ۴: ۴). پولس مشاهده کرد که فرمانروای قدرت‌های هوا «در حال کار کردن» در نامطیعان است (افسیان ۲: ۲). به همین دلیل ما را ترغیب می‌کند که همشکل این جهان نشویم، بلکه با تجدید ذهن خود دگرگون شویم (رومیان ۱۲: ۲).

آگوستین، شبان آفریقایی قرن پنجم، این مناقشه و کشمکش روحانی را بعنوان برخورد میان دو شهر - شهر انسان و شهر خدا توصیف کرده است. و هر دو شهر می‌خواهند ما را برای کار خودشان جذب کنند. واقعیت اساسی در اینجا این است که انسان می‌تواند تغییر کند - بصورت مثبت و منفی.

### ما تاثیر می‌گذاریم و تحت تاثیر هستیم

بعبارت دیگر، ما انسان‌ها پذیرای تحت تأثیر قرار گرفتن هستیم.

چند روز پیش به طرف بانک خودم قدم زدم - وقتی بیست سال پیش به محله جدیدم اسباب کشی کردم، این بانک را دوستم مت Matt به من معرفی کرد. سپس از آنجا به آرایشگاه رفتم که موهایم را کوتاه کنم - وقتی بیست سال پیش به محله جدیدم اسباب کشی کردم، این آرایشگاه را هم دوستم مت به من معرفی کرد. مت به من نشان داد که چه کار می‌کرد، و بنابراین من هم همان کار را کردم. مت برای زندگی کردن در آن محله، من را شاگردسازی کرد. حالا بیست سال گذشته و میتوانم مسیر بانک و آرایشگاه را خودم پیدا کنم. گفته عیسی را بیاد بیاورید: وقتی یک شاگرد تعلیم و تربیتش کامل شود، مانند استادش خواهد شد (لوقا ۶: ۴۰).

در حقیقت، من می‌خواهم یک گام جلوتر بروم: همه ما ناگزیر تحت تأثیر دیگران قرار خواهیم گرفت، و ما نیز به نوبه خود دیگران را تحت تأثیر قرار خواهیم داد. پولس می‌گوید: «معاشرت بد، اخلاق خوب را فاسد می‌سازد» (اول قرنتیان ۱۵: ۳۳)، و «اندکی خمیر مایه می‌تواند تمامی خمیر را ور بیاورد» (اول قرنتیان ۵: ۶). مردم

اجتناب ناپذیریِ تاثیر و نفوذ

اطرافتان بر روی شما تأثیر خواهند گذاشت، خوب، یا بد. شما نیز به نوبه خود بر مردم اطرافتان تأثیر خواهید گذاشت، خوب یا بد. یک پدر حتی در غیاب خود بر روی فرزندانش تأثیر می‌گذارد. هیچ یک از ما در یک جزیرهٔ متروکه تنها زندگی نمی‌کنیم.

### چگونه از نفوذ خود استفاده خواهید کرد؟

تنها سوالی که برای شما باقی می‌ماند این است که چگونه از نفوذ خود استفاده خواهید کرد؟

شاید فکر نکردید که تأثیرگذار هستید، اما هستید! شما به شباهت خدا خلق شده‌اید و خدا آنقدر نفوذ دارد که حتی شیهه او بودن نیز سبب نفوذ می‌شود. زندگی شما بر اطرافیان تأثیر می‌گذارد، حتی اگر در پائین‌ترین قسمت هرم قدرت و موقعیت قرار داشته باشید، یا احساس نکنید که مورد احترام اطرافیان تان هستید.

توجه کنید پطرس چگونه به خدمتکاران ارباب بی‌انصاف یا همسران شوهران بی‌ایمان دستورالعمل ارائه می‌کند (اول پطرس ۲: ۱۸-۲۰؛ ۳: ۱). او می‌داند که هر دو بوسیلهٔ وفاداری خود دارای نفوذ هستند. پطرس می‌گوید که همسران شوهران غیر مسیحی می‌توانند این شوهران را بدون «هیچ سخنی با رفتار خود» جذب کنند. و مثال مورد نظر برای هر یک از اینها، عیسای مسیح است. او از طریق درد و رنج خود، شفا و حیات آورد (اول پطرس ۲: ۲۱-۲۵).

به عبارت دیگر، شما از طریق عطایایی که خدا در آفرینش به شما بخشیده است، دارای نفوذ خواهید بود. اما بیش از این، شما می‌توانید تأثیر انجیلی داشته باشید و شگفت آور اینکه، تأثیر انجیلی بر زندگی مردم تنها از طریق نقاط قوت شما صورت نمی‌گیرد، بلکه از طریق ضعف‌های شما نیز. خداوند این کار را انجام می‌دهد تا قدرت او از طریق ضعف ما به نمایش درآید، و همه جلال را دریافت کند (نگاه کنید به دوم قرنتیان ۱۲: ۹).

طبق کتاب مقدس، یک شاگرد مسیح با کمک به دیگران در پیروی از مسیح، آنها را شاگردسازی می‌کند. آیا شما از نفوذ خود اینگونه استفاده می‌کنید؟



## معطوف بودن بسوی دیگران

اگر تا به حال خوراک خوردن خوک‌ها را در گل و شل ندیده‌اید، احتمالاً می‌توانید آن را تصور کنید. هل می‌دهند. تنه می‌زنند. خر خر می‌کنند. تا آنجا که می‌توانند خوراک را می‌بلعند، بدون اینکه به فکر بقیه باشند.

یک سؤال خنده دار که ارزش آن را دارد یک لحظه به آن فکر کنید: آیا یکشنبه گذشته اینطوری در کلیسا شرکت کردید؟

نه، من شما را خوک نمی‌خوانم. اما کمی مکث کنید و به این نکته توجه کنید: ماشین‌تان را کجا پارک کردید؟ چه زمانی به کلیسا رسیدید؟ کجا نشستید؟ با کی صحبت کردید؟ هر کدام از این تصمیماتی که گرفتید، فرصتی برای شما فراهم کرد که خودتان را به دیگران اختصاص دهید و به این ترتیب به کار مسیح بپیوندید. یا آنها فرصتی برای شما فراهم کردند تا مراقب خودتان باشید و آن چیزی که به نفع‌تان بود را انجام بدهید. کدام یک از اینها را انجام دادید؟ آیا آگاهانه برنامه ریزی کردید که چگونه با هر کدام از آن تصمیمات به دیگران برکت بدهید؟

شاگرد عیسی بودن به معنای این است که زندگی‌مان به سوی دیگران معطوف باشد، دقیقاً مانند عیسی مسیح. یعنی به خاطر دیگران کار کنیم. این محبت به دیگران، در مرکز شاگردسازی است. ما دیدگاه‌های خود را برای خدمت به دیگران به خاطر مسیح تنظیم می‌کنیم، درست همانطور که مسیح به دنیا آمد تا مورد خدمت قرار نگیرد، بلکه خدمت کند و جان خود را بعنوان فدیة بسیاری از مردم فدا کند (مرقس ۱۰: ۴۵).

زندگی شاگردسازی یک زندگی با محوریت دیگران است که در قدرت خدا زحمت می کشد تا مسیح را اعلام نماید و دیگران را بالغ در مسیح تقدیم نماید. این الگویی است که در کتاب مقدس می بینیم.

### الگوی کتاب مقدسی

قبل از اینکه حتی اسم مسیح در کتاب مقدس بیاید، خداوند این درس ها را از طریق خانواده در خود خلقت قرار داده است. در نظر بگیرید که خدا چگونه ما را والدین می کند. او در ذات ما میل به دوست داشتن و توجه کردن شدید به یک تن را قرار داده، اینکه او را خوراک بدهیم و تحت تربیت و پرورش قرار دهیم تا بالغ شود.

سپس، در اسرائیل باستانی، او از قدرت این روابط والدین استفاده می کند تا کلام خود را جاری نماید. بنابراین موسی ده فرمان را می دهد. او به مردم می گوید خدا را دوست داشته باشند. و سپس به بنی اسرائیل دستور می دهد: «و این سخنان که من امروز تو را امر می فرمایم، بر دل تو باشد. آنها را به دقت به فرزندان بیاموز، و حین نشستن در خانه و رفتن به راه، و هنگام خوابیدن و برخاستن، از آنها گفتگو کن. » (تثیه ۶: ۶-۷). در اینجا خداوند یک درس عملی در مورد شاگردسازی یک انسان دیگر به ما می دهد. شاگردسازی شامل انتقال شناخت و معرفت خدا و کلام او در هر لحظه از زندگی است.

غیر از خود خانواده، کتاب مقدس پُر است از روابط شاگردسازی که در آن شخص، به دیگری تعلیم می دهد. به این فکر کنید که موسی چگونه یوشع را برای جانشینی خودش مطرح کرد. همانطور که عیسی سموئیل را مطرح کرد. و ایلیا الیشع را.

البته مشهورترین شاگردساز، عیسای مسیح است. مسیحیت مثل یک کارخانه تولیدات انبوه شروع به کار نکرد. پوشش رسانه ای ۲۴ ساعته از سفرهای عیسی وجود نداشت. بلکه با یک سری از کارهای شخصی در میان یک گروه از مردان بی نام و نشان طی یک دوره سه ساله آغاز شد.

معطوف بودن به سوی دیگران

بله ، غالباً جمعیت زیادی به نزد عیسی می آمد، و خبر معجزات او بسرعت باد پخش می شد. اما در میان آن جمعیت عظیم، گروه کوچکی از شاگردان بودند که عیسی آنها را فراخوانده بود. او به ویژه روی آنها سرمایه گذاری کرد. انجیل مرقس به ما می گوید: «عیسی به کوهی برآمد و آنانی را که خواست، به حضور خویش فراخواند و آنها نزدش آمدند. او دوازده تن را تعیین کرد و آنان را رسول خواند، تا همراه وی باشند و آنها را برای موعظه بفرستد» (مرقس ۳: ۱۳-۱۴).

این دوازده تن اعتراف کردند که عیسی همان مسیح موعود است. آنها غالباً با او ماندند. او می خواست که آنها «با او باشند». (من این عبارت را دوست دارم!) عیسی به سه تن از آن دوازده تن بطور ویژه ای توجه کرد: پطرس، یعقوب و یوحنا.

اما ممکن است بگویید: «این عیسی است! البته که او می تواند این کار را انجام دهد. او خداوند است!»

خیلی خُب. پس بیایید نمونه پولس رسول را در نظر بگیریم. اعمال ۱۶ یکی از سفرهای بشارتی پولس را شرح می دهد. اما این فصل با معرفی شاگردی بنام تیموتائوس شروع می شود و سپس به ما می گوید: «پولس می خواست که تیموتائوس او را همراهی کند» (آیه ۳) درست مانند عیسی و شاگردان، پولس می خواست که تیموتائوس همراه او باشد، با او سفر کند، در کار پادشاهی خدا به او ملحق شود. تصورش سخت نیست که پولس دست به شاگردسازی تیموتائوس زد، همانطور که یک پدر دوران عهد عتیق با پسرش این کار را می کرد - یعنی کلام خدا را هنگام راه رفتن، خوابیدن و بیدار شدن با جدیت تعلیم می داد.

چند دهه بعد، پولس به تیموتائوس می گوید که با دیگران همین کار را انجام دهد: «و آنچه را که در حضور گواهان بسیار از من شنیدی، به مردمان امینی بسپار که از عهده آموزش دیگران نیز برآیند» (دوم تیموتائوس ۲: ۲). آرزوی پولس برای شاگردسازی چند نسل بود. او نوه و نتیجه های روحانی می خواست. تیموتائوس (فرزند) قرار بود مردانی (نوه ها) بیابد که بتوانند به دیگران (نتیجه ها) تعلیم دهند.

## زحمت کشیدن و کوشش کردن

اختصاص دادن خود به این الگوی کتاب مقدسی سرمایه گذاری روی فرزندان روحانی، به چه معناست؟ این کتاب به این سؤال خواهد پرداخت. اما کولسیان ۱: ۲۸ - ۲۹ نقطه شروع مفیدی را ارائه می دهد.

وقتی من یک مسیحی جوان بودم، این دو آیه را به عنوان «آیات زندگی» خودم انتخاب کردم. این آیات در نامه پولس به کلیسای کولسی است که شهری در غرب ترکیه امروز است. او به این مسیحیان یادآوری می کند که چه کاری برای آنها انجام داده است: «ما او را وعظ می کنیم، و هر کس را هشدار می دهیم و با کمال حکمت می آموزیم، تا همه را کامل در مسیح حاضر سازیم. از این روست که من زحمت می کشم و با نیروی او که در من نیرومندان عمل می کند، به مجاهده مشغولم» (کولسیان ۱: ۲۸-۲۹).

پولس زحمت می کشد. پولس کوشش می کند. اگر می خواهیم به دیگران نیکی کنیم، ما هم باید همینطور باشیم.

آیا هرگز فکر کرده اید چگونه قدرت روحانی را بکار بیاندازید؟ شاید مردم به شما بگویند: «این را بخورید». «این کلمات را بگویید». «این دعا را بخوانید». «نوشته های این نویسنده را بخوانید». «این تجربه را داشته باشید». «به این کنفرانس بروید». «به درون خودتان نگاه کنید»

اما نه! قدرت روحانی در فداکاری مشتاقانه برای دیگران بکار می افتد. کلمه کوشش در کولسیان ۱: ۲۹ همچنین می تواند به عنوان «رنج» ترجمه شود. یعنی برای رسیدن به قدرت روحانی باید رنج بکشید، نه اینکه به خلسه بروید یا دچار وجد و سرور شوید. آیا می خواهید قدرت خدا و ایمانی که کار می کند را بشناسید؟ پس برای خیریت دیگران زحمت بکشید و کوشش کنید، چنانکه خود مسیح نیز برای خیریت دیگران کار کرد و رنج کشید. ایمان مسیحی واقعی ایمان تبلی نیست. بلکه ایمانی است که کار می کند، مانند ایمان پولس.

## کار قدرتمند خدا

اما آیا پولس با صحبت در مورد زحمت و رنجی که بخاطر آنها می دید، دارد فخر می فروشد؟ اصلاً. به آخرین کلمات آن قسمت نگاه کنید: خدا با قدرت در او کار می کرد. هر چیزی که کولسیان از پولس دریافت کرده بودند، اعتباری به حساب پولس نبود، بلکه به حساب خدا بود.

اگر شما یا من امیدواریم که به دیگران نیکویی کنیم، اگر امیدواریم به خاطر مسیح دیگران را تحت تأثیر قرار دهیم، همانطور که در فصل گذشته در مورد آن صحبت کردیم، فقط زمانی این اتفاق می افتد که روح خدا در ما و از طریق ما کار کند.

دانستن اینکه خدا در ما کار می کند، بر ضد غرور عمل می کند. به ما یادآوری می کند که همه آنچه که داریم و هستیم، همه کارهایی که می توانیم انجام دهیم و به ثمر برسائیم، از جانب خدا می آید. اگر شما یا من دیده ایم که تلاشهایمان ثمربخش بوده است، دلیلی برای غرور وجود ندارد. خدا کار کرده است. این قدرت او بوده است. تمام ثمرات روحانی منجر به ستایش او می شود.

و دانستن اینکه خدا کار می کند بر ضد ترس عمل می نماید. اگر از کار خوب خدا در خود اطمینان داریم، اگر به اهداف او متعهد هستیم، می توانیم ترس از بیهوده بودن و به بیراهه رفتن خدمتمان را کنار بگذاریم. می توانیم ترس از دست دادن سلامتی یا ثروت را کنار بگذاریم. چنین چیزهایی ممکن است از دست برود، اما کاری که او از طریق ما انجام می دهد تا ابد باقی می ماند.

## اعلام کردن و تقدیم نمودن

دو کلمه در همین آیات توجه کنید که به ما می گوید پولس می خواهد چکار کند - اعلام کردن و تقدیم نمودن: «او را اعلام می کنیم. . . . تا آنها را بصورت افرادی بالغ در مسیح تقدیم نمائیم. » او اعلام می کند تا بتواند تقدیم کند. اکنون کلام خدا را اعلام کنید؛ مقدسین را بالغ در مسیح تقدیم کنید وقتی که بعداً او می آید. این دو

کلمه به ما می گوید که چگونه پولس زحمت می کشد و کوشش می کند (بوسیلهٔ اعلام کردن) و همچنین چرا زحمت می کشد و کوشش می کند (تا بتواند تقدیم کند).

پولس همچنین توضیح می دهد که چه چیزی در امر اعلام کردن وجود دارد: «او را اعلام می کنیم، و هر کسی را هشدار می دهیم و یا کمال حکمت تعلیم می دهیم». اعلام پولس شامل هشدار و تعلیم است. او به کلیساها هشدار می دهد از آنچه بی ارزش و نکوهیده است دور باشند و به آنها تعلیم می دهد که در غنا و حکمت انجیل متحد شوند. و او مردم را بصورت انتزاعی هشدار و تعلیم نمی دهد. او به هر کسی هشدار می دهد و هر کسی را تعلیم می دهد - از یک شخص به شخص دیگر و سپس یک شخص دیگر.

چند آیه بعد، پولس توضیح می دهد که آرزو دارد کولسیان «از غنای فهم و درکی کامل برخوردار شوند» (کولسیان ۲: ۲). توجه کنید به مقدار خوبی که برای آنها می خواهد: غنای کامل فهم و درک! اینجا گنجینهٔ حکمت و دانش وجود دارد که باید یافته شوند. بخشی از روند بلوغ این است که بتوانید درست را از نادرست، حق را از باطل و گرانبها را از بی ارزش تشخیص دهید. پولس اینگونه می خواهد قوم خدا را کاملاً بالغ و کاملاً رشد یافته تقدیم کند.

کار شاگردسازی در زمان حال اتفاق می افتد، اما نگاهی به روز آخر است. به تفکر دراز مدت نیاز دارد. مستلزم یک ذهنیت سرمایه گذاری است، با آگاهی از اینکه سود این کار ابدی است. و این سرمایه گذاری از طریق کلام خدا اتفاق می افتد. ما باید اعلام کنیم. کلام خدا بذری است که در نهایت ثمر می دهد، حتی اگر در کوتاه مدت آن را نبینیم. اکنون کلام را بکارید. با همسر و فرزندان خود بذر بکارید. با سایر اعضای کلیسا بذر بکارید. و اعتماد کنید که کلام خدا بی ثمر نخواهد بود. برداشت را بعداً خواهید دید. وقتی عیسی می آید، ایمانداران بالغ آماده خواهند بود او را بپذیرند.

کل زندگی پولس نمونه کامل زندگی برای دیگران است. او حتی به مسیحیانی که ندیده است، نامه می نویسد، مانند این نامه به کولسیان که آنها را در انجیل تشویق کند. ما می توانیم بگوییم که زندگی او صلیب وار بود - به صورت صلیب شکل

معطوف بودن به سوی دیگران

گرفته بود. او به ندای مسیح پاسخ داد و صلیب مسیح را برداشت و از او پیروی کرد. او نیز مانند مسیح، برای خیریت دیگران، در اطاعت از خدا رنج کشید.

آیا شما اینطور هستید؟ تصور کنید که کار کردن با «انرژی خدا که با قدرت در شما عمل می‌کند» چگونه خواهد بود!

### سخنی کوتاه با شبانان

اگر شبان هستید یا به فکر وارد شدن به این خدمت هستید، باید خیلی زیاد در مورد این قسمت از کتاب مقدس فکر کنید. توجه داشته باشید که خدمت شبان هم شامل اعلام کامل کلام خداست و هم تلاش برای اینکه قوم خدا را به صورت بالغ به حضور او تقدیم کنیم.

این امر مستلزم از خودگذشتگی از طرف ماست. شبان بودن مساله خیلی خوبی است، اما با توجه به گناهکار بودن اعضا و شبانان، کار خیلی سختی هم است. شبان عزیز، شما بخاطر محبت به اعضای کلیسای خود، زحمت خواهید کشید و رنج خواهید برد، و بعضی اوقات به شما خواهند گفت که محبتتان چقدر ناقص و ناکافی است.

بنابراین در نهایت، زحمت و کوشش شما نمی‌تواند ناشی از محبت شما به آنها یا محبت آنها به شما باشد. بلکه باید ناشی از محبت شما به مسیح، محبت او به شما و محبت او به آنها باشد. مسیح آنها را با خون خود خریده است. و شما باید آنها را به او تقدیم کنید. شما همه این کارها را فقط برای او انجام می‌دهید.

البته این مطلب در مورد همه مسیحیان صدق می‌کند. ما شاگردسازی می‌کنیم و تعلیم و هشدار می‌دهیم تا بتوانیم افرادی که دوستشان داریم را به خدا تقدیم کنیم، زیرا ما او را بیشتر از همه دوست داریم، زیرا او بیشتر از همه ما را محبت نمود.

ایمان مسیحی واقعی خوک وار نیست. این ایمان فقط به خودش فکر نمی‌کند و تبل نیست. مانند پولس، کار می‌کند. برای دیگران کار می‌کند. بوسیله انرژی تأمین شده از طرف خداوند که در ما قدرتمندانه عمل می‌کند، کار می‌کند. بوسیله اعلام،

هشدار و تعلیم کار می کند. و به گونه ای عمل می کند که ایمانداران بالغ در مسیح را در روز آمدن او تقدیم نماید.

ما همیشه ثمر فوری نمی بینیم. برای شاگردسازی، باید مانند کشاورز صبوری باشید که بذر خود را می کارد، به اعتماد به اینکه در نهایت جوانه خواهند زد. ما به خدا اعتماد کرده و از کلامش استفاده می کنیم، حتی اگر هرگز محصول را نبینیم. همانطور که یکی از نویسندگان گفته: «بذر ممکن است تا زمانی که ما بمیریم، زیر کلوخها بماند و سپس جوانه بزند!»<sup>۵</sup>

برای من، شاگردسازی تنها راهی است که می توانم غیر مسیحیان را بشارت دهم و مسیحیان را تجهیز کنم در آن مکانی که هرگز نمی توانم سفر کنم - آینده بعد از مرگ - شاگردسازی دیگران یعنی فیضی بجا می گذاریم که در آینده عمل می کند.

شاگرد کسی است که شاگردسازی می کند. او اکنون اعلام می کند تا شاید بعداً تقدیم کند. پس یکی دو تن را در زنگیتان نام ببرید که دوست دارید در روز آخر آنها را بالغ به خدا تقدیم کنید. نام آنها را در ذهن تان دارید؟ چطور می خواهید اکنون انجیل را به آنها اعلام کنید تا آنها را برای آن زمان آماده کنید؟

---

۵. Charles Bridges, *The Christian Ministry: With an Inquiry into the Causes of Its Inefficiency* (Carlisle, PA: Banner of Truth, 1959), 75.

## کار شاگردسازی

به نظر نمی‌رسد شاگردسازی بدیهی‌ترین راه برای ایجاد و تقویت یک پادشاهی باشد. بنای یک پادشاهی معمولاً محصول جنگهای سلطنتی، نبرد میان سلسله‌ها مختلف، ثروت عظیم یا کار فلسفی - سیاسی مردان پیر با ریش‌های دراز خاکستری است.

اما عیسی زمان خود بر روی زمین را با فرمان شاگردسازی به شاگردان خود خاتمه داد. آیا واقعاً پادشاهی او اینگونه بنا می‌شود؟ در واقع، آنچه که عیسی در گذشته آموزش داده بود را بیاد آورید:

«عیسی برای آنها مثلی دیگر آورد: «پادشاهی آسمان همچون دانه خردلی است که کسی آن را گرفت و در مزرعه‌اش کاشت. با اینکه دانه خردل از همه دانه‌ها کوچکتر است، اما چون می‌روید بزرگتر از همه گیاهان باغ شده، به درختی بدل می‌شود، چندان که پرندگان آسمان آمده، در شاخه‌هایش آشیانه می‌سازند.» (متی ۱۳: ۳۱-۳۲)

عیسی به شاگردانش تعلیم داد که نه از منظر امروز یا فردا بلکه، از منظر ابدیت زندگی کنند. ما سعی می‌کنیم به دیگران کمک کنیم عیسی را پیروی کنند؛ کار نیک روحانی حساب شده انجام می‌دهیم؛ برای تأثیر انجیل دعا می‌کنیم؛ کلام خدا را اعلام می‌کنیم، و همه اینها را به خاطر روز آخر انجام می‌دهیم. بله، ممکن است اکنون ثمری را نبینیم. اما هدف همیشه این است که مردم را در روز آخر بالغ در مسیح تقدیم نماییم.

آیا می‌توانیم در مورد اینکه شاگردسازی چیست، چیز دیگری بگوییم؟ من گفتم شاگردسازی عبارت است از کمک به دیگران در پیروی عیسی. شاگردسازی عبارت است از انجام کار نیک روحانی برای آنها. اما برای تکمیل همه این موارد،

شاگردسازی عبارت است از، نخستین قدم برای آغاز یک رابطه که در آن شما تعلیم می دهید، اصلاح می کنید، نمونه می دهید و محبت می کنید. پس چنین کاری فروتنی بسیاری را می طلبد.

### نخستین قدم برای شروع

شاگردسازی لزوماً مستلزم یک قدم اولیه است. منفعل نیست. و می تواند احساس ناخوشایندی به همراه داشته باشد. شما نمی توانید همه را شاگردسازی کنید، پس باید دست به انتخاب میان اشخاص بزنید. از نظر عملی، آیا برنامه های شما تداخل زمانی دارند؟

همچنین نه تنها باید مشخص کنید چه کسی به کمک نیاز دارند، بلکه چه کسی می داند به کمک نیاز دارد و مایل به دریافت آن است. به طور کلی، شما نمی خواهید وقت خود را با افرادی که تعلیم پذیر نیستند تلف کنید، زیرا وقت خود را حتما تلف خواهید کرد. در عوض به دنبال افرادی باشید که مانند پسر حکیم امثال، از مشاوره و راهنمای استقبال کنند.

به خاطر داشته باشید، شاگردسازی در بین ایمانداران به انجیل به معنای این نیست که شما بعنوان استاد همیشه نقش فرد حکیم را بازی کنید یا مانند منبع حکمت سقراط سرشار از همه پاسخ ها باشید. شاگردسازی در انجیل به این معناست که گاهی اوقات شما در اعتراف به ضعف یا گناه پیش قدم می شوید. با این کار، نشان می دهید که عادل شمرده شدن در مسیح و نه در خود، چگونه است. و بنابراین با شفافیت و صداقت زندگی می کنید. به عبارت دیگر، شاگردی مسیحی فقط نمایش نقاط قوت شما نیست؛ بلکه نمایش ضعف های شما نیز است. « . . . » (دوم قرنتیان ۴: ۷).

با این حال، شما در روابط پیش قدم می شوید، حتی اگر آنها از شما خواسته باشند که آنها را شاگردسازی کنید. شما کسی هستید که تا حدودی هدایت رابطه را بوسیله استفاده حساب شده از وقت تان بدست می گیرید تا آنها را به مسیر مسیح راهنمای کنید. همسر شوهر غیر مسیحی، که در فصل ۱ در مورد آن فکر کردیم، این کار را بوسیله کارهای وفادارانه خود انجام می دهد.

## خارج کلیسا، داخل کلیسا

مرحله اول شاگرد سازی می تواند شامل ایجاد دوستی با یک غیر مسیحی باشد. شما انجیل را توضیح می دهید و او را به توبه و ایمان دعوت می کنید. وقتی توبه کرد و ایمان آورد، باید تعمید بگیرد و عضو کلیسا شود. بعبارت دیگر، شاگرد سازی در کاملترین حالت شامل بشارت به شخص و تبدیل اوست.

در عین حال، اگر کلیسای شما مانند کلیسای من است، مرتباً اعضای جدیدی که قبلاً تبدیل شده اند را پذیرا می شود، اما آنها هنوز در ایمان جوان هستند. فرمان مأموریت بزرگ برای شاگرد سازی از طریق خدمت آیین ها و تعالیم کلیسا، ما را ملزم می کند که آنها را به صورت فردی و جمعی شاگرد سازی کنیم. ما باهم موعظه کلام را می شنویم، و از شام خداوند لذت می بریم تا مرگ خداوند را اعلام کنیم و به یکدیگر یادآوری کنیم «ما نیز که بسیاریم، یک بدن هستیم» (اول قرنیان ۱۰: ۱۷).

وقتی کلیسا پراکنده می شود، خدمت تعلیم و نظارت در زندگی اعضا باید ادامه یابد. این کار می تواند در مهمانی چای و شیرینی، یا در مسیر فروشگاه محله اتفاق بیوفتد. شاگرد سازی در تمام طول هفته اتفاق می افتد، وقتی که اعضا با هم ملاقات می کنند تا با یکدیگر حرف بزنند، دعا کنند، یکدیگر را تشویق کنند و به همدیگر در مبارزه برای محبت و قدوسیت یاری رسانند.

## تعلیم

تعلیم در مرکز شاگرد سازی قرار دارد. ما با کلمات تعلیم می دهیم. تمام کلماتی که عیسی به شاگردانش تعلیم داد و تمام کلمات کتاب مقدس را تعلیم می دهیم.

به همین دلیل است که کلیسای من تمام کتاب های کتاب مقدس را به طور تشریحی و پیوسته موعظه می کند، بصورت تناوبی از عهد عتیق و عهد جدید و از کتابهای باصطلاح بزرگ و کوچک. ما همچنین مردم را تشویق می کنیم که در کلاسهای روز یکشنبه برای بزرگسالان نیز شرکت کنند که یک برنامه درسی چندین ساله در مورد قسمت های مختلف زندگی مسیحی ارائه می دهد. وقتی افراد این برنامه درسی را تمام می کنند، آنها را تشویق می کنیم که به افراد جدید در این برنامه تعلیم

بدهند. کلیسای ما روش‌های زیادی برای ترویج خدمت کتاب‌های خوب پیدا می‌کند.

تعلیم زمانی اتفاق می‌افتد که افراد یاد می‌گیرند با یکدیگر یک مکالمه روحانی معنا دار داشته باشند، این چیزی است که من به عنوان شبان تقریباً هر هفته مردم را تشویق می‌کنم داشته باشند. مشکلی نیست که دربارهٔ فوتبال یا مدرسه بچه‌ها صحبت کنید. اما در مورد موعظهٔ روز یکشنبه نیز صحبت کنید. از دوستانان بپرسید که خدا چه چیزی در مورد خودش به آنها تعلیم داده است. گروه‌های کوچک برای تسهیل این نوع روابط می‌توانند مفید باشند.

## اصلاح

بعضی اوقات، شاگردسازی مستلزم این است که به کسی در مورد انتخاب‌های هشدار دهید. بله، افراد وقتی حقایق کلی را به آنها تعلیم می‌دهید رشد می‌کنند، اما وقتی خطاهای خاص آنها را اصلاح می‌کنید نیز رشد می‌کنند. بخشی از مسیحی بودن این است که تشخیص دهیم گناه ما را فریب می‌دهد و به ایمانداران دیگری نیاز داریم تا به ما در دیدن چیزهایی که نمی‌توانیم در مورد خودمان ببینیم، کمک کنند. اغلب گفته‌ام که پیوستن به یک کلیسا مانند رنگ پاشیدن روی مرد نامریی است. گناهان جدید در جریان روابط شاگردسازی ما قابل مشاهده می‌شوند.

در حقیقت، در یک رابطهٔ شاگردسازی می‌توانید پیش قدم شده و از دیگران دعوت کنید شما را اصلاح کنند و این کار را برای آنها ساده نمایید. ولی اگر می‌خواهید دیگران را در صورت لزوم اصلاح کنید باید بیشتر از خدا بترسید تا انسان، و ریسک این را بپذیرید که ممکن بخاطر این کار شما را رد کنند.

سرانجام، کار اصلاح متعلق به کل جماعت کلیساست، که هنگامی اتفاق می‌افتد که یک عضو، ثابت می‌کند بیشتر به گناه خود تعهد دارد تا به مسیح. پس از چند بار اخطار، آن شخص از عضویت کلیسا و شرکت در مراسم شام خداوند محروم می‌شود (متی ۱۸: ۱۵-۲۰). هر چند که بخش عمده‌ای از اصلاحاتی که در یک کلیسا رخ می‌دهد باید در زمینهٔ خصوصی روابط شاگردسازی انجام شود.

## نمونه بودن

شایان ذکر است که عیسی فقط به شاگردانش فرمان نداد که به مردم تعلیم بدهند. او به آنها گفت که به مردم تعلیم بدهند تا اطاعت کنند. هدف از شاگردسازی این است که بینیم زندگی مردم دگرگون می‌شود، که به این معناست که چیزی بیشتر از خواندن یک کتاب یا حتی کتاب مقدس به همراه شخص دیگری است. سرانجام، شاگردسازی شامل یک زندگی مسیحی در برابر دید دیگران است. در اینجا مسیح نمونه ماست. عیسی «برای شما نمونه شد تا بهمان راهی که او رفت، شما نیز بروید» (اول پطرس ۲: ۲۱).

ما نه تنها با کلمات خود بلکه با کل زندگی خود ارتباط برقرار می‌کنیم. و آنچه در یک رابطه شاگردسازی اتفاق می‌افتد به بیش از تعلیم در کلاس نیاز دارد (مانند آنچه که روزهای یکشنبه انجام می‌دهیم). در واقع به نوعی از راهنمایی نیاز دارد که از طریق کارآموزی یک تن در حین کار کردن، یا با یک مربی شخصی اتفاق می‌افتد. یک کارآموز بتدریج بوسیله شنیدن و دیدن و مشارکت کردن یاد می‌گیرد، با مسئولیت پذیری بیشتر در طول زمان به دست می‌آید. مهمتر از همه، شاگردسازی مانند آنچه که خدا برای خانواده طراحی کرده است، به نظر می‌رسد؛ یعنی پدر و مادر با کلمات و اعمال خود در تمام زمینه‌های زندگی به کودکان تعلیم می‌دهند و سپس آنها را به سوی کار به شیوه بزرگسالان سوق می‌دهند.

شاگردسازی واقعاً مثل مدل شدن برای مد لباس است. شما لباس‌های مختلف را به عکاس نشان نمی‌دهید؛ شما یک مد لباس یا یک شیوه زندگی را به نمایش می‌گذارید که دیگران از آن پیروی نمایند. شاگردسازی یعنی آنها را دعوت می‌کنید که از شما تقلید کنند، اعتماد شما به مسیح را بعنوان نمونه دنبال کنند. این امر مستلزم آن است که مایل باشید شما را تماشا کنند، و سپس افراد را به زندگی خودتان وارد کنید تا واقعاً شما را تماشا کنند. به عنوان مثال، هر یک از مشایخ کلیسای من دقیقاً این کار را انجام می‌دهند، تا اعضای ما بتوانند توصیه عبرانیان را ملاحظه کنند: «رهبران خود را که کلام خدا را برای شما بیان کردند، به یاد داشته باشید. به ثمره شیوه زندگی آنها توجه کنید و از ایمانشان سرمشق بگیرید.» (۷: ۱۳). همه ما به نوبه خود، مانند پولس باید بتوانیم به سایر مسیحیانی که در زندگی ما هستند، بگوئیم: «از

من تقلید کنید، همانطور که من از مسیح تقلید می‌کنم» (اول قرن‌تینان ۱۱: ۱). شاید به همین دلیل است که زندگی نامه‌های مسیحی بسیار مفید هستند.

### محبت متقابل

شاگردسازی از یک جهت، نوعی محبت متقابل است. یک نوع رابطه معلم و شاگرد وجود دارد. اما محبت متقابل و هم طراز بودن وجود خواهد داشت، بگونه‌ای که شاگردسازی اغلب دو طرفه می‌شود. من بعنوان کسی که مدتهاست این کار را انجام می‌دهم، می‌توانم بگویم که اغلب توسط کسانی که شاگردسازیشان می‌کنم، مورد خدمت و برکت و تشویق در ایمان قرار گرفته‌ام. حتی در حالی کار می‌کنم که سبب خیریت روحانی برای آنها بشوم، آنها هم به من نیکویی روحانی می‌رسانند. آنها به من یاریم می‌کنند تا بهتر عیسی را پیروی کنم. با هم می‌آموزیم که پولس در کولسیان ۳: ۱۶ چه منظوری دارد: »

کلام مسیح به دولتمندی در شما ساکن شود؛ و با مزامیر، سرودها و نغمه‌هایی که از روح است، با کمال حکمت یکدیگر را پند و تعلیم دهید؛ و با شکرگزاری و از صمیم دل برای خدا بسرایید.»

با هم کار می‌کنیم تا عبرانیان ۱۰: ۲۴-۲۵ را به انجام برسانیم: «و در فکر آن باشیم که چگونه می‌توانیم یکدیگر را به محبت و انجام اعمال نیکو برانگیزانیم. و از گرد آمدن با یکدیگر دست نکشیم، چنانکه بعضی را عادت شده است، بلکه یکدیگر را بیشتر تشویق کنیم - بخصوص اکنون که شاهد نزدیکتر شدن آن روز هستیم». در شاگردسازی، هدف من دوست داشتن مسیحیان جوان‌تر می‌باشد از طریق کمک به آنها تا در پرتو روز آخر زندگی کنند، اما آنها معمولاً می‌دانند که توانایی من در انجام این کار به این بستگی دارد که آنها نیز به من کمک کنند همانطور زندگی کنم.

### فروتنی

در فصل‌های بعدی در مورد چگونگی انجام این کار چیزهای بیشتری خواهم گفت. اما بگذارید برای حال بگویم که کمک به دیگران در پیروی عیسی نمی‌تواند

## کار شاگرد سازی

بدون ریسک باشد. درست همانطور که باید خود را فروتن کنید تا شاگردسازی شوید، باید خود را فروتن کنید تا شاگردسازی کنید. شاگردسازی شامل موارد دشواری است - نه گفتن، پشتکار در مشکلات، اینکه بدانی چه زمانی شخصی را تحمّل کنی، و او را واقعاً در عمل تحمّل کنی. ممکن است دعوت شما را مسخره کنند، و مشورت شما را رد نمایند.

همانطور که قبلاً اشاره شد، ما نه تنها از طریق نقاط قوت خود، بلکه از طریق ضعف‌های خود شاگردسازی می‌کنیم. شاگردسازی مسیحی خیلی شبیه کار متخصصان و شاگردسالاران نیست؛ از یک ضرب‌المثل قدیمی انگلیسی استفاده می‌کنم: شبیه کار یک گداست که گدای دیگری را به طرف نان راهنمایی می‌کند.

ارین ویلر Erin Wheeler، همسر برد Brad که پیش از خدمت در کلیسای دیگری، با من در واشنگتن دی سی شبان بود، در یک مقاله مجله ناین مارکز 9Marks اشاره می‌کند که چگونه مجبور بود این دروس را در طول زمانی که در واشنگتن بود، بیاموزد. خانم دیگری از اعضای کلیسا، جلوی خانه خانم ارین حاضر شد و انتظار داشت که شاگردسازی شود. خانم ارین او را به داخل خانه دعوت کرد، در را پشت سر او بست و با خودش فکر کرد:

من فکر بهم ریخته‌ام. اصلاً نمی‌دانم می‌خواهم چکار کنم. با این بچه‌های شیطونی که دارم و این ناراحتی که از شوهرم در دلم هست، امروز نمی‌توانم هیچ «تعلیمی» داشته باشم. من نباید به کسی تعلیم بدهم. من خودم باید شاگردسازی شوم! خدایا، تو می‌خواهی که من چکار کنم؟

با این وجود، خدا به زودی از طریق موقعیت‌هایی از این قبیل به خانم ارین تعلیم می‌داد که از نقاط ضعف او به اندازه نقاط قوتش استفاده خواهد کرد. این بانوان جوان در ایمان به کسی احتیاج داشتند که به آنها تعلیم بدهد که خدا را با دل، روح، ذهن و قوت محبت نمایند و اینکار فقط مخصوص روزهای خوب زندگی نیست، بلکه روزهای پر چالش را نیز در بر می‌گیرد. ارین توضیح می‌دهد:

در شاگردسازی این بانوان سعی کردم آنها را راهنمایی کنم و از آنها سؤال کنم، در مورد کتاب‌ها با هم صحبت کنیم و دعا کنیم، اما بعداً به من گفتند که اغلب از

طریق تماشای من بهترین تعالیم را گرفتند. آنها دیدند که خدا از ضعف من در تلاش برای شکیبایی بعد از یک روز طولانی خسته کننده استفاده می کند. آنها کشمکشم برای دوست داشتن شوهرم بعد از تلاش برای رقابت با او در خدمت کردن را دیدند.

به گفته وی، این بانوان در صندلی ردیف جلو نشسته بودند تا ببینند که او یک ظرف خاکی حقیقی است (دوم قرن تیان ۴: ۷). اما یادگیری این دیدگاه انجیلی او را تشویق کرد که همچنان مثل یک قربانی ریختنی خود را خالی کند (فیلیپیان ۲: ۱۷)، با آگاهی از اینکه خدا از ضعف او بعنوان سکویی برای نشان دادن قوت خودش استفاده خواهد کرد. و مطمئناً: خدا بارها ثابت نمود هر آنچه که او برای محبت و خدمت به این خواهران کوچکتر نیاز داشت را برای او وفادارانۀ فراهم می کند. او نتیجه می گیرد:

سالها بعد، خدا یک دوست و خواهر جدید را به کلیسا آورد که شنبه بعد از ظهر که شوهرم مشغول تهیه موعظه بود، به من سر می زد. هر وقت که او می آمد، به نظر می رسید که یک چیز ناخوشایندی اتفاق می افتاد، از عصبانیت شدید یکی از فرزندانم گرفته تا سرریز شدن توالت! در یکی از همین مواقع بود که من با لبخندی به او نگاه کردم، با اطمینان به زمان کامل و مناسب خداوند، و گفتم: «می دانی، خدا واقعاً باید تو را خیلی دوست داشته باشد که اجازه می دهد همه این چیزها را ببینی».

این منبع اعتماد ماست: نه اینکه خانه های بی نقص و فرزندان خوش رفتاری داریم، بلکه این که در ضعف ها و کاستی ها، روح خدا در حال کار کردن است. حتی در ضعف ما، خدا از سخنان ما برای هشدار به افراد سست، تشویق افراد خجالتی، تسکین افراد ضعیف، و نشان دادن صبر به همه استفاده می کند تا در همه اینها جلال یابد.<sup>۶</sup>

کلیسای محلی بهترین مکان برای رشد چنین روابطی است، همانطور که به زودی در موردش خواهیم گفت. یک کلیسا می تواند پر از روابط مریگیری باشد حتی اگر به طور رسمی «روابط شاگردسازی» خوانده نمی شوند. بهر حال، شاگردسازی واقعاً فقط

## کار شاگرد سازی

یک عده از اعضای کلیسا هستند که مسئولیت پذیرفته‌اند تا یکدیگر را برای جلال آماده نمایند، همانطور که ارین و آن بانوان برای همدیگر انجام دادند. شاگردسازی روشی است که ایده عهد جدید مبنی بر اینکه ما مملکتی از کاهنان و قوم مقدس هستیم (اول پطرس ۲: ۹) را می‌بینیم. چقدر شسانی در زندگی معمولی یک جماعت کلیسایی انجام می‌شود وقتی که فرهنگ شاگردسازی در آن (شسانی) نهادینه شده باشد!

آخرین جایی که فروتنی لازم است زمانی است که بدانیم مردم بعضی وقت‌ها از کلیسا می‌روند. واقعیت بی‌ثباتی و رهگذر بودن مردم، بخصوص در بسیاری از شهرها می‌بینیم، ما را ملزم می‌کند که آغوش مان همیشه به سوی اینها که دوستشان داریم باز باشد. ما به خاطر آن چیزی که ممکن است بعداً دریافت کنیم، با مشارکت و دعا کردن در زندگی مردم سرمایه‌گذاری نمی‌کنیم - غیر از رضایت و شادی ناشی از دانستن اینکه آنها به هر کجا که می‌روند، در نهایت برای آمدن مسیح بهتر مجهز شده‌اند.

## هدایت بسوی آسمان

انسان بودن مساوی است با شاگرد بودن. خدا به آدم و حوا انتخاب بین شاگردی و استقلال را عرضه نکرد، بلکه انتخاب بین پیروی از او و پیروی از شیطان را. همه ما شاگرد هستیم؛ سؤال فقط این است که شاگرد چه کسی هستیم؟ آیا سایر ایمانداران را به سوی شهر آسمانی دنبال می‌کنیم، و یاریشان می‌کنیم که تعداد بیشتری چنین کاری را بکنند؟

من نحوه توصیف چارلز اسپرجن از خدمت خودش را دوست دارم. در کتاب بیوگرافی که خودش نوشته، خود را با آقای بزرگوار مقایسه می‌کند که شخصیتی است در کتاب «سیاحت مسیحی» اثر جانناتان بانیان که در راه شهر آسمانی به دیگران کمک می‌کند.

من هم کمی مشغول هستم، همانطور که آقای بزرگوار در روزگار «بانیان» شاغل بود. من خودم را با آن قهرمان مقایسه نمی‌کنم، اما در همان حوزه فعالیت می‌کنم.

من در دفتر تورهای شخصی به آسمان مشغول هستم. . . . این شغل من است که به بهترین وجه ممکن اژدهاها را بکشم و سر غولها را قطع کنم و افرادی که می ترسند و می لرزند را رهبری کنم. اغلب می ترسم که بعضی از افراد ضعیف را از دست بدهم. برای آنها قلبم به درد می آید؛ اما با فیض خدا و کمک توام به مهربانی و سخاوت شما در مراقبت از یکدیگر، امیدوارم همه ما با خیال راحت به کنار رودخانه سفر کنیم. آه، که مجبور شدم چند تن را آنجا ترک کنم! من لبه رود آنجا ایستادم و شنیدم که آنها در وسط جریان رودخانه آواز می خوانند، و تقریباً دیدم که عده ای درخشان آنها را به بالای تپه هدایت می کنند و از میان دروازه ها به سوی شهر آسمانی به پیش می برند.<sup>۷</sup>

---

v. C. H. Spurgeon, C. H. Spurgeon Autobiography, vol. 2, The Full Harvest (Carlisle, PA: Banner of Truth, 1973), 131.

## ۴

### اعتراضات وارده به شاگردسازی

من متوجه شدم که دیگران از کلمات دیگری بجای **شاگردسازی** استفاده می‌کنند. در بریتانیا، به نظر می‌رسد عبارت **خواندن به همراه دیگری** رایج‌تر است. اینجا در ایالات متحده، مردم شاگردسازی را داشتن یک «شریک پاسخگو» یا یک «شریک دعا» می‌دانند. شما اسمش را هرچه می‌گذارید، من از این کلمه بعنوان کلمه اختصاری برای «انجام کار نیک روحانی حساب شده در زندگی دیگران برای کمک به آنها در پیروی عیسی» استفاده می‌کنم. این کار شامل پیش قدم شدن در ایجاد رابطه، تعلیم دادن، نمونه بودن، محبت کردن و فروتنی می‌باشد.

اما حتی اگر در مورد عنوان این کار بتوانیم به توافق برسیم، برخی از مسیحیان هنوز هم با کل مفهوم شاگردسازی مشکل دارند. آنها احساس ناخوشایندی می‌کنند؛ نمی‌خواهند ایده‌های ناخواسته را به دیگران تحمیل کنند؛ نمی‌خواهند طوری عمل کنند که انگار «بالا تر از» دیگران قرار دارند.<sup>۸</sup>

اعتراضات نامحدودی می‌تواند مطرح شود. اما اجازه دهید که چندین اعتراض و پاسخ‌های کوتاه‌هم به آنها را با شما به درمیان بگذارم.

اعتراض ۱: «این مربی، فردی ایده آل نیست».

---

۸. Alice Fryling, *Disciplemakers' Handbook: Helping People Grow in Christ* (Downers Grove, IL: InterVarsity Press, 1989), 48.

جواب: شما هم ایده آل نیستید. فقط خدا کامل و بی عیب است. او با استفاده از ظروف ناقصی مثل من و شما، جلال می‌یابد. هرچقدر بیشتر فروتن باشید، بیشتر متوجه می‌شوید که باید از هر شاگرد حقیقی دیگری یاد بگیرید.

اعتراض ۲: «اگر زنی یا دختری همیشه به حرف مربی خودش گوش بدهد، ممکن است دیگر مطیع سایر کسانی که دارای اقتدار خوب هستند مانند والدین، شوهر یا کلیسا نشود».

پاسخ: شاگردسازی که خوب انجام شود، اطاعت مناسب از هر اقتداری که خدا ایجاد کرده باشد را ترغیب می‌نماید.

اعتراض ۳: «مسئله شاگردسازی موضوعی خودمحوورانه و مغرورانه به نظر می‌رسد».

پاسخ: می‌فهمم که چطور می‌تواند چنین به نظر برسد. اما شاگردسازی مسیحی ما را فرا می‌خواند کسی را فقط تا آنجایی پیروی کنیم که او از مسیح پیروی می‌کند. ما را فرا نمی‌خواند که از سبک، یا سلیقه فرهنگی، یا حکمت دنیوی، یا عادت‌های شخصی کس دیگری پیروی کنیم. انجام شاگردسازی تا آنجا ما را فرا می‌خواند برای یکدیگر از مسیح الگوبرداری و تقلید کنیم، واقعاً بسیار فروتنانه است. شاگردسازی فراتر از همه اینها، یک امر کتابمقدسی است.

اعتراض ۴: «آیا فکر نمی‌کنید که با زور خودتان را به شخص دیگری تحمیل می‌کنید؟»

پاسخ: شاگردسازی مسیحی از طریق توافق متقابل صورت می‌گیرد.

اعتراضات وارده به شاگردسازی

اعتراض ۵: «من به آن احتیاجی ندارم. منظورم این است که یقیناً مهمترین مسائل مربوط به زندگی مسیحی بدیهی هستند! بنابراین من خیلی سرم شلوغ است و وقت این کار را ندارم».

پاسخ: این به نظر می‌رسد سندرم «رنجر تنها، تک‌رو» باشد (اصطلاحاً به کسی اطلاق می‌شود که عقیده دارد هر کاری را خودش باید انجام بدهد و آن را بهتر از بقیه انجام می‌دهد). عیسی برای افراد جداگانه نمرد، بلکه برای کلیسا مرد. خدا با قبول شما به فرزند، شما را وارد خانواده‌ای کرد؛ به طوری که اکنون دارای تعدادی برادر و خواهر هستید. علاوه بر این، خدا می‌گوید که ما عضویت در این خانواده و محبت به او را از طریق محبت به یکدیگر نشان می‌دهیم. این کار را از طریق اطاعت و مشارکت با کلیسای محلی انجام می‌دهیم. ایمان مسیحیت موضوعی شخصی شخصی است، بلکه همیشه اینگونه است! - اما نه خصوصی. شما باید وارد زندگی دیگران شوید و لازم دارید که آنها نیز در زندگی شما وارد شوند. خدا تنها کسی است که نیازی ندارد تعلیم ببیند!

اعتراض ۶: «شاگردسازی فقط برای افراد برون‌گرا است».

پاسخ: نه، برای تمام مسیحیان است. تعداد این روابطی که ممکن است داشته باشید به شخصیت، شرایط زندگی و موارد دیگر بستگی دارد. اما برای ایمانی که بر محور محبت و بخشایش قرار دارد، غیرقابل تصور است که هیچ رابطه‌ای چنینی وجود نداشته باشد. با دیگر مسیحیان بالغ صحبت کنید تا به شما کمک کنند تا موضوع ارتباط با دیگران را در زندگی خودتان سرو سامان دهید.

اعتراض ۷: «من نمی‌توانم شاگردسازی کنم. من کامل نیستم، اشتباه می‌کنم و خیلی جوان هستم!»

پاسخ: اگر شما واقعاً مسیح را پیروی می‌کنید، تنها کاری که باید انجام بدهید به در میان گذاشتن آنچه که می‌دانید است، نه آنچه که نمی‌دانید. برای بسیاری از افراد

اطراف شما، این کار به معنای به اشتراک گذاشتن انجیل خواهد بود! برای اعضای کلیسای تان، این کار ممکن است به معنای آغاز گفتگوهای روحانی باشد بوسیله پرسیدن سؤال، به اشتراک گذاشتن آنچه که یاد می‌گیرید و دعا کردن برای آنها. هر کسی که واقعاً مسیح را پیروی می‌کند می‌تواند شاگردسازی کند.

### نتیجه

شاگردسازی عبارت از کمک به کسی در پیروی از عیسی، بوسیله کار نیک و روحانی حساب شده در زندگی او. ما مسیحی هستیم، زیرا کسی این کار را برای ما انجام داد، و کسی این کار را برای آنها انجام داد، و بهمین ترتیب تا شاگردان اولیه به عقب برمی‌گردد. اولین شاهدان عینی عیسی آنچه که او به آنها فرمان داده بود را یاد گرفتند، سپس به گوش دیگران رساندند و بدین ترتیب شاهدان شفاهی را بوجود آوردند. این امر تا امروز ادامه دارد و اکنون نوبت ما رسیده که آنچه شنیده‌ایم را به گوش دیگران برسانیم. تحت حاکمیت خدا، نسل آینده شاگردان، به پیروی ما از نمونه این شاگردان اولیه بستگی دارد. شاگردسازی بخشی از شاگرد مسیح بودن ماست.

اما تا کنون شاگردسازی را بیشتر بعنوان یک فعالیت یک به یک ترغیب کرده‌ام. و برخی از روابط شاگردسازی ما با سایر ایمانداران ممکن است در خارج از چهارچوب عضویت مشترک در یک کلیسا اتفاق بیفتد. با این وجود برای اینکه محبت مسیح به وضوح به دنیای اطراف ما نشان داده شود (یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵) را ببینید)، بیشتر شاگردسازی‌های ما در چهارچوب کلیسای محلی اتفاق می‌افتد. هر مسیحی فقط به یک مسیحی دیگر احتیاج ندارد - هر یک از ما به یک بدن کامل احتیاج داریم! این چیزی است که در بخش بعدی در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

قسمت دوم: کجا باید شاگردسازی کنیم؟



## کلیسای محلی

«داوسون تروتمن» Dawson Trotman has داستان قابل توجهی دارد. در اوایل دهه ۱۹۳۰، تروتمن که یک کارگر فروشگاه مصالح ساختمانی بود، از آیه دوم تیموتائوس ۲: ۲ الهام گرفت که می گوید: «و آنچه به شهود بسیار از من شنیدی، به مردمان امین بسپار که قابل تعلیم دیگران هم باشند.» وی تعلیم دانش آموزان دبیرستانی برای شاگردسازی یکدیگر را آغاز نمود و سپس در سال ۱۹۳۳، این کار را در نیروی دریایی ایالات متحده گسترش داد و گروهی به نام ناویگیتورها - Naviga-tors (جهت یاب‌ها) را تأسیس کرد. او ملوانی را تربیت کرد که او نیز به نوبه خود بسیاری از افراد کشتی یو اس اس **وست ویوجینا** را تحت تربیت خود قرار داد. قبل از غرق شدن این کشتی در پرول هاربر Pearl Harbor، ۱۲۵ مرد در مسیح در حال رشد بودند و ایمان خود را با دیگران در میان می گذاشتند. در طول جنگ جهانی دوم، خدمت ناویگیتورها در میان هزاران تن از افراد نیروی دریایی آمریکا که در کشتی‌ها و پایگاه‌های مختلف در سراسر جهان مستقر بودند، منتشر شد.

ناویگیتورها به کار خود در میان ارتشی‌ها که تعدادشان زیادت‌ر می‌شد، ادامه دادند، تا اینکه در سال ۱۹۵۱ کار با دانشجویان دانشگاه نبراسکا University of Nebraska braska را که جزء مجموعه این دانشگاه بود را شروع نمودند. تروتمن در سال ۱۹۵۶ در جریان نجات دختر جوانی از غرق شدن در شمال نیویورک جان خود را از دست داد. اما کار این خدمت ادامه یافت. امروزه، صدها دانشگاه در سراسر جهان، دارای یک گروه ناویگیتور بوده که به کار بشارت به دانشجویان و شاگردسازی آنها مشغول هستند.

وب سایت ناویگیتور این سازمان را بعنوان «یک خدمت مسیحی که به مردم کمک می‌کند تا در حالیکه در زندگی خود جهت یابی می‌کنند در عیسای مسیح

رشد کنند» توصیف می‌کند. آنها همچنین می‌گویند که «ما خبر خوش عیسای مسیح را با ایجاد روابط تربیتی - یا شاگردسازی را یک به یک با مردم انتشار می‌دهیم و آنها را مجهز می‌کنیم که برای جلال خدا، بر روی کسانی که در اطراف شان هستند، تاثیر بگذارند». من از خدمت آنها بخصوص در محدوده شاگردسازی سپاسگزارم.

### ولی کلیسا چه می‌شود؟

نکته جالب توجه این است که این دو جمله‌ای که در مورد خدمت آنها گفته شد، دقیقاً توضیح می‌دهد که کلیساها باید چه کاری انجام دهند!

برخی افراد نگران این موضوع می‌شوند که خدمات «مشابه کلیسا، پارا کلیسا» از قبیل خدمت ناویگیتورها جایگزین کلیسا می‌شوند. **پارا** به معنای در کنار می‌باشد. و ارزش این را دارد که پرسیم آیا این خدمات واقعاً در کنار کلیسا کار می‌کند تا **جدا** از آن. قطعاً برخی شرایط - مانند دریاوردانی که در یک کشتی جنگی در وسط اقیانوس آرام هستند - وجود دارد که به شاگردسازی جدای از کلیسای محلی نیاز دارند. با این وجود، خیلی اشتباه خواهد بود که وقتی می‌خواهید در کلیسای محلی شاگردسازی کنید از نمونه‌هایی مانند خدمت دانشجویان یا مشارکت صاحبان مشاغل استفاده کنید، انگار که در یک کشتی در میان دریا گیر افتاده‌اید. اگر انجام شاگردسازی بدون کلیسا حکیمانه نیست، باید بگویم که خدمت کلیسا بدون شاگردسازی از آن هم بدتر است. با این وجود، آیا بسیاری از کلیساهای محلی اینگونه نیستند؟

مسیحیان به کلیساها می‌پونند و هیچ کسی کنار آنها نمی‌آید. این فرهنگ وجود ندارد که یک فرد مجرد با خانواده مسیحی زندگی کند و بیاموزد که چگونه مسیح را خدمت کند. این فرهنگ وجود ندارد که انجیل را با دانشجویان بین المللی به مشارکت بگذاریم. مهمان‌نوازی کمی وجود دارد. فقط گاه به گاه مردم را به ناهار یکشنبه یا شام پنجشنبه شب دعوت می‌کنیم. هیچ مردی همسر خود را شبانی نمی‌کند، و هیچ یک از همسران و بانوان مسن تر بطور کلی بانوان جوان تر را شاگردسازی نمی‌کنند. هیچ مشاوره کتاب مقدسی در بین اعضای کلیسا وجود ندارد

## کلیسای محلی

- مشاوره فقط در دفتر کلیسا انجام می‌شود. هیچ فکر نمی‌کنیم به کلیسایی برویم که ممکن است سبک موسیقی مورد علاقه‌مان را نداشته باشد، حتی اگر به دیگران خدمت می‌کند. هیچ فکر نمی‌کنیم به خانواده یا ازدواجی که مشکل دارد، کمک کنیم. بشارت به افراد با رنگ پوست و لهجه متفاوت کم انجام می‌شود. بندرت تعداد کمی از مردان جوان برای مطالعه کتاب مقدس دور هم جمع می‌شوند.

با کلیساهایی مانند این، جای تعجب نیست که برخی از آنها به خدمت «مشابه کلیسایی» تبدیل شده‌اند. تجربه به آنها آموخته است که کلیسای محلی آخرین جایی است که به دنبال فرصت شاگردسازی باشیم.

## خود کلیسا بعنوان مربی شاگردسازی

با این حال کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که کلیسای محلی محیط طبیعی برای شاگردسازی است. در حقیقت، تعلیم می‌دهد که کلیسای محلی **خودش** مربی اصلی شاگردسازی مسیحیان است. کلیسا این کار را از طریق گردهمایی‌های هفتگی و ساختار پاسخگو بودن خود (این فصل) و همچنین مشایخ و اعضایش انجام می‌دهد (فصل بعدی). اینها به نوبه خود زمینه را برای شاگردسازی یک به یک که تا اینجا مورد توجه قرار داده‌ایم، فراهم می‌نمایند.

جماعت کلیسای محلی وظیفه دارد تمام مشاوره خدا را از طریق افرادی که برای این خدمت عطیه دارند، موعظه کند. از طریق تعمید، اعتبار اعتراف فرد را تأیید می‌کند. از طریق شام خداوند، مرگ خداوند را اعلام می‌کند و بسیاری را متحد می‌کند. و از طریق اخراج، هرکسی که زندگی‌اش با اعترافش تضاد داشته و توبه نمی‌کند را حذف می‌کند.

اینها استخوان بندی کلیسا را فراهم می‌کند. سپس به حوزه روابط می‌رسیم که مانند گوشت و ماهیچه کلیساها هستند. اعضای کلیسا در زندگی جمعی خود، دوست داشتن و محبت به همدیگر را بعمل می‌آورند، همانطور که عیسی آنها را محبت کرده است: «حکمی تازه به شما می‌دهم، و آن این که یکدیگر را محبت کنید. همان‌گونه

که من شما را محبت کردم، شما نیز باید یکدیگر را محبت نمایید. از همین محبت شما به یکدیگر، همه پی خواهند برد که شاگرد من هستید.» (یوحنا ۱۳: ۳۴-۳۵). عیسی با چه نوع محبتی شاگردان خود را دوست داشت؟ او آنها را با محبتی دوست داشت که پیوسته به سخنان پدر اشاره می کرد. که محبت او را از طریق اطاعت از پدر نشان می داد. که به آنها اطمینان خاطر داد مکانی برای آنها آماده شده است. که در نهایت جان خود را داد تا آنها بتوانند بخشیده شوند. حال فکر کنید: کجا می توانیم ما هم محبتی مثل این داشته باشیم؟ جواب: در محیطی که با اشاره به سخنان پدر و پسر، با تأیید توبه از طریق تعمید، با تأیید اینکه بسیاری از طریق شام خداوند یکی هستند و با قربانی کردن برنامه ها و انتقام های خود از طریق بخشش، بتوانیم محبت کنیم. گوشت و استخوان با هم می آید. کلیسای محلی از طریق این روش های بسیار ابتدائی، اولین مربی شاگردسازی همه مسیحیان است.

کلیساهای ما هرگز کامل نخواهند بود. اما اگر آسمان همان چیزی است که جانانان ادواردز آن را «جهانی از محبت» نامیده (و همانطور که اول قرنیتان ۱۳ به آن اشاره می کند)، پس کلیسای محلی باید یک پیش نمایش یا نمونه ای از آن جهان باشد.

### گودهم آمدن

کار شاگردسازی کلیسا بطور ساده با جمع شدن در کنار هم شروع می شود. نویسنده عبرانیان می نویسد: «او در فکر آن باشیم که چگونه می توانیم یکدیگر را به محبت و انجام اعمال نیکو برانگیزانیم. و از گرد آمدن با یکدیگر دست نکشیم، چنانکه بعضی را عادت شده است، بلکه یکدیگر را بیشتر تشویق کنیم - بخصوص اکنون که شاهد نزدیکتر شدن آن روز هستید.» (۱۰: ۲۴-۲۵).

توجه کنید که هدف در اینجا کمک به یکدیگر در پیروی از مسیح است، یا همانطور که عبرانیان می گویند تشویق و ترغیب یکدیگر به محبت و نیکوکاری است. و نویسنده می گوید که یک کلیسا چگونه این هدف را تحقق می بخشد؟ با غافل نشدن از گردهم جمع شدن. با گردهمائی! ما اینگونه یکدیگر را «تشویق» می کنیم.

منظور او این است که به طور مکرر و منظم جمع شویم، و آن جلسات منظم به پیروی ما از مسیح و کمک به دیگران در پیروی از مسیح شکل می‌بخشد.

### یک ساختار اقتدار

این طرح خود عیسی بود. عیسی برای مدتی مشغول شاگردسازی دوازده شاگرد خود بود که از آنها در مورد هویت خودش سوال کرد. پطرس اعتراف نمود که عیسی همان مسیح موعود بود. عیسی پاسخ پطرس را به نمایندگی از «پدر که در آسمان است» تأیید می‌کند و سپس وعده می‌دهد که کلیسای خود را بر پایه این اعتراف صحیح پطرس بنا می‌کند. جالب اینکه پس از آن، عیسی یک ساختار اقتدار را برقرار می‌کند. او به پطرس اقتدار می‌دهد آنچه که عیسی با او انجام داده بود را انجام دهد: هر دری که بر زمین می‌بندد، در آسمان بسته شود و هر دری که در زمین باز می‌کند، در آسمان گشوده شود. یعنی پطرس و رسولان می‌توانستند اعترافات مردم را بشنوند، و سپس آن اعترافات و اعتراف کنندگان را به نمایندگی از آسمان تأیید یا رد کنند، مانند کاری که عیسی با پطرس انجام داده بود (متی ۱۶: ۱۳-۲۰).

بعداً، عیسی همین اقتدار را به کلیساهای محلی می‌دهد. با پیش بینی وضعیتی که در آن اعتراف ایمان یک تن در تضاد با زندگی او باشد، عیسی به جمع کلیسایی اقتدار می‌بخشد که او را تأیید یا رد کنند. کلیسا باید قضاوت کند که آیا همچنان به تأیید اعتراف شخص ادامه خواهد داد یا به عضویت او در کلیسا پایان می‌دهد (متی ۱۸: ۱۵-۲۰ را ببینید).

به طور خلاصه، جماعت کلیسایی اقتدار دارد متعلق بودن یک فرد به بدن مسیح، یا اینکه چه کسی شاگرد است را تأیید کند یا نکند. و با انجام این کار زمینه پاسخگو بودن برای شاگردسازی را فراهم می‌کند. آیا این شخصی که شاگردسازی می‌کنم ایماندار نیست؟ ایماندار است؟ کسی است که باید به او گفته شود مانند یک غیرایماندار زندگی می‌کند؟

### تعمید و تعلیم یکدیگر

دقیقاً چگونه یک کلیسا تأیید می‌کند که شاگردان چه کسانی هستند؟ از طریق تعمید و شام خداوند. عیسی پس از استناد به همه اقتدار خود در آسمان و روی زمین، به شاگردان خود فرمان می‌دهد که بروید و «همه ملت‌ها را شاگرد سازید، آنها را به نام پدر، پسر و روح‌القدس تعمید دهید و به آنها تعلیم دهید...». کسی را تعمید دادن به معنای این است که به طور رسمی تشخیص بدهیم «او با عیسی است». سپس باید به این نمایندگان عیسی تعلیم داده شود (متی ۲۸: ۱۸-۲۰). و از طریق شام خداوند، پولس می‌گوید: «ما که بسیار هستیم، یک بدن هستیم» (اول قرنتیان ۱۰: ۱۷).

با مطالعه کتاب اعمال و نامه‌های رسولان، برنامه شاگردسازی رسولان را می‌بایم. آنها مربیان شاگردسازی را همینطوری در میان گروه‌های غیر وابسته به کلیسا آواره نمی‌کنند. در عوض، آنها مردم را به عضویت به کلیساها تعمید می‌دهند، یعنی جایی که شاگردسازی و مشارکت یک به یک باید صورت بگیرد. بنابراین پطرس انجیل را در روز پنطیکاست موعظه می‌کند؛ مردم توبه می‌کنند و تعمید می‌گیرند؛ مردم مرتباً در خانه‌ها و در صحن‌های معبد برای شکستن نان جمع می‌شوند؛ و همه اینها سبب ایجاد کلیسا می‌شود، کلیسای اورشلیم. سپس شاگردان به میان ملت‌ها رفته و شاگرد می‌سازند، نه جدای از تعمید و تعلیم، یا جدای از شام خداوند، یا جدای از معلمینی که از طرف خدا عطیه دارند. نه، شاگردان کلیساهایی را بنا می‌کنند که اطاعت می‌کنند و به دیگران تعلیم می‌دهند که اطاعت کنند.

در عهد جدید، کلیسای محلی در مرکز اطاعت و کار شاگردسازی شاگرد قرار دارد. این امر اختیاری نیست؛ اساسی است. ما در فصل بعد، به ویژه در قسمت کار مشایخ و اعضا، بیشتر به این موضوع فکر خواهیم کرد.

## شبانان و اعضا

همانطور که در فصل گذشته ملاحظه کردیم، کلیسای محلی عرصه طبیعی برای روابط شاگردسازی است. ما درباره شاگردسازی در زمینه گردهمائی‌های کلیسایی فکر کردیم. و در مورد پاسخگویی که کلیساها از طریق آیین‌های کلیسا میدارند، فکر کردیم. با این حال دو مورد دیگر در زندگی کلیسا هست که ارزش بررسی دارد: کار شبانان و مسئولیت جماعت یا اعضای کلیسا. این دو همچنین برای کار عادی شاگردسازی در زندگی یک مسیحی مهم هستند.

### شبانان مریبان را با کلام خدا شاگردسازی و تجهیز می‌کنند

بیاید با فکر کردن در مورد شبانان شروع کنیم. در عهد جدید، نقش اساسی شبان یا شیخ (کتاب مقدس هر دو کلمه را بجای هم استفاده می‌کند) این است که با تعلیم کلام خدا شاگردسازی کند. آنها این کار را در ابتدا بعنوان مبشرین انجام می‌دهند. پولس به تیموتائوس می‌گوید: «اما تو در همه حال به هوش باش؛ سختیها را بر خود هموار کن؛ کار مبشر را انجام ده و خدمت خویش را به کمال به انجام رسان» (دوم تیموتائوس ۴: ۵). زیرا ایمان از شنیدن کلام مسیح حاصل می‌شود (رومان ۱۰: ۱۷).

اما به طور گسترده تر، خدا شبانان را برای شاگردسازی کلیسا بوسیله تعلیم کلام خدا جدا می‌کند. شبانان هم در گردهمایی‌های کلیسا و هم بصورت یک به یک یا گروه‌های کوچک تعلیم می‌دهند. و یکی از اهداف تعلیم آنها، تجهیز کلیسا برای کارهای خدمت است تا کلیسا بتواند خودش را در محبت بنا کند (افسیان ۴: ۱۱ - ۱۶). آنها اعضا را شاگردسازی می‌کنند تا اعضا بتوانند شاگردسازی کنند.

شبانان یا مشایخ چه هدایای مهمی به کلیسا هستند! پطرس نمونه بارز این امر است. او در روز پنطیکاست بشارت وار موعظه کرد. و نامه‌هایی به مقدسین نوشت. علاوه برین، تعالیم و نوشته‌هایش تشریح کلام خدا از عهد عتیق بودند.

پولس نیز مثال خوبی است. او به شبان جوان تیموتائوس گفت که مراقب تعالیم خود باشد (اول تیموتائوس ۴: ۱۶). و در هر دو نامه خود به تیموتائوس نگران این است که شبانان اهل کلام خدا باشند، ایمان و رفتارشان طبق کلام شکل گرفته باشد و قادر باشند دیگران را نیز تعلیم بدهند.

اگر در کلیسایی معمولاً کلام خدا را نمی‌شنوید، بهترین چیزی که می‌توانم بگویم این است که وقت‌تان را تلف می‌کنید. دلیلش این است که تعلیم شبان از کلام خدا هسته اصلی خدمت شاگردسازی است. آب و غذایی فراهم می‌کند که بقیه روابط شاگردسازی داخل کلیسا را خوراک می‌دهد. شما یکشنبه گذشته آن را تجربه کردید، و امیدوارم آخرین باری که از یک شیخ مشاوره خواستید نیز آن را تجربه کردید. اگر اینطور نبوده، کلیسایتان را عوض کنید؛ کلیسای پیدا کنید که کلام خدا به شما تعلیم داده شود - به خاطر روح‌تان و به خاطر کمک به دیگران.

### شبانان تعمید و شام خداوند را رهبری می‌کنند

خدمت آیین‌های کلیسا به خدمت کلام گره خورده است. آیین‌های کلیسای نیز تعلیم می‌دهند. به عنوان مثال، شام خداوند، مرگ مسیح را «اعلام می‌کند» تا زمانی که دوباره بیاید (اول قرنتیان ۱۱: ۲۶). همانطور که آیین‌ها کلیسای نشانه «کلیسا» هستند، برای زندگی مسیحی نیز یک حالت پاسخگویی فراهم می‌کنند، چنانکه در فصل قبل آن را ملاحظه کردیم. آنها تعیین می‌کنند که اعضا چه کسانی هستند. رهبری این موارد تعلیمی و پاسخگویی با شبانان است. به طور کلی، آنها مصاحبه با کاندیداهای تعمید و اعضای آینده را انجام می‌دهند: «شما چگونه مسیحی شدید؟» «انجیل چیست؟» من به عنوان عضو یک کلیسای جماعتی، معتقدم که جماعت کلیسا اقتدار نهایی را در مورد تصمیمات مربوط به عضویت کلیسا و اینکه چه کسی آیین‌های کلیسای را دریافت می‌کند، دارد. اما معمولاً جماعت باید از

رهبری مشایخ پیروی کند. وقتی یک مورد انضباطی به سطح جماعت می‌رسد نیز مشایخ آنرا رهبری می‌کنند.

آنها معنای روبرو شدن با گناه توبه نشده را بوسیله توصیه به محروم کردن شخص گناهکار از شام خداوند و عضویت کلیسا، بعنوان عمل اخراج شخص به کلیسا تعلیم می‌دهند. در تمام این روش‌ها، مشایخ کمک می‌کنند که کلیسا شکل خودش را بگیرد و آن را تبدیل به محیطی می‌کنند که شاگردسازی بتواند شکوفا شود. آنها باعث می‌شوند که اعضا بتوانند راحت‌تر یکدیگر را شاگردسازی کنند. آنها مانع از آن می‌شوند که کلیسا یک کلوپ از دوستی‌های غیر رسمی و غیر پاسخگو باشد که هیچ کدام از افرادش بطور رسمی در قبال یکدیگر مسئولیتی ندارند و هر فردی انجیل و وفاداری به انجیل را برای خودش تعریف و تفسیر می‌کند. هنگامی که پاسخگویی وجود ندارد، آیا برای یک جوان ایماندار آسان است که جوان دیگری را شاگردسازی کند؟ اصلاً چطور می‌داند که ایمانداران چه کسانی هستند و بدعت گذاران و ریاکاران چه کسانی هستند؟

### شبانان یک نمونه فراهم می‌کنند

ما قبلاً مشاهده کردیم که در راه صلیب نمونه بودن، بطور کلی یک مؤلفه حیاتی در شاگردسازی است. به یاد داشته باشید که پولس می‌گوید: «پس، از من سرمشق بگیرید، چنانکه من از مسیح سرمشق می‌گیرم» (اول قرنتیان ۱۱: ۱).

مشایخ مردانی هستند که توسط روح القدس به کلیسا داده شده و توسط جماعت بعنوان نمونه و سرمشق شناخته می‌شوند. آنها کامل نیستند، اما بی ملامت هستند. به همین دلیل است که پولس هنگام توصیف خصوصیات آنها به تیموتائوس و تیطس، بر اهمیت شخصیت آنها تأکید می‌کند (اول تیموتائوس ۳: ۱-۷؛ تیطس ۱: ۶-۹). نویسنده عبرانیان نیز توصیه می‌کند: «رهبران خود را که کلام خدا را برای شما بیان کردند، به یاد داشته باشید. به ثمره شیوه زندگی آنها توجه کنید و از ایمانشان سرمشق بگیرید» (۷: ۱۳). توجه کنید که او خوانندگان خود را تشویق نمی‌کند تا از نمونه هر رهبری پیروی کنند؛ بلکه به آنها می‌گوید تا از **رهبران تان** پیروی کنند.

برای شما خوب است که بتوانید از طریق کتاب‌های شبانانی که قید حیات نیستند، مطلبی بیاموزید. اشکالی ندارد که از موعظه‌های سایر واعظان که در اینترنت هست، لذت ببرید. اما کتاب مقدس شما را فرامی‌خواند تا از ایمان شبانانی که کلام خدا را به شما گفتند، تقلید کنید. اینها مردانی هستند که برای شما حساب پس خواهند داد (عبرانیان ۱۳: ۱۷). مسئولیت آنها خیلی بیشتر است. بنابراین زندگی آنها را بعنوان بخشی از شاگردیتان تماشا کنید، و از آنها یاد بگیرید چگونه دیگران را شاگردسازی کنید.

کلیسای محلی عرصه طبیعی برای روابط شاگردسازی است، زیرا شبانان آنجا هستند!

### جماعت کلیسا خدمت شبانان را دریافت کرده و حمایت می‌نماید

اما اکنون بیایید ملاحظه کنیم که این جماعت چگونه کمک می‌کند کلیسا به یک عرصه طبیعی برای روابط شاگردسازی تبدیل شود؛ و از این نقطه شروع کنیم که آنها چگونه خدمت مشایخ را دریافت و حمایت می‌نمایند. آیا متوجه هستید که پذیرش و پشتیبانی جماعت از مشایخ بعنوان هدایایی که از طرف مسیح هستند، باعث می‌شود که خدمت آنها ممکن شود؟ آنها به محبت و دعای جماعت، به اندازه حمایت همراه با خوشحالی آنها نیاز دارند. کلیسا هنگامی «کار می‌کند» که اعضا به شبانان خود احترام گذاشته و از آنها اطاعت کنند. مسیحیان خیلی راحت از این امر غافل می‌شوند.

ملاحظه کنید که پولس چگونه تسالونیکیان را ترغیب می‌کند: «حال ای برادران، تقاضا می‌کنیم آنان را که در میان شما زحمت می‌کشند و از جانب خداوند رهبران شما بوده، پندتان می‌دهند، گرامی بدارید، و با محبت، کمال احترام را به سبب کاری که انجام می‌دهند، برایشان قائل باشید. و با یکدیگر در صلح و صفا زندگی کنید» (اول تسالونیکیان ۵: ۱۲-۱۳). او می‌گوید، آنهایی که خوب رهبری می‌کنند و تعلیم می‌دهند شایسته «احترام مضاعف» هستند (۱ تیموتائوس ۵: ۱۷)، که یک اصطلاح مالی است. او به غلاطیان می‌گوید: «اما دینداری با قناعت، سودی عظیم است» (۶: ۶). اگر

برادری از خدا عطیه دارد و برای تعلیم کلام او خوانده شده، کلیسا با کمک به فراهم کردن مخارج زندگی او باعث می شود که او بتواند بر خدمت تعلیم متمرکز شود و در نهایت کلیسا از این بابت متفع خواهد شد. توانایی او برای تجهیز کلیسا بستگی به این دارد که او را بپذیرند.

### جماعت کلیسایی باید گاهی اوقات خدمت شبانان را رد کند

در عین حال، جماعت کلیسا همچنین می تواند بوسیله آمادگی برای رد کردن مشایخ زمانی که آنها کلام خدا را رد می کنند، به نوعی فرهنگ شاگردسازی را پرورش دهد. اگر شاگردسازی به معنای کمک به دیگران برای پیروی از عیسی است، جماعتی که معلم بد را تحمل می کند در واقع به دیگران کمک نمی کند که عیسی را پیروی کنند. متأسفانه، بسیاری از شبانان کلام خدا را رد کرده اند، و بسیاری از کلیساها مسئولیت خود در این مورد را تشخیص نداده اند. عهد جدید تعلیم می دهد که یک جماعت کلیسایی نیز مسئول تعلیم بشدت دروغینی است که آنها را تحمل می کند. پولس فقط معلمان دروغین را سرزنش نمی کند، بلکه آن اعضایی که به تعلیم درست گوش نمی دهند و معلمانی فراهم می کنند که نصایحی که دوست دارند را بشنوند (دوم تیموتائوس ۴: ۳).

کتاب مقدس مسئولیت جماعت برای رد کردن معلمان دروغین را به رسمیت می شناسد. پولس حتی به کلیساهای غلطیه می گوید که اگر او از انجیل دور شود، آنها می توانند نسبت به او اعمال قدرت نمایند: «اما حتی اگر ما یا فرشته ای از آسمان، انجیلی غیر از آنچه ما به شما بشارت دادیم موعظه کند، ملعون باد!» (غلاطیان ۱: ۸). بنابراین من مرتباً به کلیسای خود می گویم که اگر کتاب مقدس را درست تعلیم ندادم «من را اخراج» کنید. آگاهی از اینکه شما بعنوان یک عضو کلیسا از این مسئولیت برخوردار هستید، می تواند احساس شما از جدی بودن مساله عضویت کلیسا را افزایش دهد. این امر مستلزم شناخت شما از انجیل، مطالعه انجیل و بطور کلی توجه دقیق به کلام خداست! خلاصه اینکه باعث می شود شاگرد بهتری باشید.

### اعضا در قبال یکدیگر مسئولیت دارند

اعضای یک کلیسا در قبال یکدیگر نیز مسئولیت دارند. کل جماعت کلیسا وظیفه دارند اطمینان حاصل کنند که هر یک از اعضا - سارا و استفانی، نیک و جو - محبت می‌شوند و ترغیب می‌شوند که محبت بورزند (برای نمونه: اول قرن‌تیان ۱۲: ۱۲-۲۶؛ عبرانیان ۱۰: ۲۴). ما یک بدن هستیم: «زیرا بدن نه از یک عضو، بلکه از اعضای بسیار تشکیل شده است» (اول قرن‌تیان ۱۲: ۱۴-۱۵).

این مسئولیت شکل‌های گوناگونی دارد. فقط تعداد کلمه «یکدیگر» را در یک قسمت کوتاه از نوشته‌های پولس حساب کنید: «ا محبت برادرانه سرسپرده هم باشید. در احترام گذاشتن به یکدیگر، از هم پیشی بگیرید. هیچ‌گاه غیرت شما فروکش نکند؛ در روح شعله‌ور باشید و خداوند را خدمت کنید. در امید شادمان، در سختیها شکیا و در دعا ثابت قدم باشید. در رفع احتیاجات مقدسین سهم شوید و میهمان‌نواز باشید. برای کسانی که به شما آزار می‌رسانند، برکت بطلید؛ برکت بطلید و لعن نکنید! با کسانی که شادمانند، شادی کنید، و با کسانی که گریانند، بگریید. برای یکدیگر ارزش برابر قائل باشید! مغرور نباشید، بلکه با کسانی که از طبقات محرومند، معاشرت کنید. خود را برتر از دیگران مپندارید» (رومیان ۱۲: ۱۰-۱۶). این مجموعه‌ای است که مسئولیت اعضای خود را بر عهده می‌گیرد.

با این حال، آنچه که می‌خواهم در اینجا ببینید این است که این مسئولیت‌های در قبال «یکدیگر»، که بسیاری از آنها به صورت فردی انجام خواهد شد، در چارچوب مسئولیت شراکتی جماعت کلیسایی برای خودش اتفاق می‌افتد. در قسمت بالا به نقش رهبری مشایخ در پاسخگویی و انضباط اشاره کردم. اما عهد جدید در نهایت جماعت کلیسایی که دور هم جمع می‌شود را مسئول اطمینان از این امر نموده که اعضای کلیسا طبق اعترافات به ایمان و عهدهای خود با یکدیگر زندگی کنند. عیسی این کار را در متی ۱۸ انجام می‌دهد. پولس نیز، نه شبانان بلکه جماعت کلیسایی را ترغیب می‌کند مرد ناتوبه کار را از عضویت کلیسا محروم کنند (اول قرن‌تیان ۵). و جماعت کلیسا را تشویق می‌کند که رابطه خود با عضوی که ثابت می‌کند توبه کرده است را دوباره به حال اول برگرداند (دوم قرن‌تیان ۲: ۶). این مسئولیت شراکتی

## کلیسای محلی

جماعت هم قسمتی از شاگردسازی کلیساست و هم کمک به شاگردسازی یک به یک می‌باشد.

اجازه دهید این را توضیح بدهم. فرض کنید من دو دوست مسیحی دارم، یکی عضو کلیسای من است و دیگری نیست، و من در تلاش هستم که هر دو را شاگردسازی کنم. با برادری که عضو کلیسای من است، می‌توانم به موعظه یکشنبه اشاره کنم. می‌توانم به نمونه‌ای که توسط شبانان کلیسای من قرار داده شده، اشاره کنم. اگر لازم باشد می‌توانم به انطباق کلیسایی برای گناه توبه نشده اشاره کنم. بعلاوه، می‌دانم که من شخصا، **بعنوان بخشی از مسئولیت شراکتی‌ام**، مسئول پیگیری برادرم در همه این روش‌ها هستم. و این واقعیت که رابطه شاگردسازی ما در این زمینه پاسخگویی رخ می‌دهد، سبب تشدید احساس مالکیت و اهمیت دادن من می‌شود. من در قبال او مسئولیت دارم، درست همانطور که من در قبال همسرم بیشتر مسئولیت دارم تا نسبت به سایر بانوان، یا نسبت به بچه‌های خودم بیشتر مسئولیت دارم تا نسبت به بقیه بچه‌ها.

حالا در مورد برادری که عضو کلیسای من نیست، من بخاطر مسیح مسئول هستم که او را محبت کرده، تشویق نمایم و در مورد عواقب گناه توبه نشده به او هشدار دهم. اما من کسی نیستم که بوسیله مسیح موظف شده باشم آخرین ساختار پاسخگویی در زندگی او را فراهم نمایم. **اعضای کلیسای او** موظف هستند. نمی‌خواهم بگویم که این واقعیت باعث می‌شود در محبت و اهمیتی که برای او قائل هستم، از خود راضی شوم. اما بار مسئولیت من نسبت به او را کم می‌کند، دوباره می‌گویم، همانطور که من نسبت به فرزندان شما کمتر مسئولیت دارم تا فرزندان خودم. آیا می‌بینید که مسئولیت کلیسا در قبال خودش چگونه به کار شاگردسازی کمک می‌کند؟ آیا می‌بینید که استخوانبندی بدن و گوشت و ماهیچه بدن چگونه به هم می‌چسبند؟

رسمیت دادن به وظایف من نسبت به یکدیگر بعنوان یک جماعت، به ما کمک می‌کند تا به هر شخصی که به کلیسا می‌پیوندد متعهد شویم. این امر به احساس

مالکیت و مسئولیت ما کمک می کند، و به روابط شاگردسازی مان فرم و شکل می دهد.

### یک فرهنگ شاگردسازی

در نهایت، مسئولیتهای شراکتی و مسئولیتهای فردی ما در یک فرهنگ شاگردسازی با هم در آمیخته می شوند. ما کلام خدا را با هم می خوانیم و درباره آن با یکدیگر صحبت می کنیم. با یکدیگر وقت می گذرانیم. برای مشایخ و برای یکدیگر دعا می کنیم. محبت می کنیم. هدیه می دهیم. با دعا در گردهمائی های هفتگی شرکت می کنیم و مشارکت می نمائیم. آماده می آئیم. دل های مان را از پیش شخم می زنیم، برای دریافت کلام خدا آماده می کنیم. نمونه رهبران خود را دنبال می کنیم که به ما نشان می دهند چگونه مسیح را پیروی کنیم. مطیع رهبری حکیمانه مشایخ مان می شویم، مگر اینکه ما را در مسیر نادرستی هدایت کنند. به نظارت جماعت نسبت به ما احترام می گذاریم. یکدیگر را تشویق می کنیم و به یکدیگر مشاوره و هشدار می دهیم. «دهانتان به هیچ سخن بد گشوده نشود، بلکه گفتارتان به تمامی برای بنای دیگران به کار آید و نیازی را برآورده، شنوندگان را فیض رساند» (افسیان ۴: ۲۹).

در زندگی یک کلیسا، رشد و سلامت روحانی باید یک امر معمول باشد. باید طبیعی باشد که شاهد رشد و بلوغ روحانی افراد باشید. در حقیقت، رشد روحانی برای مسیحی یک امر اختیاری نیست؛ و حیات را نشان می دهد. چیزهایی که واقعاً زنده هستند، رشد می کنند. چیزهای مرده، رشد نمی کنند. خدا به منظور رشد کلیسا، مشایخ را به کلیسا و ما را به یکدیگر عطا کرده است. در چهارچوب تمامی این روابط با اعضا و شبانان، تمامی تعهدات نسبت به یکدیگر است که مرغوب ترین خاک (همراه با خانواده مسیحی) را برای روابط شاگردسازی پیدا می کنیم که بطور طبیعی رشد نماید. اصول اعتقادی و زندگی ما شکل خود را در اصول اعتقادی و زندگی جماعت بدست می آورد. این یک فرهنگ شاگردسازی است.

## کلیسای محلی

آیا در بشارت شخصی خودتان کشمکش دارید؟ پس امیدوارم که شما به کمک و دعا و شهادت سایر اعضای کلیسای خود گوش فرادهید.

آیا الان از زندگی مشترک تان لذت می‌برید یا دچار کشمکش هستید؟ کلیسای محلی جایی است که بدنبال تشویق و مشاوره باشید. کلیسای محلی جایی است که راهنمایی می‌گیریم و راهنمایی می‌دهیم، همانطور که یکدیگر را شاگردسازی می‌کنیم.

چگونه یک عضو مسن کلیسا بعد از یک عمل جراحی دشوار می‌تواند به پیروی از مسیح ادامه دهد؟ مقداری از طریق تشویق و محبت کلیسا.

چگونه یک مسیحی جوان می‌تواند دلسردی و تردید خود را برطرف کند هنگامی که دوستی از ایمان دور می‌شود؟ از طریق پشتیبانی و مشاوره کلیسا.

چگونه می‌توانیم یک همسر پیدا کنیم و یک خانواده پرورش بدهیم، یک کارمند خوب باشیم و یک همسایه وفادار؟ از طریق تعالیم کلیسای محلی و شاگردسازی که در آنجا پیدا می‌کنیم.

کلیساهای دیگر چگونه شروع کردند و تشویق شدند؟ خانواده‌های مسیحی چگونه ایجاد و تغذیه شدند؟ خدمت‌ها و فرصت‌های خدمت کردن چگونه به اشتراک گذاشته شدند؟ ضعفا چگونه تقویت شدند، افراد سرگردان چگونه جستجو شدند و مبشرها چگونه برانگیخته شدند؟ همه از طریق کلیسای محلی!

از این روش‌ها و موارد دیگر به یکدیگر در پیروی از عیسی کمک می‌کنیم. همدیگر را شاگردسازی می‌کنیم. کلیساهای برای شاگردسازی به فرهنگ بیشتر نیاز دارند تا برنامه؛ فرهنگی که در آن هر عضوی سلامت روحانی دیگران را در اولویت قرار می‌دهد. به هر عضوی عطیه‌ای داده شده است برای خیریت همگی، و هر عضو باید از عطیه‌اش هرچه که هست، برای بنای بدن استفاده نماید: «باری، عطایا گوناگونند، اما روح همان است؛ خدمتها گوناگونند، اما خداوند همان است؛ عملها گوناگونند، اما همان خداست که همه را در همه به عمل می‌آورد. ظهور روح، به هر کس برای منفعت همگان داده می‌شود.» (اول قرنتیان ۱۲: ۴-۷).

در جماعت کلیسایی من، برای چنین فرهنگی دعا می‌کنم و کار می‌کنم. دعا می‌کنم که از طریق خدمت تعلیم خودم و همچنین از طریق خدمت هر عضوی، همگی تشویق شویم انجیل را با همسایگان خود در میان بگذاریم، بارهای یکدیگر را تحمّل کنیم، احساس انگیزه کنیم که از نظر مالی برای کارهای خدا هدیه بدهیم، به کلام خدا بصورت جدی توجه کنیم، و برای وحدت کسانی که بجز مسیح، وجه مشترک چندانی ندارند دعا کنیم.

### کلیسای محلی بهتر است

کلیسای محلی - این بدن طراحی شده توسط پدر، دارای اقتدار از عیسی و دارای عطیه از روح القدس - به مراتب بهتر از شما و یکی از دوستان تان مجهز شده است که کار شاگردسازی ایمانداران را انجام دهد. عیسی وعده نمی‌دهد که شما و یکی از دوستان تان دروازه‌های جهنم را شکست خواهید داد. او وعده می‌دهد که کلیسا این کار را خواهد کرد. شما نمی‌توانید تشخیص بدهید که عطیه تعلیم دارید و برای تعلیم کلام خدا فراخوانده شده‌اید، یا برای تعمید دادن یا انجام مراسم شام خداوند خوانده شده‌اید. یک کلیسای محلی چنین اقتداری دارد.

فرض کنید فردا یک دوست غیر مسیحی شما که در یک شهر دیگری زندگی می‌کند و سال‌ها برایش دعا کرده‌اید، مسیحی شود و شروع کند به حضور در یک کلیسای انجیلی در آن شهر. دل تان می‌خواهد آن کلیسا دوست شما که دوستش دارید را چگونه بپذیرد؟ احتمالاً، می‌خواهید که جماعت کلیسا مسئولیت او را به عهده بگیرد. می‌خواهید مشایخ به او تعلیم دهند. و می‌خواهید مخصوصاً تعدادی از افراد به او برسند، از او مراقبت کنند، او را شاگردسازی کنند. می‌خواهید معنای مطالعه کتاب مقدس، راه رفتن در عدالت، بشارت دادن، یک همسر و یک والدین مسیحی بودن، در مقابل دنیا ایستادن، و به نوبه خود شاگردسازی کردن را به او تعلیم دهند و در همه اینها برای او نمونه باشند. و چقدر شادی خواهید کرد اگر آن کلیسا اینگونه مسئولیت دوست شما را بعهده بگیرد، مگر نه؟

## کلیسای محلی

حالا، آیا اعضای کلیسایتان را اینگونه می‌پذیرید و شاگردسازی می‌کنید؟ آیا به دیگران کمک کرده‌اید که از مسیح پیروی کنند؟ آیا شما جواب دعای مسیحیان در شهرهای دیگر هستید؟

اگر اینطور نیست، وحشت نکنید. نمی‌خواهم بگویم که شاگردسازی یک گروه شامل ۱۲ تن را شروع کنید. در عوض، می‌خواهم در مورد یک فرد در کلیسای خودتان فکر کنید - فقط یک تن. به شخصی فکر کنید که دوست دارید بیشتر عیسی را پیروی کند. حالا، برای آن شخص دعا کنید . . .

دعا کردید؟ قدم بعدی، نظرتان درباره شاگردسازی آن شخص توسط شما چیست؟

خیلی خب، شاید این کلمه **شاگردسازی** هنوز هم شما را می‌ترساند. بگذارید طوری دیگر بگویم: نظرتان در مورد کمک به آن شخص در پیروی از عیسی چیست؟ یا، چطور می‌توانید کار نیک روحانی حساب شده در زندگی او انجام دهید؟ در این مورد چه قدم‌های کوچکی می‌توانید بردارید؟

ما در بخش بعدی به موضوع «چگونه باید شاگردسازی کنیم» می‌پردازیم.



قسمت سوم: چگونه باید شاگردسازی کنیم؟



## فردی را انتخاب کنید

دو عضو کلیسا را تصور کنید. بیایید آنها را آقای باب و آقای بیل بنامیم. آقای باب دانش آموز کتاب مقدس است. دوست دارد بداند که کتاب مقدس در مورد هر چیزی چه می گوید. اگر از او بخواهید حتی می تواند اصول اعتقادی مربوط به تثلیث را توضیح دهد. برخی از رفتارهای او به نظر نمی رسد نشان دهد که فردی مسیحی است. در حقیقت، زندگی او به هیچ وجه خیلی مسیحی به نظر نمی رسد. اما کتاب مقدسش را می داند!

اما آقای بیل همه جا نمی گوید که مسیح است، اما کتاب مقدسش را زیاد نمی خواند. مطمئناً می خواهد آدم «خوبی» باشد. سعی می کند دیگران را محبت نماید. اما به سختی می تواند توضیح صحیحی درباره اینکه مسیح کیست یا کلیسا چیست، ارائه دهد. او به خوبی نمی تواند مسائل اخلاقی را با دقت تعریف کند. اما واقعاً می خواهد زندگی متفاوتی داشته باشد نسبت به زندگی کسانی که خودخواه و خود محور هستند. او دوست دارد خودش را اهل معاشرت بداند، تا اینکه اهل کتاب مقدس یا اصول اعتقادی مسیحیت.

آیا شما مثل یکی از این افراد هستید؟

آقای باب باید بیشتر به مردم اهمیت دهد و آقای بیل باید بیشتر به حقیقت اهمیت دهد. در واقع، هر دو باید بیشتر به عیسی اهمیت دهند، زیرا عیسی حقایق کلام خدا و زندگی قوم خدا را دوست دارد. و کار شاگردسازی یک کلیسا باید به هر دو نوع افراد کمک کند که بهتر از مسیح پیروی کنند. عیسی فرمود که هر کسی «که می خواهد مرا پیروی کند، باید خودش را انکار نماید و صلیب خود را برداشته و از پی من آید» (مرقس ۸: ۳۴). آقای باب باید بوسیله بیشتر دوست داشتن مردم، خود را انکار کند و از عیسی پیروی نماید. آقای بیل باید این کار را بوسیله بیشتر دوست

داشتن کلام خدا انجام دهد. شاگرد کسی نیست که صرفاً ادعا کند از مسیح پیروی می کند. یک شاگرد واقعاً این کار را می کند.

هر گفتگویی در مورد شاگردسازی دیگران باید با مفهوم پیروی از عیسی شروع شود. شاگردسازی به معنای کمک به دیگران در پیروی از عیسی است. شاگردسازی رابطه‌ای است که در آن می‌خواهیم با شروع تعلیم دادن، اصلاح نمودن، نمونه بودن، محبت کردن، فروتن شدن، مشاوره دادن و تاثیر گذاری، برای دیگران کار نیک و روحانی انجام دهیم.

با این وصف، چگونه شاگردسازی می‌کنیم؟ دقیقاً چگونه به آقای باب کمک می‌کنیم تا بیشتر طبق ایمانش زندگی کند و چگونه به آقای بیل کمک می‌کنیم تا بیشتر ایمانش را درک کند؟ این سوالی است که ما در این فصل و فصل‌های بعدی به آن می‌پردازیم.

این سوال فقط برای شبانان نیست. کتاب مقدس همه ما را به انجام این نوع کار موظف می‌کند. یوحنا به ما می‌گوید که یکدیگر را محبت کنیم (دوم یوحنا ۵). پولس به ما می‌گوید که یکدیگر را تشویق کنیم و همدیگر را بنا نماییم (اول تسالونیکیان ۵: ۱۱). همچنین به ما می‌گوید که یکدیگر را راهنمایی کنیم، زیرا می‌خواهیم همه را در مسیح بالغ ببینیم (کولسیان ۱: ۲۸). نویسنده عبرانیان به ما می‌گوید در فکر این باشیم که چگونه می‌توانیم یکدیگر را به محبت و انجام کارهای نیکو برانگیزانیم (عبرانیان ۱۰: ۲۴).

اولین موردی که باید تصمیم بگیرید این است که با چه کسی باید وقت بگذارید؟ شما در طول هفته وقت محدودی دارید. نمی‌توانید کل کلیسا را شاگردسازی کنید. چطور تصمیم می‌گیرید روی چه کسی سرمایه گذاری کنید؟ شما باید انتخاب کنید.

با استفاده از کتاب مقدس، چطور باید تصمیم بگیریم که روی چه کسی سرمایه گذاری کنیم؟ در اینجا ۹ عامل وجود دارد که بایستی به ترتیب آنها را در نظر بگیریم.

## ۱. اعضای خانواده

پولس می‌نویسد: «اگر کسی در پی تأمین معاش خویشان و بخصوص خانواده خود نباشد، منکر ایمان است و پست‌تر از بی‌ایمان» (اول تیموتائوس ۵: ۸). کتاب مقدس در این قسمت و قسمت‌های دیگر به ما تعلیم می‌دهد که هریک از ما مسئولیت ویژه‌ای در قبال اعضای خانواده خود داریم. خدا روابط محبت‌آمیز مادام‌العمر و زمینه طبیعی برای وجود عاطفه و علاقه نسبت به یکدیگر به خانواده می‌دهد. و این عواطف و مسئولیت‌های طبیعی باید برای اهداف مسیح به کار گرفته شوند. مخصوصاً در صورتی که با این اعضای خانواده زندگی می‌کنید. حتی بیشتر از آن، اگر کتاب مقدس مسئولیت ویژه‌ای به شما واگذار می‌کند، چنانکه در مورد والدین نسبت به بچه‌ها، یا زن و شوهر نسبت به یکدیگر اینگونه است. مهمترین مسئولیت شاگردسازی شما این روابط هستند.

## ۲. وضعیت روحانی

شما باید به دوستان غیر مسیحی خود بشارت دهید، اما اگر مسیحی نیستند، شاگردسازی آنها بیهوده است. پولس به ما می‌گوید: «اما انسان نفسانی امور مربوط به روح خدا را نمی‌پذیرد زیرا در نظرش جهالت است، و قادر به درکشان نیست، چرا که قضاوت درست درباره آنها تنها از دیدگاهی روحانی میسر است» (اول قرنتیان ۲: ۱۴). شما می‌خواهید فردی مسیحی را شاگردسازی کنید.

## ۳. عضویت کلیسا

در فصل ششم، این مسئولیت‌ها را از کتاب عبرانیان در نظر گرفتیم:

«رهبران خود را که کلام خدا را برای شما بیان کردند، به یاد داشته باشید. به ثمره شیوه زندگی آنها توجه کنید و از ایمانشان سرمشق بگیرید. ... پس بیایید در حالی که همان ننگ را که او متحمل شد، بر خود حمل می‌کنیم، نزد او بیرون از اردوگاه برویم.» (عبرانیان ۱۳: ۷، ۱۷)

قطعاً این آیات ما را به توجه ویژه نسبت به رهبران کلیسای خودمان فرا می خوانند. با این حال، یک پیامد دیگر این آیات عبارت است از اینکه راههای معمولی شاگردسازی در زمینه روابط موجود در یک کلیسا بهتر جواب می دهند، همانطور که در فصل های قبل بحث کردیم.

ما مسئولیت بیشتری نسبت به جماعت کلیسای خودمان داریم - کمک نمودن به آنها و کمک گرفتن از آنها. اعضای کلیسا پیرو و مطیع گروهی از مشایخ هستند. بیانیه ایمان و عهد کلیسایی یکسانی را تائید می کنند. تعلیمات مربوط به موضوعات اولیه و ثانویه ی یکسانی می گیرند. حداقل هفته ای یکبار یکدیگر را می بینند. به این دلایل، بصورت عادی مناسب تر است که روابط شاگردسازی را در زمینه یک کلیسا بنا کنیم.

علاوه بر این، اگر یکی از دوستان شما در کلیسایی غیرتندرست شرکت می کند، ممکن است با شاگردسازی او به زندگی روحانی اش آسیب وارد کنید. چگونه؟ حمایت روحانی شما، از قضا او را قادر می سازد در کلیسایی باقی بماند که کتاب مقدس را تعلیم نمی دهد. این یک قانون مطلق نیست، اما شاید بهتر باشد که دوست خود را تشویق کنید به یک کلیسای تندرست بپیوندد. مسیحیان به کل بدن نیاز دارند، نه فقط به شما.

#### ۴. جنسیت

کتابمقدس به مسئله جنسیت در شاگردسازی حساس است. به عنوان مثال، پولس به تیطس می گوید: «به همین سان، زنان سالخورده باید شیوه زندگی محترمانه ای داشته باشند. نباید غیبت گو یا بنده شراب باشند، بلکه باید آنچه را که نیکوست تعلیم دهند، تا بتوانند زنان جوانتر را خرد بیاموزند که شوهر دوست و فرزند دوست باشند و خویشتندار و عفیف و کدبانو و مهربان و تسلیم شوهر، تا کلام خدا بد گفته نشود.» (تیطس ۲: ۳-۵).

در جلسات عمومی، من به بانوان و مردان تعلیم می دهم. بعلاوه، همه ما پدر و مادر داریم و بسیاری از ما خواهر یا برادر یا همسر داریم. به این معنا که شاگردسازی

فردی را انتخاب کنید

جنس مخالف در خانواده‌های ما قرار داده شده است. و در کلیسا ما با بانوان و مردان عهد می‌بندیم و دوستان خانوادگی داریم.

با این حال، وقتی صحبت از یک رابطه‌ی شاگردسازی عادی و حساب شده است، حکیمانه است که مردان شاگردسازی مردان را بعهده بگیرند و بانوان شاگردسازی بانوان را. ما تشخیص می‌دهیم که جنسیت یک واقعیت خدادادی است و می‌خواهیم با آن واقع‌گرایانه و محترمانه برخورد کنیم. ما در کلیسا باید نسبت به همه محبت داشته باشیم و در عین حال تلاش کنیم از صمیمیت و خودمانی شدنِ اشتباه پرهیزیم.

## ۵. سن و سال

همانطور که کتاب مقدس به جنسیت حساس است، به سن نیز حساس است. در قسمتی از تیطس که اخیراً ذکر شد، بانوان جوان‌تر از بانوان مسن‌تر تعلیم می‌گیرند. پولس در جای دیگری به تیموتائوس می‌گوید که اجازه ندهد به علت جوانی‌اش او را تحقیر کنند، اما در همان نامه تیموتائوس را به احترام به مردان مسن تشویق می‌کند (اول تیموتائوس ۴: ۱۲؛ ۵: ۱).

به طور معمول، شما فردی جوان‌تر از خود را شاگردسازی خواهید کرد. با این حال، کتاب مقدس مملو از نمونه‌های استثنایی تعلیم جوان‌ها به افراد مسن است. و مطمئناً، همانطور که سن مان بالا می‌رود، می‌خواهیم فروتنی مان هم بیشتر شده و از کسانی که همسن ما یا جوان‌تر هستند نیز تعلیم بگیریم. وگرنه، هیچ معلمی نخواهیم داشت! من شخصاً فکر می‌کنم که بیشتر از دوستانی یاد می‌گیرم که بیست - سی ساله هستند، ولی از هفتاد - هشتاد ساله‌ها هم بیاموزیم.

## ۶. نسبت به شما متفاوت

موارد اندکی هستند که نشان دهنده قدرت انجیل و وحدتی هستند که انجیل در میان مردمی ایجاد می‌کند که بوسیله طبقه بندی این دنیا متفرق شده‌اند. کتاب افسسیان را مشاهده کنید: «زیرا به واسطه او، هر دو توسط یک روح به حضور پدر

دسترسی داریم.» (افسیسیان ۲: ۱۸). دیوار جدایی میان یهودیان و غیر یهودیان در صلیب فرو ریخت. و اکنون حکمت خدا از طریق اتحاد این افراد رسماً تقسیم شده، نشان داده می‌شود (افسیسیان ۳: ۱۰). و البته اتحادی که اکنون کلیسا در انواع شکافهای قومی، اقتصادی، تحصیلی و غیره تجربه می‌کند، آن روز را پیش بینی می‌کند که «پس از آن نظر کردم و اینک جماعتی عظیم از هر ملت و طایفه و قوم و زبان پیش روی خود دیدم که هیچکس آنان را نمی‌توانست شماره کند و همه پیش تخت و در پیشگاه بره ایستاده بودند. همگان ردای سفید بر تن داشتند و شاخه نخل به دست. آنان به بانگ بلند ندا در دادند» (مکاشفه ۷: ۹-۱۰).

این از لحاظ عملی به چه معناست؟ همانطور که شما به دنبال کسی برای شاگردسازی هستید، مادران میانسال هم باید با یکدیگر با محبت رفتار نمایند؛ و زوج‌های جوانتر هم باید با هم وقت بگذرانند؛ و مردان مجرد جوان هم با یکدیگر وقت بگذرانند. چنین گروه‌هایی موارد مشترکی دارند که خدا می‌تواند برای رشد اعضای این گروه‌ها از آنها استفاده کند. همچنین در نظر بگیرید که چه چیزهایی می‌توانید از وقت گذراندن با دانشجویان یاد بگیرید؛ یا از کار کردن با نوجوانان و بچه‌ها؛ یا کمک کردن به دانشجویان خارجی که از کشورهای دیگر هستند؛ یا اگر یک شوهر سفید پوست هستید از ملاقات با یک شوهر آفریقایی-آمریکایی مسن‌تر می‌توانید یاد بگیرید.

خدا چقدر باید در مورد خودش از افرادی که با ما فرق دارند به ما تعلیم دهد! و انجیل چطور در اتحاد ما نشان داده می‌شود - نه فقط اتحاد در محبت یکدیگر، بلکه اتحاد در یادگیری از یکدیگر.

## ۷. تعلیم پذیر بودن

امثال بارها و بارها پسر تعلیم پذیر را می‌ستاید و نادان‌هایی که سرزنش، راهنمایی و مشورت را تحقیر می‌کنند، رد می‌کند. علاوه برین، به ما می‌گوید که خدا «فروتان را در طریق عدالت سالک می‌گرداند، و راه خویش را به افتادگان می‌آموزد» (مزمو ۲۵: ۹؛ رجوع کنید به امثال ۱۱: ۲). بنابراین، پطرس دستور می‌دهد: «ای جوانان، شما

فردی را انتخاب کنید

نیز تسلیم مشایخ باشید. همگی در رفتارشان با یکدیگر فروتنی را بر کمر بندید، زیرا، خدا در برابر متکبران می‌ایستد، اما فروتنان را فیض می‌بخشد.» (اول پطرس ۵: ۵)

شما نمی‌خواهید وقت خود را برای تعلیم کسی صرف کنید که فکر می‌کند چیزی برای تعلیم به او ندارد، و او هم چیزی برای یادگیری نیاز ندارد. فرد تعلیم پذیر را تعلیم بدهید. و سعی کنید خودتان نیز تعلیم پذیر باشید.

#### ۸. وفادار بودن به تعلیم دادن دیگران

این سخنان پولس به تیموتائوس را چند بار دیگر ذکر کرده ام: «و آنچه را که در حضور گواهان بسیار از من شنیدی، به مردمان امینی بسپار که از عهده آموزش دیگران نیز برآیند.» (دوم تیموتائوس ۲: ۲).

ما می‌خواهیم همه را شاگردسازی کنیم و خصوصاً می‌خواهیم کسانی را شاگردسازی کنیم که دیگران را شاگردسازی خواهند کرد. اگر لازم باشد تعداد بیشتری را شاگردسازی می‌کنیم، ولی واقعاً دوست داریم شاگردسازی خوشه‌ای (کسانی را شاگردسازی کنیم که دیگران را شاگردسازی خواهند کرد) انجام دهیم. ما فقط نسل بعدی را تعلیم نمی‌دهیم؛ بلکه در تلاش برای تعلیم به همه نسل‌های آینده هستیم!

#### ۹. در دسترس بودن و برنامه زمانی

سرانجام، باور کنید یا نه، کتاب مقدس به زمان و جدول شلوغ برنامه‌های ما حساس است. پولس می‌نویسد: «پس تا فرصت داریم به همه نیکی کنیم، به‌ویژه به اهل بیت ایمان.» (غلاطیان ۶: ۱۰). تعداد آیاتی دیگر از این قبیل را پیدا خواهید کرد که ما را فرا می‌خوانند تا از زمان خود به بهترین نحو ممکن استفاده کنیم (مثلاً افسسیان ۵: ۱۶). این آخرین مورد شخصیتی که درباره‌اش صحبت می‌کنم یک موضوع مربوط به حکمت است. اما به طور کلی توصیه می‌کنم افرادی را پیدا کنید که برنامه زمانی‌شان با شما جور باشد. همچنین باید در نظر بگیرید که در کجا

زندگی یا کار می‌کنید و تعهدات زمانی خود با خانواده، شغل و کلیسای تان را مد نظر داشته باشید. فکر کنید که خدا شما را برای انجام کارهای غیرممکن فرامی‌خواند.

البته خدا با توجه به همه اینها، پیشاپیش کارهای خوبی برای ما فراهم می‌کند که انجام دهیم (افسیان ۲: ۱۰). و مانند داستان سامری نیکو، گاهی اوقات افرادی را در مسیر ما قرار می‌دهد که در حالت عادی ممکن است نخواهیم با آنها وقت بگذرانیم. شاید یکی از اعضای کلیسای شما باشد که اتفاقاً در دفتر شما کار می‌کند، یا بچه‌هایش با بچه‌های شما باهم در تمرین‌های ورزشی شرکت می‌کنند. یا شاید همسر کسی فوت می‌کند، و شخص داغدار سراغ شما می‌آید.

همه اینها را گفتیم که در مورد شخصی که می‌خواهید با او وقت بگذرانید حکیم باشید و تفکر کنید، اما بدانید که گاهی اوقات مشیت الهی همه برنامه‌های شما را رد می‌کند. خدا را ستایش کنید، این مساله ما را به او وابسته نگه می‌دارد!

### عملی کردن برنامه

فرض کنید برنامه زمانی تان فقط به شما اجازه می‌دهد تا با آقای باب یا آقای بیل وقت بگذرانید، اما نه با هر دوی آنها. چگونه دست به انتخاب می‌زنید؟ قطعاً باید در موردش دعا کنید، اما لزوماً پاسخ صحیحی وجود ندارد و اگر نتوانید وقت خود را با هر دوی آنها بگذرانید، نباید احساس گناه کنید. به همین دلیل است که بدن مسیح را داریم.

ممکن است تصمیم بگیرید که با آقای باب وقت بگذرانید، زیرا برنامه کاری او بهتر با برنامه کاری شما مطابقت دارد یا او در همسایگی شما زندگی می‌کند یا همسران شما با یکدیگر دوست هستند. ممکن است تصمیم بگیرید که با آقای بیل وقت بگذرانید، زیرا او تابستان آینده به شهر بوگوتای کلمبیا برمی‌گردد، نشان می‌دهد که میل شدیدی به تعلیم دیگران دارد، و می‌خواهد او را برای تجهیز دیگران در بوگوتا مجهز کنید. هر چیزی که منطقی باشد، دعا کنید، حکمت بطلید، و سپس انجامش دهید.

فردی را انتخاب کنید

در همهٔ این موارد، چه بصورت آگاهانه فردی را شاگردسازی می‌کنید چه چهار تن را، مطمئن شوید که از نظر روحانی **در حال رشد هستید** و سپس به **اطرافیان خود کمک کنید تا رشد کنند**. هر دوی اینها مهم هستند و به یکدیگر کمک می‌کند.





## اهداف روشن و واضحی داشته باشید

وقتی شخصی را برای شاگردسازی انتخاب کردید، اهداف مشخصی برای آن رابطه داشته باشید. البته هدف بزرگتر برای کمک به او در پیروی از مسیح می‌باشد. اما مشخصاً چطور می‌خواهید این کار را انجام دهید؟ شاگردسازی شخصی مثل آقای باب که اهل حقیقت است با شاگردسازی شخصی مثل آقای بیل که اهل رابطه است، متفاوت می‌باشد (دو شخصیت از فصل گذشته).

این را گفتم، اما اجازه دهید شما را تشویق کنم که همیشه به آنچه که مردم درک می‌کنند و نحوه زندگی آنها فکر کنید.

### به مردم کمک کنید بیشتر درک کنند: زندگی ← حقیقت ← زندگی

برای شروع باید بگویم که شاگردسازی شما باید به مردم کمک کند بیشتر درک نمایند. ما می‌خواهیم مردم در دانش و معرفت خدا در مسیح رشد کنند و ایمان از شنیدن کلام مسیح حاصل می‌شود. پولس برای همین به تیموتائوس می‌گوید که بدقت مراقب زندگی خودش و امر تعلیم باشد. پولس می‌گوید که تیموتائوس با پافشاری در این مورد، هم خودش و هم شنوندگانش را نجات خواهد داد (اول تیموتائوس ۴: ۱۶).

از طریق شاگردسازی می‌خواهید مردم بدانند که چرا مسیحیان دعا می‌کنند، چرا انجیل را بشارت می‌دهیم، چرا به یک کلیسا می‌پیوندیم، چرا آگاهی از حاکمیت خدا بر نحوه زندگی ما تأثیر می‌گذارد و چراهای بیشتر. شاگردسازی صرفاً در مورد پاسخگویی و اصلاح رفتار نیست. عیسی به ما می‌گوید که بوسیلهٔ تعلیم به اطاعت

کردن مردم را شاگرد سازی، اما آنها نمی توانند چیزی که تعلیم نگرفته اند را اطاعت کنند. پس ابتدا باید تعلیم بدهیم.

کلام خدا باید مرکز هر رابطه شاگرد سازی باشد. بنابراین، شاگرد سازی ممکن است شامل تشریح کتابی از کتاب مقدس برای شخصی باشد یا مطالعه کلام خدا به روش دیگری باشد. به تعبیر پولس، ما باید به یکدیگر کمک کنیم که «کلام حیات را محکم نگه داریم». «چه عبارت عالی! مردم را تشویق کنید که بوسیله خواندن، درک و اطاعت از کلام حیات محکم آن را نگه دارند. ممکن است از کتاب های خوب مسیحی در یک رابطه شاگرد سازی استفاده کنید، با این حال بهترین کتاب ها، آتیهایی هستند که مردم را به سمت کتاب مقدس می برند. ما می خواهیم مبانی ایمان و زندگی مسیحی به وضوح درک شوند.

آیا تا بحال اسم طرح **زندگی ← حقیقت ← زندگی** به گوش تان خورده بود؟ **زندگی** شما باید مردم را جلب کند که حرف شما را بشنوند؛ سپس **تعلیم** شما باید در جهت تحول و دگرگونی آنها کار کند؛ سپس **زندگی** متحول شده آنها باید آنچه که شما تعلیم داده اید را به نمایش بگذارد، که به نوبه خود مردم را جلب می کند که حرف آنها را بشنوند.

### به مردم کمک کنید بهتر زندگی کنند

ما نه تنها می خواهیم به مردم کمک کنیم تا بهتر درک کنند، بلکه می خواهیم به آنها کمک کنیم تا **بهتر زندگی کنند**. پیروی از مسیح هر دو را شامل می شود. پولس بارها و بارها خوانندگان نامه های خود را فراخواند تا از او تقلید کنند، چنانکه او از مسیح تقلید می کرد (اول قرن تیان ۴: ۱۵-۱۷؛ ۱۱: ۱؛ فیلیپیان ۳: ۱۷؛ ۴: ۹؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۷-۹؛ دوم تیموتائوس ۳: ۱۰-۱۱). و البته او در این مورد از عیسی تقلید می کند. عیسی شاگردان خود را فرا می خواند که چنانکه او محبت می نمود، محبت کنند (یوحنا ۱۳: ۳۵؛ ۱۵: ۸-۱۷)!

شناخت خدا نحوه زندگی ما را تغییر می دهد (نگاه کنید به غلاطیان ۴: ۹). ما به عنوان بیگانگان و غریبه ها در دنیایی متضاد زندگی می کنیم، همیشه تحت فشار هستیم

اهداف روشن و واضحی داشته باشید

که همشکل آن شویم. اما کتاب مقدس ما را به مقاومت در برابر این فشار فرا می خواند. ما باید «تا بی پیرایه و بی آرایش، و فرزندان بی عیب خدا باشیم، در بین نسلی کج رو و منحرف که در میانشان همچون ستارگان در این جهان می درخشید» (فیلیپیان ۲: ۱۵). به همین دلیل است که مسیحیان همیشه به نمونه و الگوهای بهتری از ایماندار بودن نیاز دارند: «ای برادران، با هم از من سرمشق بگیرید، و توجه خود را به کسانی معطوف کنید که مطابق الگویی که در ما سراغ دارید، رفتار می کنند.» (فیلیپیان ۳: ۱۷)

پس چگونه می توانید بر زندگی دیگران تأثیر بگذارید؟ بوسیله گذراندن وقت با آنها. خانم الیزابت از خانم کیت دعوت می کند تا به خانه او رفته و هنگام آشپزی با هم صحبت کنند. مایکل از استیون دعوت کرده برای شام به خانه آنها برود، و پرستش خانوادگی آنها را ببیند. قسمت اعظم شاگردسازی این است که کارهای معمولی خود را انجام بدهید ولی کسی در کنارتان باشد و گفتگوی معنی داری داشته باشید، مثل همان کاری که عیسی می کرد. و هنگامی که آنها را به زندگی خود دعوت می کنید، شفاف باشید. ظاهرسازی سبب می شود به هدف نرسید. دیگران را دعوت کنید از اشتباهات شما درس گیرند.

حقیقت این است که من و همسرم بعضی اوقات بحث می کنیم. اما آیا می توانیم این کار را به خوبی انجام دهیم؟ آیا می توانیم این کشمکش ها را با دیگران به اشتراک بگذاریم بدون اینکه یکدیگر را تحقیر نکنیم؟

گوش کنید که پولس چطور تیموتائوس را در همه چیز درگیر می کند: «ولی تو تعلیم و رفتار و هدف و ایمان و صبر و محبت و تحمل مرا و آزارهایی را که دیدم و رنجهایی را که کشیدم، نظاره گر بوده ای و از آنچه در انطاکیه، قونیه و لسره بر سرم آمد و آزارهایی که به من رسید، نیک آگاهی. اما خداوند مرا از آن همه رهایی» (دوم تیموتائوس ۳: ۱۰-۱۱). ظاهراً تیموتائوس همه چیز را دیده بود. و چه تعلیم غنی و پربراری در پیروی از مسیح بایستی بوده باشد!

شما می خواهید افرادی که شاگردسازی می کنید در دعا ترقی کنند، در بشارت پیشرفت کنند، به عضویت در کلیسا ادامه دهند، اعضایی که به آنها توهین می کنند را

تحمل نمایند. اغلب، این موعظه هفته قبل خواهد بود که به شما امکان می دهد چنین نتایج و پیامدهای را در زندگی یکدیگر تدبیر کنید. گروه های کوچک نیز می توانند همین کار را انجام دهند.

### سوال پیرسید

مهم نیست چه کسی را شاگرد سازی می کنید، شما می خواهید به آنها کمک کنید که بهتر عیسی را پیروی کنند و این کار بوسیله رشد در دانش و معرفت خدا و یادگیری عملی کردن این دانش - یعنی درک بهتر و زندگی بهتر - حاصل می شود.

فراتر از آن، البته به خود شخص بستگی دارد: اینکه علایق، پیشینه، تمایلات، الگوهای گناه، آسیب ها، ترس ها و امیدهای او چه هستند. و چیزهایی که در مورد آنها صحبت می کنید، یا می خوانید یا انجام می دهد، همگی به آن شخص بستگی دارد. بنابراین یکی از اولین کارهایی که باید در یک رابطه شاگرد سازی انجام دهید این است که با پرسیدن سوالات فراوان، آن شخص را بشناسید. سوالاتی از این قبیل: چگونه مسیحی شدید؟ اهل کجا هستید؟ آیا والدین تان مسیحی بودند؟ پدر بزرگ و مادر بزرگ تان چگونه؟ چرا این شغل را انتخاب کردید؟ و غیره. با گذشت زمان، سطح اعتماد و شفافیت باید رشد کند و باید بیشتر و بیشتر بتوانید در مورد مسائل عمیق تر و شخصی تر و اینکه انجیل درباره آنها چه می گوید، صحبت کنید.

«چگونگی» شاگرد سازی واقعاً چندان پیچیده نیست. زندگی با دیگران است بسوی مسیح. با دیگران دوست می شویم و در کنار آنها بطرف مسیح قدم می زنیم. ما می خواهیم خدا و راه های او را بفهمیم و زندگی کنیم همانطور که کتاب مقدس ما را فرا می خواند. ما می خواهیم در فهم و درک خود دقیق و در زندگی خود مقدس باشیم. ما می خواهیم حقیقت را بشناسیم و خوب زندگی کنیم. همه اینها برای جلال خدا که به شهادت او ساخته شده ایم!

## بها را بپردازید

چگونه شاگردسازی می‌کنید؟ شخصی را پیدا کنید. اهداف را تعیین کنید. و سرانجام، شاگردسازی را انجام دهید. و برای انجام این کار، باید بهایی بپردازید. بها عبارت است از زمان، مطالعه، دعا و محبت.

### ۱. شاگردسازی زمان می‌برد

وقتی می‌گویم «شاگردسازی»، باید روشن کنم که همه روابط شاگردسازی یکسان نیستند. روابط شاگردسازی من یکسان نیستند. این روابط با شرایط زندگی من و زندگی آن شخص دیگر مطابقت دارند. و این روابط به مرور زمان تغییر می‌کنند. من ممکن است برای مدتی یک تن را تقریباً هر روز ببینم، سپس هفته‌ای یکبار و سپس ماهی یکبار ببینم. همچنین، این روابط می‌توانند رسمی یا کمی غیر رسمی باشند. حتی این که هر رابطه معینی را «رابطه شاگردسازی» بنامید، مهم نیست. اما همه این روابط در یک چیز مشترک هستند، همه آنها زمان می‌برند!

این هزینه زمانی است که ما را ملزم می‌کند در مورد شاگردسازی شخصی حساب شده عمل نماییم. و زمان تعداد روابط شاگردسازی که می‌توانیم داشته باشیم را محدود می‌کند. بله، شما می‌توانید افراد زیادی را بوسیله یک موعظه یا مقاله شاگردسازی کنید، اما در اینجا در مورد شاگردسازی‌های یک به یک یا گروه‌های کوچک شاگردسازی صحبت می‌کنیم. و اینها باید حساب شده و عمدی باشند.

حتی اگر برنامه‌های زمانی شما با هم مطابقت داشته باشد، رابطه شاگردسازی زمان می‌برد. راحتی این مساله باعث نمی‌شود که هزینه نداشته باشد. هر زمان که روابطی در زندگی مان شکل می‌دهیم، به یکدیگر زمان هدیه می‌دهیم. می‌توانید این بها را به روش‌های ساده پرداخت کنید، مثلاً بعد از مراسم کلیسا یا در حین انجام کاری با

یکدیگر صحبت کنید. می‌توانید آن را به روش‌های پیچیده پردازید، مثلاً برنامه‌های شام هفتگی داشته باشید. ما می‌توانیم به روش‌های مختلفی با یکدیگر وقت بگذرانیم: در کافی‌شاپ، کتابخانه، یک تعمیرگاه اتومبیل یا در حین کار در حیاط خانه.

ممکن است متوجه شوید بعضی افراد آنقدر حاضر هستند با شما وقت بگذرانند که وارد زندگی شما خواهند شد یا به شما و خانواده‌تان خدمت خواهند کرد. شما با داشتن شفافیت و صداقت در روابط کمک می‌کنید زمانی که صرف می‌شود ارزشمند باشد. همانطور که قبلاً پیشنهاد کردم، نمونه‌های ما از تحمل سختی‌ها اغلب از داستان‌های موفقیت و پیروزی‌های ما قدرتمندتر هستند. سختی‌ها نشان می‌دهند که در دل خود واقعاً به چه اعتماد می‌کنیم و امید داریم. گذر زمان در یک دنیای سقوط کرده با خود سختی و آزمایش به همراه می‌آورد. سختی‌ها زمان کلیدی در روابط شاگردسازی هستند، چه آن سختی و آزمایش در زندگی شاگرد باشد، چه در زندگی کسی که شاگردسازی می‌کند.

و مراقب باشید: اگر منتظر هستید که این روابط را زمانی برقرار کنید که به آنها احتیاج دارید، ممکن است خیلی دیر شده باشد.

## ۲. شاگردسازی مستلزم مطالعه است

اگر ایمان از شنیدن کلام خدا حاصل می‌شود، می‌خواهیم ایمان را با کلام تغذیه کنیم. موعظه‌های تشریحی که در کلیسا می‌شنوید (امیدوارم اینطور باشد)، مبنای خوبی برای مکالمات هفته بعد فراهم می‌کند. کتاب‌های دیگر نیز می‌توانند مفید واقع شوند و کمک کنند، چنانکه شما را به عمق یک موضوع هدایت کنند.

ما چیزهایی که دوست داریم را مطالعه می‌کنیم. دوست من «سباستین»، وقتی هفت ساله بود، از مادرش می‌خواست که اطلاعات او را بوسیله کارت‌های بیسبالی که داشت، آزمایش کند. معلوم بود که بیسبال را دوست داشت. آیا کسانی که عیسی را دوست دارند و می‌خواهند از او پیروی کنند، باید غیرت کمتری نشان دهند؟ شاگردی و شاگردسازی مسیحی شامل دوست داشتن خدا با ذهن ماست. باید مشتاق

بها را پردازید

شناخت او باشیم و به دیگران کمک کنیم او را همانطور که در کلام خودش را آشکار کرده است، بشناسند.

در روابط شاگردسازی خود، از کتاب مقدس استفاده کنید. برای کلام وقت صرف کنید.

### ۳. شاگردسازی مستلزم دعاست

پولس به ما می گوید که «پیوسته دعا کنید» (اول تسالونیکیان ۵: ۱۷). برای کسانی که شاگردسازی می کنید، دعا کنید و به آنها تعلیم دهید که دعا کنند. تغییراتی که نیاز داریم، تغییرات فوق طبیعی است، حتی اگر خدا از راه های انسانی مانند دعا استفاده کند.

در شاگردسازی تان، سؤالاتی پرسید که به افراد کمک می کند تا از طریق آنچه که دعا می کنند، تفکر کنند. آیا آنها می دانند چگونه قسمتی از کتاب مقدس را مطالعه کنند و از آن دعا کنند؟ آیا برای دعای شخصی وقت صرف می کنند؟ برای چه چیزهایی دعا می کنند؟ برای چه کسانی دعا می کنند؟ آیا در مورد دوستی ها دعا می کنند؟ درباره خدمت؟ درباره پول؟ درباره دوستانی که دوست دارند تبدیل شوند؟ در مورد پاکی و تقدس خودشان دعا می کنند؟

کتاب های خوبی را بخوانید که نشان می دهد چگونه دعای کتاب مقدسی داشته باشید، مانند کتاب **دعا بهمراه پولس** Praying with Paul، نوشته دی آ کارسن D. Carson و **کتاب مقدس را دعا کردن** Praying the Bible، نوشته آقای دانولد وینتی Donald Whitney و کتاب دعا کنید.

### ۴. شاگردسازی مستلزم محبت است

عیسی دستور می دهد: «حکمی تازه به شما می دهم، و آن این که یکدیگر را محبت کنید. همان گونه که من شما را محبت کردم، شما نیز باید یکدیگر را محبت نمایید» (یوحنا ۱۳: ۳۴). او همچنین کل شریعت را در دو حکم خدا را دوست داشتن

و همسایه خود را مانند خود دوست داشتن، خلاصه می‌کند (مرقس ۱۲: ۲۸-۳۱). امیدوارم ببینید که در یک رابطه شاگردسازی، محبت چقدر اهمیت دارد.

محبت یک رابطه شاگردسازی را آغاز می‌کند. چرا با چیز دیگری شروع کنیم؟ این محبت است که ما را مقید می‌سازد خودمان را انکار کرده و به دیگران خدمت کنیم. این محبت است که باعث می‌شود خطر رد شدن را بپذیریم، که همواره هنگامی که یک رابطه را شروع می‌کنیم یک تهدید محسوب می‌شود. همیشه محبت به خدا و دیگران است که باعث می‌شود از مشکلات چشم پوشی کنیم و بها را بپردازیم، زیرا می‌خواهیم شاهد رشد کسی باشیم.

محبت در یک رابطه شاگردسازی ماندگار است. چرا چالش‌هایی که پیش می‌آید را بخاطر چیزی غیر از محبت، تحمل کنیم! «من برای او یک چیز بدیهی هستم.» او نمی‌بیند که این حرف‌ها آزار می‌دهد. «من خیلی سرم شلوغ است.»

روابط شاگردسازی می‌توانند بسیار عالی باشند، اما حتی روابط عالی هم نیاز به محبت دارند تا پایدار بمانند، بعنوان مثال در ازدواج. البته این ما را ملزم به یادآوری این موضوع می‌کند که چقدر توسط خدا بصورت تمام و کمال محبت شده‌ایم. و آن محبت تاثیر می‌گذارد، و مدام باعث تغییر می‌شود.

محبت با فروتنی انتقادهای را دریافت می‌کند که غالباً در یک رابطه شاگردسازی پیش می‌آید. محبت و غرور با هم خوب کار نمی‌کنند. اگر بجای اینکه نگران این باشم که شاگردم چگونه پیش می‌رود، نگران این باشم که او در مورد من چه فکری می‌کند، برای من سخت خواهد بود آنطور که باید او را محبت نمایم و شاگردسازی کنم. نخواهم توانست صحبت کنم و در وقتش سخنان اصلاح‌آمیز را دریافت کنم. برای این کار، محبت من به خدا و دوستم باید از ارزشی که برای اعتبار خودم قائل هستم، بیشتر باشد. «زخمی هم که از دوست رسد وفادار است، اما به صد بوسه دشمن هم نتوان اعتماد کرد.» (امثال ۲۷: ۶)

محبت با فروتنی در یک رابطه شاگردسازی از خود مایه می‌گذارد. شاید وسوسه شدید فکر کنید که شخص خیلی بزرگ، خیلی مهم، خیلی گرفتار هستید که بخواهید فلان شخص را محبت کنید. مطمئناً جایی هست که باید برنامه زمانی تان را در نظر

بها را پردازید

بگیرید. اما محبت شما را قادر می‌سازد آنطور که باید برای فلان شخص ارزش قائل شوید، و از خودتان برای او مایه بگذارید. این رابطه‌ها سرمایه‌ای است که برای خیریت کسانی که دوست داریم، خرج می‌کنیم.

محبت به ما امکان می‌دهد روابط شاگردسازی را پایان دهیم. ما خدا نیستیم. نمی‌توانیم همه نیازهای افراد را برآورده سازیم. ممکن است همیشه در دسترس نباشیم. مردم محل سکونت‌شان را تغییر می‌دهند. فرزند دیگری متولد می‌شود. شغل‌تان را عوض می‌کنید. شرایط تغییر می‌کند. شاید افراد به چیزی نیاز دارند که شما مجهز نیستید به آنها بدهید. ما به محبتی نیاز داریم که به اندازه کافی ما را فروتن کند تا تشخیص بدهیم کسی که آنها نیاز دارند، ما نیستیم، بلکه خداست. و خدا می‌تواند مدتی از ما استفاده کند و سپس از شخص دیگری استفاده کند.

### نتیجه

هریک از ما فراخوانده شده‌ایم که محبت کنیم و محبت ببینیم. هرچه خداوند به شما عطا می‌کند به منظور این است که شما هم به نوعی و به طریقی به دیگران ببخشید. هر زمان، حقیقت، دعا یا محبتی که او به شما می‌بخشد می‌تواند برای دیگران استفاده شود.

ریچارد سببز Richard Sibbes اینطور در کتاب «پرداخت بها Pay the Cost» نوشته است: «باید روزی به خداوند پاسخ بدهیم، نه فقط برای موعظه‌هایی که شنیده‌ایم، بلکه برای نمونه و الگوی کسانی که در میان آنها زندگی کرده‌ایم.»<sup>۹</sup> آیا ممکن است آن سخنانی باشد که امروز در کلیسای انجیلی مان بطور عمده بیان کردیم؟ سخنان خوب و صادق و مورد نیاز، و در عین حال سخنانی که به خودی خود، کامل نیستند اگر زندگی نباشد که معنای آنها را تشریح نماید و نشان دهد.

---

۹. Richard Sibbes, "The Bride's Longing," in Works of Richard Sibbes, vol. 6, ed. Alexander B. Grosart (Carlisle, PA: Banner of Truth, 1983 ed.)

در هر کلیسایی که در آن شرکت کنید، بی‌نهایت فرصت شاگردسازی وجود دارد! حتی فرصت دارید در زندگی افرادی که مدت کوتاهی در کلیسای شما شرکت می‌کنند، تأثیر بگذارید، بطوری که وقتی از آنجا می‌روند، می‌توانند خدمت شما را به کلیسای دیگری گسترش دهند. مطمئناً شاگردسازی چالش‌ها و هزینه‌های خود را دارد. با این حال خدا در همه اینها جلال می‌یابد!

## تربیت رهبران آینده

عهد جدید عموماً پر از دستور العمل‌های مربوط به شاگردسازی ایمانداران است. اما هر از چند گاهی مخصوصاً بر تربیت رهبران کلیساها تمرکز می‌کند. بعنوان مثال، پولس به تیطس می‌گوید: «تو را از آن رو در کُرت بر جا گذاشتم تا کارهای ناتمام را سامان دهی و همان‌گونه که تو را امر کردم، در هر شهر مشایخی برگماری.» (تیطس ۱: ۵). سپس توضیح می‌دهد که این مشایخ چگونه باید باشند. به همین صورت به تیموتائوس می‌گوید: «و آنچه را که در حضور گواهان بسیار از من شنیدی، به مردمان امینی بسپار که از عهده آموزش دیگران نیز برآیند» (دوم تیموتائوس ۲: ۲).

به همین ترتیب، من می‌خواهم این کتاب را با ارائه مشاوره در مورد نحوه عملکرد خودم برای یافتن، تشویق و مطرح کردن رهبران دیگر در کلیسای خودم - چه در کلیسای خودم خدمت کنند و چه در کلیساهای دیگر - به پایان برسانم. بسیاری از موضوعاتی که در زیر بیان می‌شود، بطور گسترده‌تری در شاگردسازی مورد استفاده قرار می‌گیرند. از این گذشته، معیارهای ذکر شده در تیطس ۱ و اول تیموتائوس ۳ برای یک شیخ باید در هر مسیحی وجود داشته باشد، به استثنای نوایمانان و کسانی که قادر به تعلیم نیستند. به عبارت دیگر، اهداف شاگردسازی یک ایماندار و کسی که بعداً رهبر کلیسا خواهد شد، عمدتاً مشابه است. ما به دنبال بلوغ در مسیح هستیم. بنابراین امیدوارم و اعتماد دارم که مطالب زیر برای هر خواننده‌ای مفید خواهد بود.

با این حال، می‌خواهم این وظیفه را مخصوصاً بر دوش مشایخ بگذارم که در مورد چگونگی تربیت رهبران آینده تفکر کنند. این یکی از وظایف خاص شماس است. ساموئل میلر Samuel Miller زمانی گفت:

هر کجا مستقر هستید، همیشه تلاش کنید بر زندگی مردان جوان تأثیر بگذارید و آن تأثیر را حفظ کنید. آنها امید کلیسا و کشور هستند؛ و کسی که سبب شود فکر و

ذهن آنها به حکمت، تقوی و پاکی متمایل شود، یکی از بزرگترین نیکوکاری به نوع بشر است. بنابراین، آنها شایسته توجه ویژه و خستگی ناپذیر شما هستند ... به طور خلاصه، از هر روش مسیحی برای پیوستن آنها به خودتان و خدمت تان و تشویق آنها به ابراز علاقه به امور کلیسا استفاده کنید.<sup>۱۰</sup>

حال نه قدم برای تربیت کردن رهبران کلیسا.

### ۱. هدایت به سوی صلاحیت‌های کتاب مقدسی

با صلاحیت‌هایی که پولس به تیموتائوس و تیتس توضیح می‌دهد، شروع می‌کنیم:

«این سخن درخور اعتماد است که اگر کسی در آرزوی کار نظارت. بر کلیسا باشد، در پی کاری نیکوست. از این رو، ناظر کلیسا باید به دور از ملامت، شوهر وفادار یک زن، معتدل، خویشتندار، آبرومند، میهمان‌نواز و قادر به تعلیم باشد؛ نه میگسار، یا خشن، بلکه ملایم؛ و نه ستیزه‌جو، یا پولدوست. نیز باید از عهده اداره خانواده خویش نیک برآید و فرزندانش را در کمال وقار مطیع بار آورد. زیرا اگر کسی نداند چگونه خانواده خویش را اداره کند، چگونه می‌تواند کلیسای خدا را مراقبت نماید؟ و نوایمان نیز نباشد، مبدا مغرور گردد و به محکومیت ابلیس دچار شود. و باید در میان مردمان بیرون نیز نیکنام باشد تا به رسوایی و دام ابلیس گرفتار نیاید» (اول تیموتائوس ۳: ۱-۷؛ همچنین تیتس ۱: ۶-۹).

هیچ چیز خارق العاده‌ای در مورد این فضایل وجود ندارد. اما همانطور که دی. آ. کارسون زمانی گفته: آن کاری که یک مسیحی معمولی باید انجام دهد را یک شیخ فوق العاده عالی انجام می‌دهد. او الگویی برای همه جماعت کلیساست. او برای همه آنها تصویری از بلوغ است.

۱۰. Samuel Miller, *Letters on Clerical Manners and Habits: To a Student in the Theological Seminary at Princeton, N.J.*, Applewood's American Philosophy and Religion Series (Bedford, MA: Applewood Books, 1827), 406-7.

من گاه به گاه از جوانان خواهم پرسید که آیا فکر کرده‌اند بعنوان یک شیخ خدمت کنند، و این کار را در اوایل دوره شاگردسازی شان انجام خواهم داد، با آگاهی از اینکه ممکن است سال‌ها مانده است که صلاحیت داشته و آماده باشند. من اینطوری می‌پرسم که آیا خدمت و بنای کلیسا یکی از آرزوهای آنهاست و اگر چنین نیست، چرا؟ به عبارت دیگر، یکی از ابزارهای خوب شاگردسازی برای **هو** مسیحی این لیست است (به استثنای توانایی تعلیم).

این را گفتم، ولی اعتقاد ندارم منظور پولس این بوده که لیست جامع و کاملی از خصوصیات که یک شیخ باید داشته باشد، فراهم نماید. مثلاً، او هرگز نمی‌گوید «وفادارانه کتاب مقدس را بخواند» یا «مرد دعا باشد»، هر چند که شیخ باید هر دوی این خصوصیات را داشته باشد. بطور کلی وقتی صحبت تربیت کردن رهبران، و مردانی است که کلیسا مخصوصاً از نظر مالی آنها را حمایت می‌کند، فکر می‌کنم باید به دنبال عطیه طبیعی رهبری در آنها نیز بگردیم. من می‌خواهم سبب پیشرفت و تجهیز مردانی شوم که به نظر می‌رسد می‌توانند به گسترش مسیحیت در جایی کمک نمایند که من هرگز نخواهم رفت: آینده، بعد از درگذشت من.

آیا این حرف بدان معنی است که من از یعقوب ۲: ۱ تخطی می‌کنم و تبعیض قائل می‌شوم؟ فکر نمی‌کنم. یعقوب نگران تبعیض غلط به نفع ثروتمندان است. اما چنین قضاوت و تبعیض غلطی، باعث نمی‌شود که همه تفاوت‌ها و تمایزات غلط باشند. به یاد داشته باشید، پولس به تیموتائوس می‌گوید که به دنبال «مردان وفاداری» بگردد که بتوانند «به دیگران تعلیم دهند»، و همچنین مردانی که «آرزوی نظارت بر کلیسا را دارند». یک مرد می‌تواند به دلایل اشتباهی آرزو کند، اما مردی که به هیچ وجه آرزو نکند، صلاحیت ندارد.

در نهایت، شما می‌خواهید مردان را به سوی صلاحیت کتاب مقدسی هدایت کنید. این نقطه شروع است. و هرچه یک مرد بیشتر عطایای طبیعی خود را به نمایش بگذارد، که با پیروی دیگران از او نشان داده می‌شود، بیشتر می‌خواهید فرصت به او بدهید که رهبری کردن را تمرین کند.

## ۲. روشی برای «کشف رهبران آینده» انتخاب کنید

اگر می‌خواهید رهبران آینده را تربیت کنید، باید دائماً در جستجوی رهبران بیشتری باشید. روش شما باید اینگونه باشد، مخصوصاً اگر شیخ کلیسا هستید. فیلیپ جنسون Phillip Jenson، از کلیسای اسقفی سیدنی به «یارانی که ارزش تماشا دارند» اشاره می‌کند. آیا می‌توانید چنین یارانی در اطراف خودتان را نام ببرید؟

شبانان باید در مورد تربیت کردن رهبران بیشتر، بشدت فرصت طلب باشند. و کل کلیسا باید اعتماد عمیقی به این داشته باشد که خداوند می‌خواهد رهبران جدیدی تربیت شوند.

من از چند روش خاص استفاده می‌کنم. با جماعت وقت می‌گذرانم و با آنها معاشرت می‌نمایم. بعد از پایان مراسم روز یکشنبه، جلوی در می‌ایستم و گوش می‌دهم مردم چه می‌گویند و چه کسانی با یکدیگر تعامل دارند. وقتی معلمان با استعداد در کلیسای مان خودشان را نشان می‌دهند، سعی می‌کنم فرصت‌های زیادی برای آنها فراهم کنم که در طول هفته در کلیسای مان تعلیم بدهند. وقتی از روی لیست اعضای کلیسا برای آنها دعا می‌کنم نیز باعث می‌شود به آنها فکر کنم.

## ۳. وقت شخصی بگذرانید

گذراندن وقت با مردم بخش مهمی از تربیت رهبران آینده است. پیش‌تر در این کتاب عنوان کردم که عیسی شاگردان را دعوت می‌کند تا در کوه به او ببینوندند تا «با او باشند».

متأسفانه، می‌بینم که شبانان دور خودشان دیوار می‌کشند. اینها مردانی نیستند که حداقل بطور مستقیم رهبران بیشتری را برای آینده تربیت می‌کنند. نمی‌گویم که باید یک شخص برون‌گرا باشید، اما یک شبان باید راهی پیدا کند که با کسانی که پتانسیل رهبری دارند، وقت بگذرانند. عبرانیان ۱۳ کلیسا را تشویق می‌کند تا از نمونه مشایخ پیروی کنند. اگر رهبران خود را از نزدیک نشناسند، چگونه می‌توانند این کار را انجام دهند؟ فراخوان پولس برای تقلید نیز مستلزم گذراندن وقت است.

بنابراین یک شبان باید راه‌های گذراندن وقت با مردان جوان را پیدا کند. ناهار خوردن با یکدیگر می‌تواند بسیار مهم باشد. در چنین مواقعی که همسرم از من می‌خواهد به فروشگاه برای تهیه مواد خوراکی بروم، معمولاً از ترس این که اشتباه خرید نکنم، خیس عرق می‌شوم (مشکل من هستم نه همسرم)، برای همین اغلب با یکی از برادران می‌روم. اینطوری، عمداً می‌توانیم با هم وقت بگذرانیم، و او هم در خرید اشتباه من سهیم شود. موقع آماده کردن موعظه هم با کسانی وقت می‌گذرانم، مثلاً ناهار دعوتشان می‌کنم که در مورد موضوع با هم تبادل نظر کنیم، یا شنبه شب آن قسمت کلام را بخوانیم. نه تنها این برخوردها سبب بهتر شدن موعظه می‌شود، بلکه خود من هم می‌توانم نظرات افراد مختلفی را بشنوم و آنها را تشویق کنم.

تمام این مثال‌ها حول من، کار من و برنامه زمانی من طراحی شده است. ببینید چه برنامه زمانی برای شما بهتر کار می‌کند، و شاگردان را در آن زمان‌ها جا بدهید.

#### ۴. اعتماد را گسترش دهید

اگر می‌خواهید ببینید که رهبران آینده کشف و تربیت می‌شوند، حالت عمومی شما باید طوری باشد که نشان دهید مایل به گسترش اعتمادتان به آنها هستید. با توجه به اینکه جاهای مختلفی زندگی کرده و سفر نموده‌ام، می‌دانم که چنین وضعیتی از جایی به جای دیگر متفاوت است. اما فکر می‌کنم این به محبت بستگی دارد: محبت همه را باور می‌کند؛ به همه چیز امیدوار است (اول قرنتیان ۱۳: ۷). احتمالاً شما اعضای کلیسای خودتان را دارید که خداوند به آنها عطایای بزرگی بخشیده است. اما برای اینکه این مساله کشف شود، کسی باید اعتماد به آنها را گسترش دهد، مثل اعتبار بانکی. و رهبران خوب این کار را می‌کنند. آنها منتظر نمی‌مانند که افراد عطیه و استعدادشان را اثبات کنند و سپس به آنها فرصت تعلیم بدهند. نه، آنها ذره‌ای از چیزی را می‌بینند که با کمی تشویق می‌تواند رشد کرده و شکوفا شود. بنابراین آنها اعتبار بیشتری به شاگردان جوان داده و اجازه می‌دهند که آن را خرج کنند!

بسیاری از رهبران، با بهترین انگیزه‌ها، در این مورد بسیار محافظه کار هستند. بیش از یک بار دیده‌ام که شبانان ارشد قادر نبوده‌اند رهبری شخص دیگری را تأیید کنند.

یا شاهد بوده‌ام که مردانی رهبر شده‌اند و سپس کاری کرده‌اند که دیگران بعد از آنها رهبر نشوند، یا بدنبال رهبران آینده نباشند! باید بگویم، مرتکب اشتباه خواهید شد. همیشه موفق نخواهید شد. من نبوده‌ام. ولی قطعاً در امر رهبری دست به ریسک می‌زنم. ارزشش را دارد. مسیح کلیسایش را بنا خواهد کرد. خدا حاکم است. پس باید از هر فرصتی استفاده نموده و مقداری ریسک کنیم.

خود جماعت کلیسا هم باید در مورد رهبری مردان جوان صبور باشد، زیرا مردان جوان اشتباه می‌کنند. من اغلب به کلیساها می‌گویم که از منصوب کردن یک شیربچه نترسید. ممکن است دیوارها را خراش بدهد یا به اسباب و اثاثیه آسیب برساند، ولی اگر نسبت به او صبور باشید، تبدیل به شیری می‌شود که تا آخر عمر شما را محبت خواهد نمود.

## ۵. مسئولیت واگذار کنید

این قدم به قدم قبلی گره خورده است. چگونه اعتماد خود را گسترش می‌دهید؟ با واگذاری مسئولیت و فرصت. چندین مؤلفه برای این کار وجود دارد:

به مردم فرصت خدمت رهبری دهید. بی سر و صدا لیستی از مردان جماعت کلیسایی تان داشته باشید که فکر می‌کنید ممکن است معلمان خوبی باشند، یا می‌توانند در حضور مردم دعا کنند، یا جلسات پرستشی را رهبری کنند، یا معلم کانون شادی باشند. آنها را با واگذاری مسئولیت آزمایش کنید. دوباره می‌گویم، من تشخیص می‌دهم که برخی شبانان نسبت به جماعت خود بسیار محافظه کار هستند، می‌گویند: «ولی آقای مارک، روح القدس **من** را ناظر کلیسا قرار داده است» (اعمال ۲۰: ۲۸). من پاسخ می‌دهم: دوست من، زمانی که از دنیا بروی، برای کلیسا مشکلی پیش نمی‌آید! و برای اینکه وضعیت کلیسا در آن زمان بهتر شود، باید از حالا رهبران آینده را با واگذار نمودن مسئولیت به آنها، آماده نمایی. هدف شما این نیست که ملکوت خودتان را بنا کنید؛ دیگران را توانمند سازید بوسیله فرصت دادن به آنها برای رهبری و تعلیم.

در تصمیم‌گیری‌ها و مباحثات کوتاه بیايید. سپردن قدرت و اختیارات به معنای صرف نظر کردن از مقداری کنترل است، و اگر حاضرید این کار را انجام بدهید، باید حاضر باشید کوتاه بیايید و همیشه حرف، حرف شما نباشد. همه چیز نباید بر وفق مراد شما باشد. اگر به دیگران اجازه ندهید که به روشی مخالف نظر شما رهبری کنند، **واقعاً نمی‌گذارید که رهبری کنند!** بنابراین، بله، شما ممکن است در مورد فلان موضوع یا به همان موضوع برنده نشوید، ولی منفعت تشویق رهبران دیگر به رهبری، سرمایه‌گذاری دراز مدت بهتری است (بعلاوه برکت یافتن کلیسا بوسیله عطیه حکمت آنها).

احترام به سایر رهبران را پرورش دهید. چند سال پیش، من و دستیار شبان‌مان قبل از شروع جلسه مطالعه کتاب مقدس، روی صحن جلوی کلیسا ایستاده بودیم. قرار بود او جلسه را رهبری کند. در میان صحبت‌های دوستانه، آهسته با دستم به سرش ضربه زدم (او از من کوتاهتر است). بلافاصله مرا کنار کشید و با مهربانی، اما قاطعانه گفت: «بس کن مارک. نمی‌توانی جلوی جماعت کلیسا اینطوری با من رفتار کنی، اگر می‌خواهی آنها به من احترام بگذارند». وقتی این حرف را زد، خیلی بدیهی به نظر رسید. البته! من باید در حضور مردم با او بعنوان یک رهبر رفتار می‌کردم و تلاش می‌کردم آن احترام در میان جماعت کلیسا پرورش یابد.

## ۶. در مورد عملکرد نظر بدهید

هنگامی که به یک خادم مسئولیت و فرصت می‌دهید، باید ساختاری برای نظر دادن به نحوه کار آنها نیز درست کنید. مثلاً به کسانی که تحت شاگردسازی شما بوده و مبتدی هستند، نحوه انتقاد کردن و دریافت انتقاد خداپرستانه را نشان دهید. با برادران در مورد چیزهایی که می‌توانند بهبود بخشند، صادق و مهربان باشید.

وقتی نحوه انتقاد کردن و دریافت انتقاد خداپرستانه را بطور عملی به دیگران نشان می‌دهید، توانایی تان در انتقاد خداپرستانه افزایش خواهد یافت. برای تشویق چنین رویه‌ای، سعی می‌کنم نظرات انتقادی را دریافت کنم و بلافاصله پاسخ ندهم (البته همیشه در این امر موفق نمی‌شوم)، حتی اگر با آن انتقاد مخالف باشم. اگر فکر کنم

آن نظر انتقادی دیگران را گمراه می کند جواب می دهیم، اما اگر هر انتقاد سازنده‌ای که جوان ترها به من پیشنهاد می کنند را رد کنم، به خصوص بعد از اینکه از آنها نظرشان را خواستم، آنها به سرعت می فهمد که رک و بی پرده نظر دادن به من بی فایده است (و باعث خجالت آنها می شود). و این هیچ فایده‌ای برای من نخواهد داشت! در خدمت من همیشه برای بهبود و پیشرفت جا هست. نظراتی که در این بیست سال در مورد خدمتم دریافت کرده‌ام به من بسیار کمک کرده است تا بهتر به کلیسا خدمت کنم.

علاوه بر الگو بودن در نحوه انتقاد کردن و دریافت انتقاد خداپرستانه، باید برای نحوه تشویق خداپرستانه نیز الگوی عملی باشیم. پولس انتقادات بسیار زیادی داشت که به کلیسای قرنتس بگوید، با این حال نامه خود را با شکر گزاری از خدا برای آنها شروع می کند: «زیرا شما در او از هر حیث غنی شده‌اید، در هر نوع بیان و هر گونه معرفت، ... به گونه‌ای که شما از هیچ عطایی بی نصیب نیستید، در همان حال که مکاشفه خداوند ما عیسی مسیح را انتظار می کشید» (اول قرنتیان ۵: ۷). من فکر نمی کنم که پولس در حال تملق و چاپلوسی قرنتیان بود. من فکر می کنم او به درستی آنچه خدا انجام داده بود را تصدیق می کرد. آیا ما نباید تصدیق کنیم که آنچه از جانب خدا می آید متعلق به خداست، مانند شواهد فیض در زندگی فردی دیگر؟ تشویق رهبران آینده باید به آنها تعلیم دهد که خدا را ستایش کنند.

بارها دیده‌ام مردان، مخصوصاً جوان‌ها، طوری عمل می کنند که انگار رهبری واقعی در تصحیح کردن دیگران نشان داده می شود. به همین دلیل است که اغلب موعظه‌های مردان جوان پر از سرزنش و ملامت است. آنچه که هنوز در نیافته‌اند این است که با تشویق کردن بیشتر می توان به نتیجه رسید. زمان‌هایی برای سرزنش کردن نیز وجود دارد. اما ۸۰ تا ۹۰ درصد از آنچه که امیدوارید اصلاح کنید می تواند از طریق تشویق حاصل شود. اگر به زندگی خود فکر کنید و ببینید چه افرادی بیشترین تأثیر را روی شما داشته‌اند، احتمالاً متوجه خواهید شد کسانی هستند که به شما ایمان داشتند. هنری دراموند Henry Drummond یک بار اظهار داشت: «اگر لحظه‌ای فکر کنید، خواهید دید افرادی که روی شما تأثیر می گذارند، کسانی هستند که به شما

ایمان دارند. مردان در یک فضای شک و بدگمانی پژمرده می‌شوند؛ اما در یک فضای ایمان و اعتماد رشد می‌کنند، دلگرمی و مشارکت آموزنده پیدا می‌کنند.<sup>۱۱</sup>

وقتی مشاهده می‌نمایم مردانی که شاگردسازی می‌کنم، من یا یکدیگر را مورد تشویق و انتقاد قرار می‌دهند، به همان اندازه که درباره موضوع مورد نظر آنها یاد می‌گیرم، درباره خود آنها نیز یاد می‌گیرم. مانند این که در یک گالری هنری بایستید و به نقاشی‌ها نگاه نکنید، بلکه به کسانی که در حال تماشای نقاشی‌ها هستند. آنها مجذوب چه چیزی شده‌اند؟ بر روی چه چیزی تأکید می‌کنند؟ اگر شبان هستید، یک سیستم خوب برای نظر دادن کمک می‌کند که همه این شاگردسازی اتفاق بیوفند.

#### ۷. اقتدار خداپرستانه را تشویق کنید

امروزه مردم اغلب نمی‌فهمند که اقتدار خداپرستانه چه عطیه‌ای می‌تواند باشد. مطرح کردن رهبران مستلزم این است که درباره اقتدار خداپرستانه تعلیم دهیم و آن را ترغیب نماییم. عیسی قطعاً درباره استفاده صحیح اقتدار به شاگردانش تعلیم داد (متی ۲۰: ۲۵-۲۷).

دنیای سقوط کرده از اقتدار سوء استفاده می‌کند و در مورد اقتداری که صحیح استفاده شده است، دروغ می‌گوید. دروغ اساسی شیطان به آدم و حوا این بود که خدا واقعاً نمی‌تواند آنها را دوست داشته باشد و به آنها نه بگوید.

وقتی مردم نسبت به مکمل‌گرایی (در مورد مرد و زن) دست پاچه می‌شوند و از بابت آن عذرخواهی می‌کنند، می‌دانم که احتمالاً تفکر نادرستی درباره اقتدار دارند. انگار اقتدار برای کسی که آن را دارد، فقط یک مزیت است. ظاهراً آنها بچه نداشته‌اند! اقتدار فقط برای کسی که آن را ندارد، به نظر یک مزیت می‌آید. وقتی اقتدار دارید، به نظر می‌رسد که تقریباً همه «مزایا» ناپدید می‌شوند، و شروع می‌کنید

---

<sup>۱۱</sup>. Henry Drummond, *The Greatest Thing in the World and Other Addresses* (London: Hodder and Stoughton, 1959), 36.

بفهمید که چه مقدار از آن اقتدار، خدمت است - بله، یک خدمت باشکوه است، ولی بهر حال خدمت است.

این مسئله سالها پیش برای من واضح شد، وقتی کتاب دوم سموئیل را موعظه می کردم. «آخرین سخنان» داوود قابل توجه است: «خدای اسرائیل سخن گفت؛ صخره اسرائیل مرا گفت: آن که عادلانه بر مردم حکومت کند، و خدا ترسانه حکم برآند، همچون روشنایی صبح است، مانند نخستین پرتوهای خورشید در صبح بی ابر، و چون برق سبزه های روی زمین پس از بارش باران» (۲۳: ۳-۴). اقتدار خوب به افرادی که تحت آن هستند برکت می دهد. به آنها خوراک می دهد. مردم مجذوب اقتدار سالم و خوبی می شوند که در جهت خیریت آنهايي که سرپرستی می کند بکار گرفته می شود، نه آن اقتداری که برای منفعت صاحبش بکار می رود. ببینید چطور یک خانواده تحت اقتدار والدین خوب کامیاب می شود، یا یک تیم تحت اقتدار یک مربی خوب.

به همین دلیل است که سوءاستفاده از اقتدار توسط شبانان گناهی بشدت مخرب و کفرآمیز است. علاوه بر این، داستان های مربوط به خرید جت های چند میلیون دلاری توسط واعظان انجیل کامیابی، نشان دهنده چیزی بسیار پیچیده و شیطانی است. چنین «شبانانی» درست در راستای دروغی که شیطان در باغ عدن در گوش آدم و حوا نجوا کرد، عمل می کنند: که اقتدار فقط راهی است برای سوءاستفاده از شما در جهت منافع آن رهبر.

خوشبختانه، پادشاه روی صلیب به ما نشان می دهد که اقتدار خداپرستانه خلاف این می باشد.

درست همانطور که عیسی درباره استفاده خداپرستانه از اقتدار به شاگردان خود تعلیم داد، ما نیز باید به مردانی که برای رهبری مطرح می کنیم، همین تعلیم را بدهیم. و شبانان باید الگو و مدل چنین اقتداری باشند.

## ۸. انتظار شفافیت داشته باشید

رهبران کلیسا باید بدانند که چگونه در مورد اصول ایمان مسیحی و بطور کلی تعلیم حقیقت بسیار شفاف باشند. این مفهوم و نتیجه آن چیزی است که پولس در اعمال ۲۰ به رهبران افسس تعلیم می‌دهد. و پنداشت اوست در نامه‌هایش به تیموتائوس و تیطس. به عنوان مثال، او می‌گوید که «اینها را پیوسته بدیشان یادآور شو و در حضور خدا هشدار ده که بر سر کلمات مجادله نکنند، که جز تباهی شنوندگان ثمری ندارد» (اول تیموتائوس ۲: ۱۴). یک رهبر باید درک واضحی از حقیقت داشته باشد. شما کسانی را می‌خواهید که توانایی طبیعی برای پاسخ دادن به «چرا؟» را داشته باشند. و آنها باید مخصوصاً در مورد برخی از موضوعات کاملاً شفاف و واضح باشند: اساسی‌ترین موضوعات مربوط به الهیات و انجیل؛ آن اصول اعتقادی که کلیسای شما را از دیگر کلیساها متمایز می‌کند؛ و آن تعالیم کتاب مقدس که بشدت مورد انتقاد هستند و در حال حاضر عموماً در دنیا غیرمحبوب هستند.

## ۹. یک فرهنگ فروتنی پرورش دهید

آنچه تمامی این هشت قدم قبلی نیاز دارند، یک فرهنگ فروتنی است. شاگردسازی مسیحی به چنین فروتنی بستگی دارد، نه حسادت.

هیچ نشانی از فروتنی در من نیست، اگر کسی در حال خدمت باشد و من با خودم فکر کنم که «من بهتر انجام می‌دهم!» یا دل‌سرد شوم و بگویم که «من هیچوقت نمی‌توانم مثل او انجام بدهم.» خدا کارهای مختلف خوبی را توسط افراد مختلفی انجام می‌دهد. ما مثل سازهای مختلف در یک ارکستر موسیقی هستیم، و یک رهبر خوب به هر فردی کمک می‌کند که جایگاه خودش را پیدا کند. چرا یک ترومپت بخواهد نسبت به یک طبل حسودی کند؟ هر کدام می‌توانند برای آنچه که هستند، خوش باشند و لذت ببرند.

پرورش فرهنگ فروتنی به معنای کار کردن بر ضد ترس از انسان است. و البته این کار را بوسیلهٔ آموختن ترس از خداوند انجام می‌دهیم. از مردانی که می‌خواهند در دوره کارآموزی شبانی کلیسای من شرکت کنند، قبل از هر چیزی می‌خواهیم

کتاب **وقتی که مردم بزرگ هستند و خدا کوچک**<sup>۱۲</sup> اثر اد ولچ Ed Welch را بخوانند. اگر این کتاب را نمی‌شناسید، من آن را بشدت توصیه می‌کنم. هر رهبر آینده‌ای باید یاد بگیرد که ترس از انسان را در خودش تشخیص بدهد. یکی از راه‌هایی که می‌توانیم آن را در یک کارآموز جدید ببینیم این است که وقتی او در کلیسای ما حضور پیدا می‌کند و توسط رهبران قوی دیگر تهدید می‌شود. اما من تا آنجا که می‌توانم رهبران قدرتمند می‌خواهم. از همه اینها گذشته، کل خدمت‌م به نوعی می‌تواند این باشد که کلیسایم را برای شبان بعدی آماده کنم.

به طور کلی، فروتنی باعث می‌شود که وقتی باید صحبت کنیم، سخن بگوییم و وقتی باید سکوت کنیم، خاموش بمانیم. فروتنی باعث می‌شود که هم مهربان باشیم و هم پوست کلفت. من می‌خواهم ببینم که کلیسای خدا رونق می‌یابد یا دیدن اینکه رهبران فروتن بیشتری مطرح می‌شوند. و فکر می‌کنم که فروتنی من بخشی از چگونگی وقوع آن است.

چه شادی عظیمی است که توسط خدا برای شاگردسازی دیگران مورد استفاده قرار بگیریم! چرانخواهید زندگی خود را صرف این کار کنید؟

---

۱۲. *When People Are Big and God Is Small*

## خاتمه

### نوشتۀ جانان لی من

در طول این کتاب، مارک چند مورد از چگونگی استفاده از برخی از دستورالعمل‌های خودش را به نمایش گذاشته است. آنچه خواننده کتاب به دلایل بدیهی از آن غافل می‌شود، تصویر بزرگی است که زندگی خود اوست. نزدیک به بیست سال است عضو کلیسای ایشان هستم و حدود ده سال است که با او خدمت کرده‌ام و ای کاش خواننده می‌توانست آنچه که من دیده‌ام را ببیند تا آن اصولی که در طول ده فصل گذشته با آنها روبرو شده را بهتر و واضحتر مشاهده نماید.

برخی از کارهایی که مارک در شاگردسازی انجام می‌دهد، مربوط به شخصیت اوست و قابل تکرار کردن نیستند. خبر خوب برای من و شما این است که موارد کتاب مقدسی که در این کتاب توضیح داده شده‌اند، قابل تکرار هستند. همچنین درس‌های مربوط به موضوعی که می‌خواهم اینجا بررسی کنم. یعنی درس‌های مربوط به اقتدار.

من از ایشان تقاضا کردم این امتیاز به من داده شود که بخش خاتمه کتاب را بنویسم تا بتوانم به نوعی زندگی او را به تصویر کشیده تا به شما کمک کنم آنچه که من می‌بینم را نیز ببینید. در یک جمله، آنچه که مارک فوق العاده عالی انجام می‌دهد، و آنچه که من به شما توصیه می‌کنم صرفنظر از وظیفه و نقش شما در کلیسا، این است که این دو چیز را با هم ترکیب کنید: **اعمال اقتدار و واگذاری اقتدار**.

گمان می‌کنم بیشتر مردم این دو را متضاد هم می‌دانند، و در یک دنیای سقوط کرده به طور معمول همینطور است. اما هرکسی که با زندگی مسیح آشنا باشد، و

درک می کند که اقتدار خداپسندانه به طور کلی چگونه کار می کند، می داند که اعمال اقتدار و واگذاری اقتدار، دو روی یک سکه هستند.

وقتی صحبت از اعمال اقتدار می کنم، می توانید حدس بزنید که منظورم چیست. معنایش این است که فرد کارهایی که باید انجام شود و تصمیماتی که باید گرفته شود را متعلق به خودش می داند. او بواسطه حق اخلاقی، دارای قدرت تصمیم گیری در بعضی از حوزه هاست. و بدین ترتیب، او ابتکار عمل، و کنترل را در دست گرفته، تصمیم گیری می کند و مطمئن می شود که کارها انجام می شوند. بدون شک، مارک در کلیسای خودش اینگونه است. او رهبری می کند. او کشتی را هدایت می کند. کلیسای ما مسیری را دنبال می کند که او و مشایخ رسم کرده اند. و هیچ کمروبی و کم گویی در رهبری او وجود ندارد.

اگر شخصی چنین اقتداری را از موضع غرور اعمال کند، در بهترین حالت همه آنها را بدون احساس انجام می دهد، و در بدترین حالت بطور خیلی شدید. او با مردم به عنوان وسیله ای برای رسیدن به اهداف خودش رفتار خواهد کرد، و آنها شکوفا نشده و رشد نخواهند کرد.

با این حال، اگر شخصی اینگونه رهبری کند ولی از موضع فروتنی، در عین حالیکه اعمال اقتدار خواهد کرد، اقتدار را نیز واگذار می کند. از این گذشته، به فکر رسیدن به اهداف خود نبوده، بلکه به اهداف کسی فکر می کند که او را در این جایگاه گذاشته است. بنابراین تلاش خواهد کرد افراد بیشتری را برای خدمت مجهز و توانمند سازد. بدون شک، مارک هم همینطور است. او پیوسته مسئولیت محول می کند، فرصت می دهد، و دیگران را برای رهبری مجهز می کند.

### راه های واگذاری اقتدار

من این مساله را به شما خواننده واگذار خواهم کرد که ببینید واگذاری اقتدار در کار شاگردسازی شما چه شکلی می تواند باشد، چه در خانه شاگردسازی کنید، یا در محل کار، یا در کلاس های روز یکشنبه در کلیسا، یا در گروه های کوچک، یا خدمت پاراکلیسایی، یا در بین دوستان، یا هر حوزه دیگری. اما بگذارید روش هایی

که دیده‌ام مارک در خدمت خودش بعنوان شبان ارشد استفاده می‌کند را برای تان فهرست کنم (هر چند که نمونه او را در اینجا به یک ضرورت اساسی تبدیل کرده‌ام). هدف در اینجا بالا بردن مارک نیست، بلکه بگویم (همانطور که پولس در مورد خودش می‌گوید) از او تقلید کنید، همانطور که او از مسیح تقلید می‌کند. همچنین امیدوارم که این را کشف کنید: کار شاگردی چیزی بیشتر از رابطه یک به یک است که مرکز توجه این کتاب بوده است. سرانجام، شاگردسازی یک طرز زندگی و شیوه زیستن با دیگران است. شاگردسازی در مورد بنای کلیه تعاملات شما با دیگران است به نحوی که بتوانید فرصت‌ها را به دیگران انتقال دهید. پس در اینجا، چگونگی انجام این کار توسط یک شبان را توضیح می‌دهم، به همراه سوالاتی برای همه افراد.

• کلیسا را بر انجیل بنا کنید. مهم نیست چه کسی تعلیم می‌دهد، انجیل باید بطور مشخص و در مرکز تعلیمات باشد. هنگامی که روابط و ساختارهای قدرت بر اساس انجیل پایه ریزی شده‌اند، مردم از اقتدار خود برای تسلط بر یکدیگر استفاده نمی‌کنند، بلکه برای خدمت به یکدیگر (متی ۲۰: ۲۵ - ۲۸). آیا شما رابطه شاگردسازی خود را بر روی انجیل بنا می‌کنید یا اجرا و کار آئی؟

• جمعی از مشایخ رسمی و غیر رسمی بوجود بیاورید. وقتی هیات اجرایی کلیسا فقط از مشایخ رسمی تشکیل شده است، هر کدام ممکن است یک حق رأی داشته باشند، ولی ساختار این شکل بر اساس سلسله مراتب است. اضافه کردن مشایخ غیر رسمی به هیات اجرایی سبب خنثی کردن این حالت سلسله مراتبی می‌شود. آیا به دیگران مسئولیت‌های رسمی می‌دهید؟ آیا در حوزه تخصصی و اختیارات خودتان به مشاوره خارج از هیات اجرایی کلیسا توجه می‌کنید؟

• حاضر باشید مشایخ موافق شما رأی ندهند. من شنیده‌ام که بعضی شبانان ارشد هستند که هیچوقت رأی مخالف با آنها داده نمی‌شود. اگر این اتفاق افتاد،

تقریباً باید به فکر مرخص کردن آن مشایخ باشید. درباره ضعیف شدن رهبری آنها صحبت کنید! آیا در تصمیم‌گیری‌ها همیشه نظر شما باید به کرسی بنشیند؟

• درصد موعظه‌های خود را محدود کنید. مارک با توافق مشایخ، ۵۰ تا ۶۵ درصد موعظه‌های یکشنبه را انجام می‌دهد. به این ترتیب، بقیه نیز این فرصت را دارند که رشد کنند و اقتدار کسب نمایند. و جماعت کلیسا بیشتر به کلام وابسته می‌شود تا به یک مرد. آیا به کسی که شاگردسازی می‌کنید فرصت می‌دهید که روی صحنه برود؟

• فرصت‌های بسیار دیگری برای تعلیم ایجاد کنید. آیا به طور جدی به دنبال ایجاد فرصت خدمت برای دیگران هستید؟

• به معلمان جوان فرصت دهید که اشتباه کنند. می‌توانم به یکی - دو مورد فکر کنم که یک معلم یا واعظ چیزی را آنقدر نامناسب گفتند که از او دوباره خواسته نشد که تعلیم بدهند. اما به طور کلی، معلمان جوان در کلیسای ما آزادی زیادی دارند که کسل‌کننده باشند و اشتباه کنند. از آنجایی که کلیسا بیشتر به کلام خدا وابسته است تا مارک، جماعت کلیسا برای مردان جوان شکیبایی زیادی نشان می‌دهند. آیا شما از آن دسته مربی‌هایی هستید که اشتباه یک شاگرد را نمی‌بخشید، یا به تازه‌کارها فرصت می‌دهید اشتباه کنند؟

• بگذارید دیگران ایده‌های شما را بدزدند. مارک خودش اجازه می‌دهد معلمان دیگر کلیسا از مثل‌ها و داستان‌ها و عبارات معروف او استفاده کنند و پیغام‌هایش را به نوعی تقلید نمایند. آیا همیشه شما باید اعتبار کسب کنید؟

• برای حرف زدن عجله نکنید و در جلسه مشایخ کم صحبت کنید.  
آیا از انتخاب رستوران گرفته تا بحث در مورد یک مسئله اخلاقی پیچیده، شما حرف آخر را می‌زنید؟

• در جلسات مشایخ یا اعضای کلیسا رئیس نباشید. فراهم کردن فرصت برای یک شخص دیگر به عنوان رئیس جلسه، که هم دستور کار را تعیین می‌کند و

هم جلسه را رهبری می کند، راهی آسان برای توزیع اقتدار است. آیا همیشه باید پادشاه باشید، یا از پادشاه سازی هم لذت می برید؟

• در جلسات «اعضای کلیسا» برای بررسی موضوعات سخت، بگذارید مشایخ دیگر جلسه را رهبری نمایند. هنگامی که نوبت به هدایت و رهبری کلیسا در موارد مربوط به شاگردسازی، تصمیمات بزرگ مالی، یا سایر موضوعات دشوار می رسد، شیخی که بیشترین درگیری و فعالیت را داشته است ممکن است بهترین کسی باشد که کلیسا را به طور علنی رهبری نماید.

آیا شما از این واقعیت بخوبی آگاه هستید که روح القدس به بدن مسیح عطایای مختلف بخشیده است، و هر قسمت از بدن مورد نیاز است، و شما عمیقاً به کل بدن وابسته هستید؟ آیا رهبری و شاگردسازی شما این امر را منعکس می کند زیرا دائماً از افراد دیگر دعوت می کنید که تخصص و نقاط قوت خود را به کار گیرند؟

• به یک یا دو مورد از کارهای کلیسا خودتان را متعهد سازید و بقیه امور را بعهده دیگران بگذارید. مارک تا حدود زیادی به آماده کردن موعظه می پردازد و تقریباً کار دیگری نمی کند. بنابراین اگر می خواهید بقیه اعضای کلیسا در بعضی زمینه ها فعالیت بیشتری انجام دهد، اجازه دهید آن فعالیت ها را انجام دهند و شما درگیر آنها نشوید. این فرایند رهبران طبیعی دیگر را «نمایان می سازد».

آیا از نقاط قوت و استعدادهایی که مال شما نیستند، لذت می برید و آنها را در دیگران تشویق می کنید؟ یا شما یک نوازنده ترومپت هستید که فقط به نت های خودتان توجه می کنید و هرگز از سازهای دیگر ارکستر لذت نمی برید و آنها را تشویق نمی کنید؟

• جزئیات را مدیریت نکنید. مارک فقط در چند حوزه به مدیریت جزئیات می پردازد، مثلاً مطمئن می شود که کارمندانش به موقع در جلسات و خدمت ها حاضر می شوند. اما تقریباً در همه موارد دیگر به بقیه اجازه می دهد

خودشان مدیریت کنند. مدیریت جزئیات نه فقط سبب خستگی یک رهبر می شود، بلکه ابتکار عمل دیگران را نیز تضعیف می کند.

آیا به دیگران اجازه می دهید کاری را انجام داده و به پایان برسانند، حتی اگر می دانید که خودتان می توانستید این کار را بهتر انجام دهید؟

• آماده دریافت انتقاد باشید. مارک با دعوت از انتقاد، نمونه عملی فراهم می نماید. این کار به رهبران آینده فرصت استقلال عمل و شکوفایی می دهد. اگر هرگز حاضر نیستید مورد نقد قرار بگیرید، به اطرافیان خود می آموزید که همیشه باید از سلیقه شما پیروی کنند و گرنه مجازات می شوند. رهبران در چنین محیطی رشد نمی کنند. آنها پژمرده می شوند یا آنجا را ترک می کنند.

آیا شما دعوت به انتقاد می کنید؟ آیا وقتی مردم انتقاد می کنند، از آنها «تشکر می کنید»، یا بحث می کنید؟

• برای کلیساها و فرقه های دیگر دعا کنید. این امر قبیله گرایی را شکست داده و ما را به جای تمرکز بر رهبر کلیسا، بر انجیل متمرکز می سازد. این دعا به نوبه خود ابتکار عمل انجیلی بیشتری را در بین دیگر رهبران جوان کلیسا ایجاد می کند.

آیا کارهای سایر افراد و تیم هایی که همان اهداف شما را دنبال می کنند، تشویق می کنید؟ یا مساله فقط پیروزی و موفقیت شماست؟

• در بخشیدن دیگران سریع باشید. برای کسی که فقط خطاها و عیب ها را پیدا می کند، واگذاری اقتدار کار خیلی مشکلی است. اگر فقط عیب ها و خطاها را می بینید، به کسی اعتماد نکرده و مسئولیت نخواهید داد. ولی اگر در بخشیدن دیگران سریع هستید، واگذاری مسئولیت و قدرت به دیگران برای تان ساده تر خواهد شد.

آیا دیگران را به سرعت می بخشید؟ یا فوراً دور افراد را خط می کشید؟

• در پیروزی های دیگران شادی کنید. آیا شما باید آن کسی باشید که کار را به انجام می رسانید، یا خوشحال می شوید که به دیگران مساعدت و یاری

برسانید؟ مارک از پیروزی دیگران به اندازه پیروزی‌های خودش خوشحال می‌شود. اگر شخص دیگری بتواند کاری را انجام دهد، مارک آن را ترجیح می‌دهد. اینطوری خودش می‌تواند به کار دیگری پردازد.

هر از چند گاه سخنان تشویق‌آمیز از دهان شما بیرون می‌آید؟ هر از چند گاه نحوه عملکرد شخص دیگری را تبریک می‌گویید، مخصوصاً وقتی که در حوزه‌ای باشد که شما در آن خبره هستید؟

همانطور که گفتیم همه این مثال‌ها و سوالات به طور مرتب و منظم در یک رابطه شاگردسازی یک به یک بکار نمی‌رود. بلکه به یک حالت مربی و سبک زندگی اشاره می‌کنند. و آن حالت عبارت است از: «خدا به من یک وقت و استعداد عطا کرده است، و من می‌خواهم به بهترین وجه از وقت و استعداد خودم برای تجهیز و توانمندی دیگران استفاده کنم. من قصد ندارم فقط به گل‌های باغچه خودم برسیم، بلکه می‌خواهم به آنها نیز کمک کنم تا به گل‌های باغچه خودشان برسند».

از همه اینها گذشته، کدام یک زیباتر است: یک باغچه مرتب که پر از گل‌های رز شماست؟ یا یک باغچه متنوع از گل‌های رز شما و لاله و مروارید و زنبق و سوسن و میخک و دیگر گل‌های زیبای دیگران؟

### **واگذاری اقتدار چگونه فرهنگ یک کلیسا را شکل می‌دهد**

به این فکر کنید که چه اتفاقی می‌افتد وقتی خصوصیت رهبری که در رأس کلیسا قرار دارد، این است که سخاوتمندانه به دیگر مشایخ غیر رسمی و اعضای کلیسایش اقتدار می‌بخشد. به این فکر کنید که چه اتفاقی می‌افتد وقتی اعضای کلیسا فرصت‌ها را به دیگران انتقال می‌دهند. به این فکر کنید که چه اتفاقی می‌افتد وقتی شما از روابط شاگردسازی خودتان استفاده می‌کنید تا به دیگران اقتدار بدهید. چه اتفاق می‌افتد؟ این امر از انواع و اقسام راه‌های خارق‌العاده فرهنگ یک کلیسا را شکل می‌دهد. و آن باغچه زیبای متنوع و رنگارنگ را ایجاد کرده و پرورش می‌دهد. بطور مشخص:

۱. کمک می کند تا انجیل در بالاترین درجه اهمیت باقی بماند. واگذاری اقتدار سبب می شود کلیسا بر اهداف انجیل تمرکز کند، نه بر رهبر کلیسا.

۲. روابط واقعی را ترویج می کند. در محیطی که از اقتدار حسودانه محافظت می شود، روابط بوی سیاست و استراتژی می دهند. محافظه کاری صورت می گیرد، آسیب پذیری ها در معرض دید قرار نمی گیرند و شفافیت کاهش می یابد. اما وقتی مردم احساس قدرت و توانمندی می کنند، احتمال اصالت و صداقت شان بیشتر است.

۳. جلوی نژادپرستی کلیسا را می گیرد. افرادی که به طور مداوم دست به واگذاری اقتدار می زنند، به اطرافیان خود می آموزند که بیشتر به موفقیت انجیل علاقه دارند، صرف نظر از اینکه چه کسی رهبری می کنند (فیلیپان ۱: ۱۲-۳۰ را ببینید).

۴. اعضای کلیسا را تشویق می کند منابع خود را به اشتراک بگذارند. وقتی می بینم که رهبران من فقط به فکر خودشان نیستند، من نیز متمایل می شوم به دیگران ببخشم.

۵. سلسله مراتب اجتماعی طبیعی را از بین می برد. اعضا به عنوان کسانی که برابر هستند با یکدیگر تعامل می کنند. چرا؟ زیرا انجیل در مرکز خدمت کلیسا حفظ شده است. همه ما گناهکارانی هستیم که با فیض نجات یافته ایم. رهبران برتر و مهمتر از دیگران نیستند، و این الگویی برای همه است.

۶. اعتماد را پرورش می دهد. هنگامی که رهبران و اعضا به فکر خودشان نیستند، اعتماد به انگیزه های آنها آسان تر است، حتی اگر تقاضای فداکاری کنند.

۷. تعلیم پذیری و تمایل به دریافت انتقاد را پرورش می دهد. دوباره می گویم، اگر به افرادی که بالاتر از من قرار دارند (چه بطور رسمی و

چه غیر رسمی) اعتماد کنم، بیشتر حاضر می شوم انتقاداتشان از خودم را بشنوم. اعتماد می کنم که انتقادات آنها ریشه در محبت دارد، نه حس برتری.

۸. تمایل به بخشیدن دیگران را ترویج می کند. هنگامی که یک رهبر به سرعت خطاها و عیب‌های دیگران را می‌بخشد، بیشتر مایل خواهد شد که به دیگران اقتدار بدهد. این به نوبه خود به دیگران کمک می کند تا همین کار را انجام دهند.

۹. کلیسا را ترغیب می کند که تفکر آموزشی - تربیتی داشته باشد. کلیسایی که می‌بیند رهبرانش به طور مداوم برای تربیت و توانمندی دیگران تلاش می کنند، به سختی می تواند همان رویا را نداشته و به آن نپردازد.

۱۰. کمک می کند تا کلیسا بر بیرون متمرکز شود. روند مطرح کردن رهبران به یک کلیسا کمک می کند تا درک کند که هدفش فقط این نیست که فقط به فکر بهتر شدن خودش باشد، بلکه به دیگر کلیساها نیز کمک کند که شاداب تر و سالم تر بشوند.

مطمئناً، تفویض اقتدار می تواند بطور ناچیز یا بدون هدف انجام شود. تفویض خوب اقتدار مستلزم حکمت است. می‌رسیم به سؤال مربوط به وضعیت قلب: آیا از اینکه ببینیم دیگران اقتدار کسب می کنند، خوشحال می شویم، یا حسودانه از آن محافظت می کنیم، می‌ترسیم ممکن است دیگران از ما جلو بزنند؟ اگر خوشحال می شویم، برای گسترش آن چه کاری انجام می دهیم؟

نمونه عالی ما در مورد اعمال اقتدار در حین واگذاری اقتدار، کسی نیست جز خود خدا، به ویژه از طریق شخص عیسی مسیح. خدا آدم را به شباهت خود آفرید و «تاج» جلال و اشرف مخلوقات را بر سر او نهاد، و اختیار همه چیز را به دست او سپرد (مزمور ۸: ۵-۶). سپس او تمامی قدرت در آسمان و بر زمین را به مسیح داد تا قومی را برای خود فراخواند (متی ۲۸: ۱۸؛ رجوع کنید به عبرانیان ۲: ۶-۸). سپس مسیح به این قوم - ما - دستور داد که شاگردان بسازیم تا بلکه در سلطنت او سهیم

شویم. کتاب مقدس به طرز حیرت انگیزی حتی از عبارت انسان‌های باز خرید شده که **به همراهِ** خدا سلطنت می‌کند، استفاده نموده است (در دوم تیموتائوس ۲: ۱۲؛ مکاشفه ۲۰: ۶).

اگر مسیح به خاطر شادی و خوشی بخواهد سلطنت خود را با ما به اشتراک بگذارد، انتظار دارید ما نیز در به اشتراک گذاشتن اقتدار خودمان با دیگران چقدر شادی و خوشی پیدا خواهیم کرد؟ فکر می‌کنم این قلب شاگردسازی است: به اشتراک گذاشتن اقتدار. و نتیجه چه خواهد بود؟ شناخت شادی و خوشی خود خدای آفریننده و باز خرید کننده.

خاتمه



Building Healthy Churches

# Discipling

*In Farsi*

*Mark Dever*

*Translation By: Nader Pormand*

*Editor: Mohammad Sanavi*

Bible Training Center for Persians

978-1-951474-49-2

© 2020, 9Marks  
[www.9marks.org](http://www.9marks.org)  
[www.btcpersians.com](http://www.btcpersians.com)  
[www.kanoneketab.com](http://www.kanoneketab.com)

202010





## بنای کلیسای تندرست

هدف سازمان «ناین مارکس» (۹ علامت) تجهیز رهبران کلیسا با دیدگاه کتاب مقدس و منابع قابل اجرا جهت به نمایش گذاشتن جلال و شکوه خدا به جمله‌ها از طریق کلیساهای تندرست است.

۱ - موعظه تشریحی

۲ - الهیات کتاب مقدسی

۳ - درک کتاب مقدسی از خبر خوش

۴ - درک کتاب مقدسی از تبدیل شدن انسان‌ها

۵ - درک کتاب مقدسی از بشارت

۶ - درک کتاب مقدسی از عضویت کلیسا

۷ - درک کتاب مقدسی از انضباط و تادیب کلیسایی

۸ - شاگردی و رشد کتاب مقدسی

۹ - رهبری کتاب مقدسی کلیسا

9marks.org

Bible Training Center  
for Persians



Discipling - Farsi